

شنبه ۱۰ دلو ۱۳۶۰،
۳۰ جنوری ۱۹۸۲
شماره (۴۳ - ۴۴)
سال ۳۳
قیمت يك شماره ۱۳ - افغانی

ون

د اطلاعات او کلتور وزارت



Ketabton.com





بېرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب ددو كراتيك خلق افغانستان و رئيس شوراى انقلابى جمهورى ددو كراتيك افغانىستان
هنگام صحبت با اعضاى شوراى مركزى اتحاديه نويسندگان و شعراى جمهورى ددو كراتيك افغانىستان.

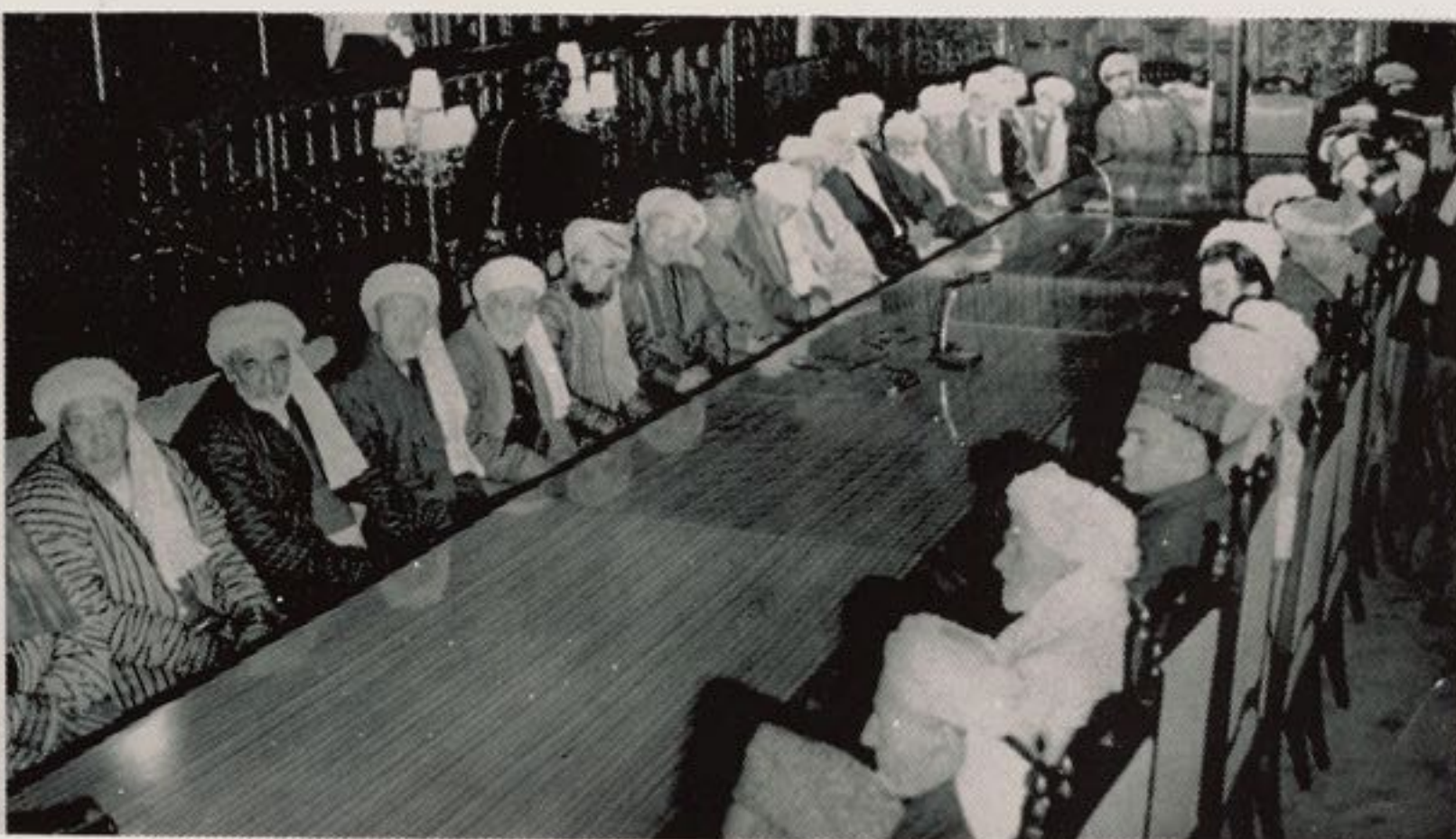
اختصار وقایع مهم هفتا

هغوى سره يې د پوره صميميت
په فضا كې خبرې و كړې .
صحبت نمودند .

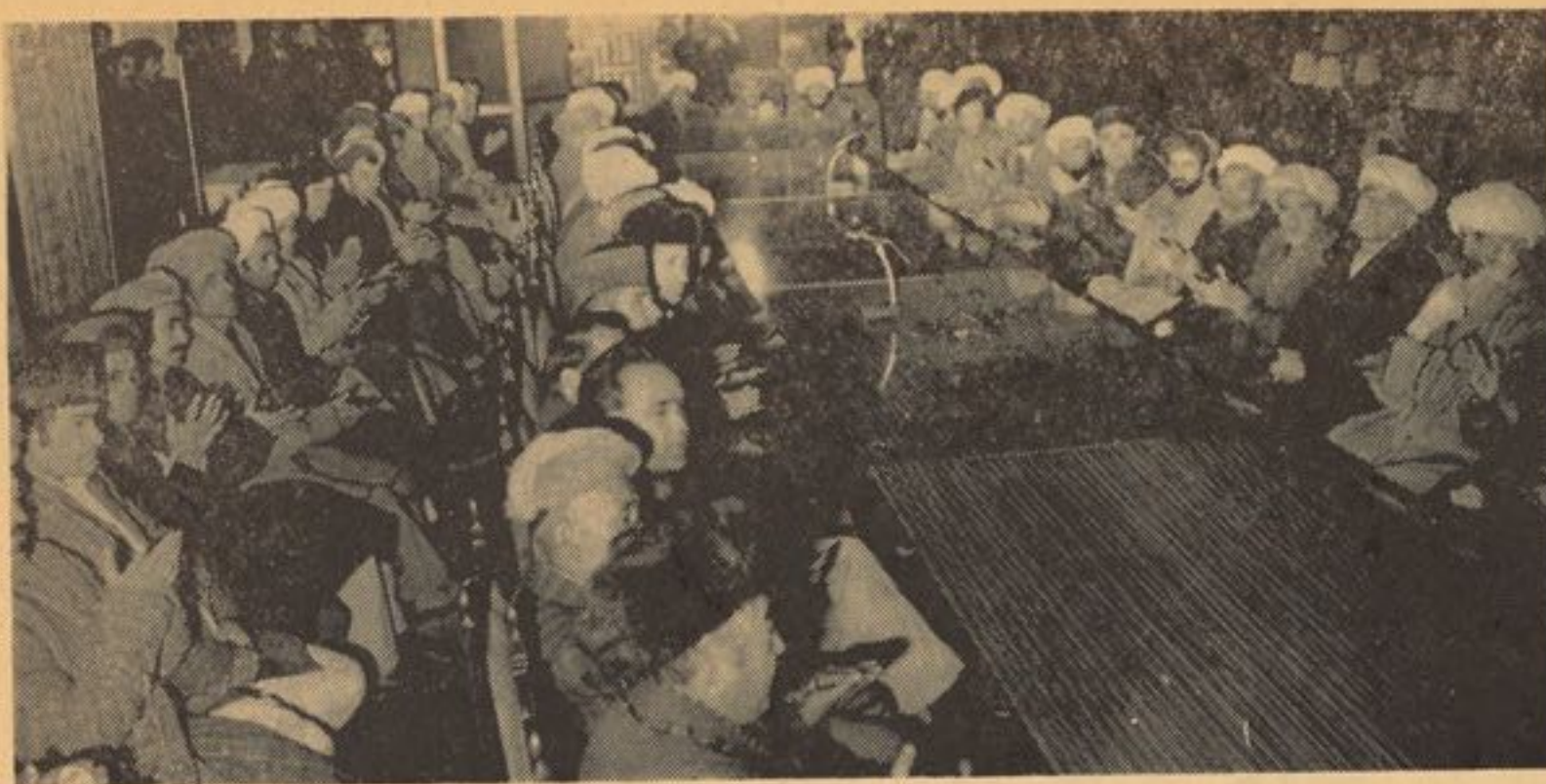
بېرك كارمل منشي عمومي كميته
مركزي ح.د.خ.ا. و رئيس شو راى
انقلابى روز اول دلو عده يې از
موسفيدان و بزرگان مردم
زحمتكش و لايت بدخشان را در
قصر گلخانه مقرر شوراى انقلابى
پذيرفته در فضاى گرم و صميمانه
با آنها صحبت نمودند .

بېرك كارمل منشي عمومي كميته
مركزي ح.د.خ.ا. و رئيس شو راى
انقلابى ح.د.ا. روز ۳۰ جدى عده يې
از بزرگان و موسفيدان مردم
شرافتمند و لسوالى خلم و لايت
سمنگان را در قصر گلخانه مقرر
شوراى انقلابى پذيرفته در فضاى

دافغانستان د خلك ددو كراتيك
گوند د مركزي كميته عمومي
منشي او دافغانستان ددو كرا-
تيك جمهوريت د انقلابى شو را
رئيس بېرك كارمل د جدى په ۲۸
نېټه د پكتيا و لايت د منگلو ،
خاخيرو ، خدرانو ، احمد زيار او
طوطا خيلو د قومونو مشران او
استازي د انقلابى شو را د مقرر
گلخانه يې په ماڼۍ كې و منل او له



هنگاميكه بېرك كارمل با بزرگان و موسفيدان مردم شرافتمند خام نمندگان صحبت مي نمايند .



بیرک کارمل با مو سفیدان و بزرگان مردم ز حمیتکش بدخشان صحبت نمودند.

دکتو رانا هیتا راتب زاد عضو
بیروی سیا سی ح. د. خ. ۱۰ و رئیس
سا زمان دمو کرا تیک زنان افغا-
نستان بد عوت و یلما سپین دو-
کاسترو عضو علی ا لبد ل بیروی
سیا سی کمیته مرکزی حزب
کمو نست کیو با و رئیس فدراسیون
زنان کیو با برای یک بازدید رسمی
و دو ستانه از آنکشور در را س
هیأتی روز ۷ دلو عا زم ها وانا
شد.

...

دکا بل بنار د گو ندی کمیته
پر غی و او د کابل د بنار د نا حیو
دگو ندی کمیته پر منشیا نو باندی
دافغا نستان د خلک د مو کرا تیک
گو ند د غی یو ب کار تو نه
ددلوی په خلور مه نیته د یو لی
مرا سمو په ترخ کی دافغا نستان
دخلک د مو کرا تیک گو ند دمرکزی
کمیته په مقر کی وو یشل شول.

...

کنفرا نس های نا حیو ی حزبی
شهر کابل بخا طر تایید و پشتیبانی
از مصوبات هفتمین پلینوم کمیته
مرکزی ح. د. خ. ۱۰ و انتخاب نمایند
گان برای اشتراک در کنفرا نس
شهری حزبی روز ۶ دلو د ر
کابل آغاز یافت.

...

دهیواد د ستر عا رف شیخ -
بستان بر یخ د مریخی خلو رسوم
تلین ددلولی په ۱۱ نیته دیوی غونله
په ترخ کی د آریانا هو تل په تالار
کی و نما نخل شو.

عضو بیروی سیا سی کمیته مرکزی
ح. د. خ. ۱۰ و رئیس شو رای وزیران
ح. د. ۱۰ در عمارت کمیته دو لسی
پلان گذاری دایر گردید.

...

دافغا نستان ددمو کرا تیک
جمهوریت د وزیرانو د شو رارئیس
سلطانعلی کشتمنددئوی به دیارلسمه
نیته دپلان جوړولو په برخه کی
دافغان، شوروی د همکارۍ دفرعی
گډ کمیسیون له رئیسانو او غړیو
سره د وزیرانو د شورا په مقر کی
ومنل.

...

نویسندگان و شعرا تقویض
گردید.

از طرف بیرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی ح. د. خ. ۱۰ و رئیس
شورای انقلابی ح. د. ۱۰ تیلگرام
تبریکه بمناسبت سی و سومین
سالگرد روز جمهوریت هند عنوانی
نیلام سنجی واریندی رئیس جمهور
هند به دهلی مخا بره شده است.

...

پنجمین جلسه عمومی شو رای
اقتصادی ح. د. ۱۰ روز ۲۹ جدی
تحت ریاست سلطانعلی کشتمند



رانا هیتا راتب زاد عضو بیروی سیا سی کمیته مرکزی حزب و رئیس سازمان دمو کرا تیک زنان افغانستان
قبل از عزیمت جانب هاوانا در میدان هوایی بین المللی کابل با مشایعین.



پیشاهنگ طبقه کارگر افغانستان در آستانه رویداد عظیم تاریخی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از اوایل دهه چهل تاکنون پیشاپیش نهضت و ترقی در وطن مسافر قرار داشته و با تجارب و سنن گرانبها از بیکار و نبرد انقلابی در راه دگرگونی های عمیق اجتماعی و سیاسی به نفع زحمتکشان آگاهانه به پیش می رود و نقش سازنده خویش را در تاریخ کشور حک می نماید.

نیازی به اثبات ندارد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین مدت کو تاه تاریخی مصدر خدمات ارزنده ای به خلق بلاکشیده و ستمدیده وطن گردیده ازین رو افتخار خصومت سپاه ترین نیرو های ارتجاعی امپریالیستی را کما یی نموده و با اینکه مورد حملات و خشیانه دشمنان طبقاتی زحمتکشان از جهات مختلف قرار گرفته با نیرو مندی به پیش می رود و بادر نظر داشت تجارب گذشته با آرایش نوین و انقلابی راهش را به جلو بازمی نماید و به اساس شرایط و نیاز مندی های مشخص زمان اقدامات انقلابی را در روند انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان روی دست می گیرد.

کنفرانس سر تا سری حزب

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مزده تدویر آن را همه اعضای حزب و مردم زحمتکش افغانستان شنیده اند در حیات حزب شهیدان و قهرمانان وطن به یقین فصل نوینی را خواهد گشود که برای آینده های تابان و سعادت مند مردم افغانستان نقش سازنده ای را ایفا خواهد نمود. چه :

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از کنگره اول تاکنون در روند بیکار انقلابی تجارب نهایت ارزشمندی را بدست آورده که با شرف و وجدان انقلابی درین کنفرانس سر تا سری حزب ضمن توجه به تجارب و درس های تاریخی آن چون گردان پیشاهنگ و بیکار گسر یکبار دیگر آگاهانه و انقلابی راهی را که طی گردیده با بصیرت انقلابی به بررسی خواهد گرفت و در روشنی جهان بینی انقلابی طبقه کارگر بدون هراس نقد خواهد نمود.

نیرو مندی یک حزب پیشاهنگ انقلابی در طول تاریخ وقتی به اثبات رسیده می تواند که حزب با شرف و وجدان انقلابی اعمال گذشته را به

بررسی گیرد و اگر اشتباهی در کار بود به آن انگشت انتقاد گذاشته و روحیه انتقاد از خود را که خوشبختانه این روحیه روز تاروز در حزب ما گسترش و پهن می یابد بپذیرد.

کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با چشم بینا خم و پیچ های راه مبارزه و زیکزاک های دوران های طی شده را مطالعه نموده و ضمن بررسی همه جانبه آن راه آینده حزب را روشن ساخته و وظایف و رسالت مبارزان انقلابی افغانستان آزاد و سر بلند را بر جسته می نماید.

جریان انتخابات نمایندگان در سازمان های اولیه حزبی می رساند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وحدت آئین انقلابی که نیازش شرف و عقل انقلابیون شرافتمند است آگاهانه برای این رویداد عظیم و تاریخی آمادگی گرفته و روز تا روز درین راه به پیش می روند.

به پیش در جهت تدویر کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در این شماره

- تدویر کنفرانس سر تا سری ح.خ.د. رویداد بزرگی است در حیات حزب و جامعه ما .
- آنها که جایزه هارا ربودند .
- ۳۶ جنوری یاروز آزادی جمهوریت هند .
- واقعات مهم سال ۱۹۸۱ .
- این رسم تست که ایستاده بگیری .
- جستجو برای استحصال نقر در کشور بهنادر هند .
- زن فریب خورده .
- تساوی حقوق اقوام و ملیت های کشور دست آورد دیگری از مرحله نوین انقلاب است که د بشکوه مند تور .
- مبارزه مردمان جهان و فیات ملیونها طفل در سال میشود .
- ژوندون

تپهر

پیوستن به صفوف قوای مسلح عالیترین مظهر

وطن پرستی و مردم دوستی است

رساند تا با تطبیق این بر نامه های عالی زمینه های زیست هر چه بهتر برای فرزندان میهن عزیز ما آماده گردد و از رنج و عذاب مادی و معنوی در سر زمین مقدس ما سراسر غنی نباشد. از این رو است که هر روز جوانان آگاه و انقلابی ما به صفوف قوای مسلح قهرمان کشور رجوع می نمایند و بطور داوطلبانه به منظور ادای دین بزرگ مادر و وطن یعنی انجام دو رزمگفیت عسکری در تحت درفش دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار می گیرند و بزرگترین وجیبه ملی و قانونی خویش را اداء می سازند.

جوانان ما امروز می دانند که اردوی قهرمان ما بحق اردوی پاسدار انقلاب شکوهمند ثور، سرزمین مقدس ما و حامی آزادی شرف و منافع همه خلقهای کشور محبوب ما می باشد و اردوی حماسه ساز ما دیگر آن اردوی نیست که از منافع چند چاکر گوش بفرمان ارتجاع و امپریالیزم و یا چند حاکم و زمامدار مستبد دفاع بعمل آورد، بلکه اردوی ما امروز اردوی مردم بوده در خدمت مردم انقلاب و وطن ما قرار دارد و بایست با همه نیرو و توان موجود در راه تقویت و استحکام هر چه مزید آن کوشید و صفوف رزمندگان را قوت بیشتر بخشید. از این جهت است که هر جوان آگاه و وطن پرست ما با بسیار بقیه دو صفحه ۵۳

راه های سعادت و خوش بختی را بر رخ ایشان گشوده است. طعانه و صافخانه دفاع بعمل آورند و لی جوانان و وطن پرست و با غرور سر زمین ما که از نیروی سرشار مادی بهره کافی دارند در صف اول مدافعین انقلاب آزادی بخش ثور و دست آورد های دوران ساز آن قرار می گیرند و از آن جا نیکه بهترین مظهر وطن پرستی و مردم دوستی پیوستن به صفوف قوای مسلح است جوانان ما به گونه روز افزونی به قوای مسلح قهرمان و حماسه آفرین خویش روی می آورند و با پیوستن به صفوف رزمندگان سنگر مدافعین انقلاب ملی و دموکراتیک ثور را بیش از پیش نیرومندتر می سازند.

امروز جوانان و وطن پرست میهن ما بدین امر باور کامل دارند که بدون موجودیت یک فضای آزاد و صلح آمیز نمیتوان به هیچگونه فعالیت ثمر بخش اقتصادی و یا اجتماعی دست یازید. بنابراین بایست با همه نیرو و توان موجود در راه قلع و قمع دشمنان انقلاب ثور و محو و نابودی باندیت های صا در شده از خارج این اجیران گوش به فرمان ارتجاع و امپریالیزم که موجب برهم زدن فضای آرام، آزاد و صلح آمیز میهن انقلابی ما می گردند کوشید و با تائید امنیت کامل در درون ترین زوایای کشور حزب و دولت انقلابی خویش را در امر تطبیق پلان های بزرگ و عام المنفعه آن یاری

ملی و دموکراتیک ثور را در کشور به پیروزی رسانیدند و حاکمیت زحمتکشان کشور را اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران و کلیه رنجبران جامعه بجای استبداد بیرحمانه دودمان تاریخ زده یحیی عملاً مستقر گردانیدند.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و استقرار قدرت زحمتکشان افغانستان همه انهایی که منافع حریصانه شان را در سر زمین پهناور ما از دست داده اند در سنگر ضدیت با انقلاب آزاد یبخش مردم افغانستان یعنی انقلاب ثور و دست آورده های دوران ساز آن قرار گرفتند و به زعم خود می خواهند انقلاب ملی و دموکراتیک ثور را به شکست مواجه ساخته آزادی های را که مردم ما در اثر پیروزی انقلاب شکوهمند ثور بدست آورده اند از آن ها باز گیرند و پیشرفت های روز افزون مادی و معنوی ایشان را سد واقع گردند.

ولی غافل از این اند که همین فرزندان پرورده این دیار غرور آفرین یعنی افغانستان انقلابی که به ارا ده خویش و به قوت با زوی خود انقلاب را پیروز گردانیده اند امروز حاضر اند تا با همه نیرو و توانی که در بدن دارند از آن دفاع بعمل آورند.

امروز همه و طنداران شرافتمند ما که در رگ رگی از وجود ایشان حس وطن پرستی و مردم دوستی در جریان است اما ده اندتا با نثار خون خویش از انقلاب ملی و دموکراتیک ثور انقلاب بیگانه

وطن محبوب ما تاریخ درخشانی دارد که هر صفحه ای از صفحات زرین آن مملو از کارنامه های حماسه سازی ها و پیکارهای افتخار آمیز پدران با شهادت ما در امر دفاع از وطن در برابر هر دشمن وطن و هیر تجاوزگر خارجی به میهن ما می باشد.

قهرمانانی ها را که با شنده گان این سرزمین دلیران و شیر مردان در برابر استعمار بدنها انگلیس در امر دفاع از ناموس و وطن از خود نشان داده اند تا آخرین لحظات موجودیت بشر بروی سیاره ما در دل تاریخ کشور نقش بر حجر خواهد بود و ما به غرور و افتخار نسل های کنونی و آینده کشور ما را تشکیل خواهد داد.

اری همین زحمتکشان دلیران و حماسه ساز افغانستان قهرمانان اعم از پشتون ها، تاجک ها، اوزبک ها، هزاره ها، ترکمن ها، بلوچ ها، نورستانی ها و غیره اقوام، قبایل و ملیت های مختلف را که میهن محبوب ما بودند که دست و حدت و یکپارچگی بهم داده اند و استعمار کهن انگلیس را در سر زمین مقدس خویش بزبان آورده استقلال سیاسی کشور را حاصل نمودند و همین مردمان عذاب دید میهن ما بودند که در فضای وحدت و یکپارچگی در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان برضد استبداد سیاه دودمان یحیی به مبارزه برخاستند و با نیروی بازوان توانای خویش انقلاب

گردهم آبی های اختصاصی ژوندون

مسائل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و هنر در بونه نقد و انتقاد

دشواری های همگانی مردم در زمینه

مسائل ترافیکی و ترانسپورتی

پیوسته بگذاشته

طرح و تنظیم: رووف راصع

حکیم: راحله راصع خرمی

درین جدول:

- ۱- سمونوال احمدعلی احمدیار رئیس ترافیک.
 - ۲- سمونمل عبدالقیس شپیر معاون ریاست ترافیک.
 - ۳- سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیک شهر کابل.
 - ۴- محرم علی معاون باروالی کابل.
 - ۵- سمونمل عبدالباقی آمریلان ریاست ترافیک.
 - ۶- غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس.
 - ۷- احمد غوث زلمی ژورنالیست.
- شرکت داشتند.

رووف راصع:

به نظر من این درست نیست که مادر همه ی زمینه های اجتماعی و مواردی که قوانین و مقرره های گوناگون به وسیله افراد در شرایط کشور های عقب نگه دار شده رعایت نمیگردد مردم را مقصر بدانیم و حجم تو قعات خود را در تطبیق همگانی آن بلند ببریم، چنین نظر داشتی را ارگان های اجرایی در شرایطی نمیتوانند داشته باشند که مردم از نظر سطح آگاهی اجتماعی در حدی باشند که رعایت قانون و مقرره

را جزء از و جایب زندگی گروهی خود بدانند و بینش اجتماعی آنها رشد یافته باشد وگرنه در چارچوب تنگ شرایط و ضوابطی که بیشتر نزدیک به همه سواد ندارند، از رشد بینش و بالاروی آگاهی شان جلو گیری شده است و سالار منشی اداری گذشته نیز با تمام نیروی خود اعتماد آنان را از ارگان های دولتی سلب داشته و میان مردم و دولت های بی با خصلت ضد مردمی همیشه مرزی عمیق و پر نشدنی وجود داشته است، نمیتوان تا از میان برد

داشتن عوامل و ضوابط به وجود آورنده این وضع فقط از مردم گله مند بود و انتظار داشت که همه ی نا بسامانی های خدمات گروهی به وسیله خود مردم رفع گردد، ارگان های اجرایی که توزیع این گونه خدمات را به عهده دارند باید نخست با استفاده از همه ی وسایل ارتباط جمعی و بیشتر و سایل سمعی و بصری و نه نشریات مطبوع که مورد استفاده همگان نمیتواند باشد بگویند سطح آگاهی مردم را بلند بپزند، به آنها بینش اجتماعی ببخشند و دانستنی های آنان را در زمینه های مورد بحث افزایش دهند، در چنین شرایطی است که هرگاه ارگان های مسوول پیشگیری بیماری ها در کار معافیت کنلوی تنبلی به خرج دهند خود مردم با تقاضا و مراجعه متواتر خواهش واکسینا سیون میکنند، وقتی ارزش تأمین حفظ لصفحه محیطی را در تأمین صحت گروهی بدانند خود همکار بخش تنظیفاتی شهری

میشوند و در پاك نگه داری كوچه، محله و محیط زیست خود دقت میکنند و زمانی که به اهمیت رعایت مقرره های ترافیک در زمینه جلو گیری از حوادث به درستی واقف باشند، نه تنها به هیچ صورت از آن تخلف نمیکنند بلکه نواقص و مصایب کار را نیز به ادا رات مسوول آن گوشزد میکنند به این دلیل است که از نظر ژوندون اداره ترافیک برای رفع نا بسامانی های خود و واداری مردم به رعایت لوایح و مقرره های ترافیکی و هم چنین ایجاد شرایط بهتر نظم و امن ترافیکی ضمن آنکه با یاد افزایش فعالیت خود در خط اندازی سرک ها، امور ساختمانی ترافیکی، به وجود آوری پارکینگ ها و توسعه اشیا رات ترافیک با ید تبلیغاتی گسترده از راه رادیو، پوستر، فلم، و بیان به وسیله یونت های سیار داشته باشد و فقط به يك یا چند مقاله، مصاحبه و گزارش مطبوعاتی اکتفا نشود.

مدیر ترافیک شهر کابل:

با تأیید گفته های محترم راصع خاطر نشان میسازم که اداره ترافیک نیز از اهمیت ویژه این گونه اقدامات نا آگاه نبوده و در چوکات شرایط و امکانات فنی و پولی خود تا جای امکان چنین زمینه هایی را فراهم آورده است به عنوان مثال کورس های کوتاه مدت آموزشی فراوانی را تا کنون برای رانندگان و سایل ترافیکی دایر ساخته

و کو شید ه ایم با آشنا سا ختن
مشمولان کورس ها به اصول
و مقرره های ترافیک و افزایش
و مقرره های ترافیک و افزایش
دا نستنی های آن در این مورد،
زمینه جلو گیری از تخلقات رافراهم
آوریم ، شعار ها و اندرز های ترافیک
بیشمار ی را در تمام نقاط
مزدحم شهر و چار راه ها روی
پلاکات ها نصب ساخته ایم
و با نشرات مطبوع ذوقی
مانند چاپ جنتری های جیبی و
توزیع مجانی آن کو شید ه ایم
علایم و اشا را ترافیک را به
هموطنان بشناسانیم ، هم چنین
به صورت پراکنده همیشه نشرات
را دیو ی در خلال پروگرام های
را دیو دا شته ایم که من هم تا نید
میدارم همه ی اینها نا کافی است
و باید با حجم بیشتری به
اجرا آید ، در مورد استفاده از
نشرات را دیو ی به گونه یی که
بر نامه مستقلی دا شته با شیم
تا کنون با رها این خواهش را
با ریاست نشرات را دیو به طرح
آورده ایم که متاسفانه تراکم
بر نامه های را دیو ی و موجود
نبودن فرصت را دیو ی این
مجال را از ما گرفته است ، هم
چنین آموزش علایم و اشاره های
ترافیک از راه یک برنامه کوتاه
مدت تلویزیونی مورد نظر
ما بوده و هست که امید داریم
ریاست تلویزیون در این زمینه
با ما به توافق آید .

آمر پلان ریاست ترافیک :

در پهلوی بر نامه های زود
تمر و روزانه تبلیغات که در
موارد یاد شده مرتب به انجام
میاید ترافیک به خاطر آنکه
زمینه تعلیمات ترافیک را به
صورت بنیادی فراهم آورد
دست اندر کار آن است که در دوره
ابتدایی مکاتب مطالب مربوط به ترافیک
شهری و شناسایی علایم و اشا
را ترافیک و سایر موارد نیاز
دیگر در همین رده به شکل یک
مضمون تدوین گردد و مشاورین
فنی ما در این مورد نظراتی دادند
که اگر به اجرا آید و مورد توافق
مسوولان بخش تعلیم و تربیه
قرار گیرد کودکان ما از همان
سنین خرد سالی میتوانند در حد
توانایی ذهنی واندیشوی خود
آگاهی ترافیک دا شته باشند

و در جریان دوره های آموزشی
سایر نه خود زمینه های را فراهم
آورند که نسل آینده در همه جای
کشور نظم و انضباط را چیزی
از جای خود تلقی کند و شرایط
حادثه ساز را از میان بردارد،
گفت و شنود و مطالعه و پژوهش
در مورد به اجرا آتی این طرح که در
شمار بر نامه های دیروز است
ولی از ارزش و ویژه برخوردار
میباشد در دست است و به
احتمال بخشی از آن از سال آینده
به کمک وزارت تعلیم و تربیه
به اجرا خواهد آمد در مورد به انجام
آوری بیشتر تبلیغات و گسترش
ساحه کار را دیو تلویزیونی من
عقیده دارم که از گاه های را دیو
و تلویزیون باید چنین بر نامه
هایی را که محتوی آنرا مطالب
مربوط آموزش ترافیک تشکیل
دهد در شمار پروگرام های
تعلیمی خود بپذیرند ، چه به همان
دلایلی که قبلا گوینده محترم به
آن اشاره کردند در شرایط
کنونی استفاده از نشرات مطبوع
برای اکثریت مردم ما به خاطر
بی بهره بودن از سواد میسر
نیست و را دیو تلویزیون از
امکانات گسترده تر برخوردار
است که با استفاده از آن میشود
به گونه یی بر نامه های نشراتی
را به اجرا آورد که هم آموزش
ترافیک باشد و هم ذوقی و مورد
خواست شنوند و بیننده .

غوث زلمی :

گرچه از نظر من هم اختصاصی
یک بر نامه را دیو ی کو تا مدت
که محتوی آن مسایل آموزشی
ترافیک باشد در شرایط کنونی
حتمی است اما تا تأمین این منظور
اگر مشکلاتی در برداشته
باشد این امکان هم همیشه برای
تهیه کنندگان بر نامه های را دیو ی
وجود دارد که با حفظ مشی عمومی
بر نامه خود نکات آموزش ده یی
را پیرامون مسایل ترافیک در
آن بکنجاند که اگر چنین شود
هر روز شنونده مجال مییابد
از خلال برنامه های گوناگون
با مساله ترافیک و دشواری های
آن نیز در تماس ذهنی باشد و
مطالعی بیاموزد به عنوان مثال
یادآور میگردم که همین اکنون
بر نامه در پیچه زندگی با چنین

مشیه به کار خود دوام میدهند و ما
هر روز ضمن بازگویی مسایل
ترافیک در قالبی ذوقی و زبانی
ساده و بی پیرایه میگوئیم خا
نواده ها را به نکاتی توجه دهیم
که کمتر به آن علاقه گرفته
اند و در همین شمار مطالب است
اشا را تی به مسایل ترافیک در
هریک از بر نامه های ما و توجه
دادن مردم اعم از را ننده و عابر
پیاده به رعایت مقرره ها و ولوایح
ترافیک .

رووف راصح :

یکی از دشواری های عمده یی
که در کار ترافیک و ترانسپورت
شهری وجود دارد مشکل بس های
شهری است ، مشکلی که هر روز
کمتر همشهری است که عملا
با آن برابر نیاید و رو برو نگردد
در یک بررسی کلی میتوان عمده
ترین شکایات مردم در این
زمینه را که هر روز نیز پهنای
بیشتر مییابد و در گستره وسیع
تر طرح میگردد به دو بخش تقسیم
کرد : یک کمبود تعداد سرویس
های شهری در خطوطی که در آن
فعالیت دارد و دو عدم یک شیوه
اجرای مرا قبتی از امور سرویس
ها که مشکل اول را نیز بیشتر از
آنچه است ما ید می کند .

در مورد کمبود تعداد سرویس
های شهری سخن را به نامینده
مسوول ملی پس میگردانیم که در
این زمینه معلوما ت دهند این مو
سسه برای رفع این دشواری همگانی
چه طرح هایی را در دست اجرا
دارد ، اما آنچه مربوط میگردد به
عدم یک شیوه مرا قبتی از امور
بس های شهری ، سخن در این
زمینه آنقدر زیاد است که بازگویی
همه متنوی هفتاد من کاغد میگردد
و ناچار فقط به شماری عمده تر یس
مورد آن اکتفا می کنیم :

۱- بیشتر را نندگان ملی پس
در چه سوم و حتی چهارم را
نندگی را در دست دارند در حالیکه
باید تمام جواز های را نندگی
را ننده های این موسسه در چه
اول باشد ، بی تجربه کسی
ونا واردی را نندگان به امور
فنی را نندگی اغلب منجر به حوادث
ترافیک در شهر میگردد .
۲- را نندگان و کلنیر های
بس های شهری رفتاری خشن
و اغلب اها نست آمیز دارند و را

کبین به این سبب شکایات فراوان
ا برار میدارند .
۳- در حالیکه در برخی از خطوط
شهری تکت از غرقه ها
فروش میگردد و این روش باید
در همه ی خطوط به کار گرفته
شود با زهم کلنیر ها در داخل
سرویس جان مردم را به لاسب
میاورند و از هر را کب در ازدحام
و پیرو بار چندین بار تقاضای
نشان دادن تکت خریداری شده
اش را دارند .

۴- در هر یک از سرویس ها به
حدی اضافه سوار و پیرو بار ناشی
از آن وجود دارد که در داخل
سرویس به مشکل نفس کشیده
میشود .

۵- بر نامه حرکت سرویس ها
منظم نیست و در هر ایستگاه گاه
اتفاق می افتد که نیم ساعت
از مرگوب خبری نیست و آنگاه
هم که میرسد چند عراده با هم
یکجا حرکت کاروانی را تشکیل
داده اند .

۶- تقسیم سرویس ها در خطوط
شهری به اساس و نظر گیری
تعداد استفاده کنندگان نیست
در حالیکه ملی بس باید از تعداد
استفاده کنندگان هر خط شهری
به صورت تقریبی آگاهی داشته
باشد و تقسیم سرویس ها بر
اساس همین آمارها صورت
گیرد .

۷- داخل سرویس ها کثیف
است و به نظافت آن توجه نمی گردد .

۸- برخی از بس ها خرابی
تخنیکی دارند و بی آنکه به آن
توجه گردد در داخل شهر به
فعالیت خود دوام میدهند تا به
کلی از حرکت بازمانند و سواری
خود را به خدا سپارند .

۹- مو ترها در ایستگاه های
تعیین شده توقف نمیکنند و این در
حالی است که جای برای ایستادن
آویزان شدن و جود ندا شته
باشد و لی گناه کسی که در همان
ایستگاه قصد پیاده شدن را دارد
چيست ؟

۱۰- ملی بس به شکایات مردم
توجه ندارد و همیشه گوش گر خود
را به جانب شاکیان دارد و مانند
این ها :

بقیه در صفحه ۵۴



فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم
حزبی شهر کابل

تدویر کنفرانس سر تاسری ح، د، خ، ا

رویداد بزرگی است در حیات حزب

و جامعه ما

را ارمغان حزب و مردم زحمتکش جامعه ما خواهد نمود گفت:

تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خط مشی جاری حزب را معین و در زمینه رهنمود های بی را بحیث برنامه عملی تر تبیین و تهیه خواهد کرد.

کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به یکپارچگی و وحدت ارگانیکی حزب را به یاری نوین و تأمین و انکشاف خواهد بخشید که از این طریق راه بطن حزب را با توده عادی امر و وحدت حزبی و اتحاد کلیه نیرو ها محکمتر خواهد نمود.

کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به تأمین و تقویت روحیه برای دری بین ساکنین افغانستان و حقوق ملیت ها سهم بزرگی را اداء خواهد کرد. کار و تقویت امر سا زمان دهی در ارتباط با توده ها مسئله حیاتی را در کنفرانس تشکیل خواهد داد و در نهایت سمت بخشیدن سیستم اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور از وظایف کار کنفرانس خواهد بود.

منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل بجواب این سوال که انتخاباتی که در این ناحیه به منظور تعیین نماینده گان صورت پذیرفت در چه فضایی بعمل آمد و از چند نفر از اعضای مربوط به ناحیه چه تعداد آن ها انتخاب شدند چنین اظهار داشت: انتخاباتی که در مربوطات ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل

تدویر این کنفرانس عظیم رویداد بزرگی است که جهت ارزیابی از وضع عمومی سیاسی و فعالیت های عملی حزب، دولت و دیگر سا زمان ها ی اجتماعی و مسایل سیاسی و فعالیت های عملی حزب، وحدت تمام اعضای حزب، ممنوعیت گروه ها و فرقیسوان بازی ها در حزب و همچنین تفهیم اعضای حزب به وظایف خطیر آن ها را در خواهد گردید.

این کنفرانس شکو غمند که دارای اهمیت ملی و بین المللی می باشد موقع آن را مساعد میسازد تا در مورد تأمین صلح و دفاع از دست آورد های انقلاب شکو غمند نور و قلع و قمع دشمنان انقلاب و مردم تصمیم جدی اتخاذ گردد.

در ارتباط به این رویداد بزرگ تاریخی یعنی تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را پورت مجله با منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و چند تن دیگر از اعضای کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل که افتخار نمایندگی سایر هم زمان خود را در کنفرانس حاصل نموده اند گفت و شنودی بعمل آورده است که در ذیل شما را در جریان مطالعه آن قرار می دهیم.

فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل در برابر این سوال راپورت ما که از نظر شما تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط کنونی چه اثرات نیکی

زیادی داشته است. حزب ما در دو ران استبداد نیم قرن دودمان یحیی وادر شرایط نهایت دشوار آن زمان توانست مبارزات عادی را نه مردم زحمتکش ما را بد رستی رهبری نماید و پیروزی انقلاب شکو غمند نور را ارمغان این مبارزات برحق ایشان سازد.

بعد از پیروزی انقلاب آزادی بخش نور و تحقق آزادی و کسب قدرت زحمتکشان افغانستان از تجار و امپریالیزم سعی نمودند تا انقلاب ملی و دموکراتیک نور را از مسیر اصلی آن به بیراهه بکشند و اهداف و لای حزب، دولت و انقلاب ما را در انظار جامعه ما و جهان وارو نه جلوه دهند ولی خوش بختانه در البریداری حزب قهرمانان ما این تو طه سیاه ساز زمان جاسوسی ایالات متحده امریکا در نقطه خنثی گردید و انقلاب ملی و دموکراتیک نور دوباره در مسیر اصولی خویش فرا گرفت و خوش بختانه امروز با بسیارت متانت و استواری به سوی فردا های روشن و تابناک گام برمی دارد و هر گونه خس و خاشاکی نمی تواند سد راه تکانمل آن گردد.

تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مادر آستانه تدویر آن قرار داریم در شرایطی دا یر میگرد که وطن مردم و جامعه ما در مقابل یک جنگ اعلام ناشده از تجارعی همونیستی و امپریالیستی قرار گرفته است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ((پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور)) که بیش از هفده سال در راه آزادی و سعادت مردم زحمتکش جامعه و آبادی و شکوفائی میهن محبوب ما مبارزه نموده است و توده های وسیع و ملیونی مردم ستم دیده ما را بسوی سعادت و بهروزی، ترقی و تعالی رهبری نموده است، این راه شریفانه و نجیبانه را تا سر حد رسیدن به پیروزی نهایی با متانت و استواری و با شجاعت و دلیری ادامه می بخشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنان حزب قهرمانی است که بحق از میان توده های وسیعی از مردم ستم دیده و عذاب کشیده جامعه ما برخاسته است و پشتوانه شکست ناپذیری چون همه کارگران، دهقانان، پیشه وران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه ما را در سطح ملی در عقب دارد.

آری! در تحت رهبری همیمن حزب قهرمان بود که در کشور ما انقلاب ملی و دموکراتیک نور به پیروزی انجامید و روزنه های سعادت و نیک بختی بر رخ فردا های از وطنداران شرافتمند ما باز گردید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این حزب شپیدا و قهرمانان در طول حیات هفده ساله خویش با فراز و نشیب های پر خورده است و از کوره راه های زیادی عبور نموده است که هر یک از آن بالای حیات و تجارب آن اثرات

صورت گرفت که ملا دريك فضای آزاد و دمو کرا تیک بعمل آمد با یاد آوری نمود که مجموع کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل به تعداد پنجاه و شصت و پنج رفیق با لغ میگرد و به اساس نورم نماینده گسی ایکه از طرف کمیته ناحیه یا زد هم حزبی به تصویب رسید از هر هشت رفیق اعضای اصلی و از مایشی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان یک نماینده به کنفرانس نس ناحیوی معرفی شد که بدین حساب به تعداد هفتاد و سه نماینده به اساس نورم میکه کمیته شهری از هر بیست و هشت نفر خواسته است بیست و هشت نفر نماینده به کنفرانس شهری شهر کابل افغانستان از جمله هفتاد و سه نماینده کنفرانس ناحیوی معرفی میگرد.

وی افزود:

در انتخابات نماینده گان سازمان های اولیه حزبی مربوط کمیته ناحیه حزبی یازدهم معیار های چون ترکیب اجتماعی و ترکیب ملیت ها مد نظر گرفته شده، همچنان سابقه حزبی، شایستگی در کار و وفاداری بر آرمان های وای حزب و انقلاب نور، دانش و آگاهی سیاسی و پرستیر نمایند در محل کار و محیط مد نظر گرفته شده است. بهمین قسم سن و جنس نیز در زمینه دید خل بوده است.

انجنیر عبدالباقی (لعلی) عضو کمیته ناحیه حزبی یازدهم شهر کابل و رئیس دستگاه ساختمانی شبکه های آبیاری و زارت آب و برق به پاسخ این پرسش ها که نقش کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان را که برای اولین بار در تاریخ پرشکو و کشور ما دایر میگرد دبالای حیات زحماتکشان کشور چگون ارزیا بی می کنید چنین بیان داشت:

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در تاریخ حیات حزبی از اهمیت فراوان برخوردار است، نقش این کنفرانس که برای اولین بار در کشور در شرایط خاص انقلابی که حزب و دولت انقلابی ما مستقیماً با جنگ اعلان نا شده

امیر یا لیزم در مبارزه و پیکار قرار دارد خیلی عظیم است. با تدویر این کنفرانس با زهم نیرو مندی و توانائی شکست نا پذیر حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان به مردم افغانستان و جها نیا نوا نمود میگرد.

این کنفرانس خواهد توانست تغییرات بزرگی را در حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم زحمتکش کشور ما بوجود آورد، همچنان این کنفرانس نقش بزرگی در امر سرکوبی ضد انقلاب و رهایی زحمتکشان کشور از شر اشرا و با وحدت و همبستگی صفوف حزب و قوای امنیتی بازی خواهد نمود.

وی در برابر سوال دیگری

محمد عارف (میهن پور) عضو کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و آمر پروژه خیر خانه مینه راجع به تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان چنین اظهار داشت:

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان یک رویداد بزرگ تاریخی در حیات پیش از هفده ساله حزب ما بشمار می رود انقلاب نور سر آغاز حیات نوینی در زندگی حزب و مردم افغانستان بحساب می آید، تحولات عظیمی که بعد از انقلاب نور در جامعه ما بوجود پیوسته است تماماً نتیجه کار و پیکار انقلابی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد. بعد از پیروزی انقلاب



محمد عارف «میهن پور»
عضو ناحیه یازدهم حزبی



انجنیر عبد الباقي (لعلی)
عضو ناحیه یازدهم حزبی

مبنی بر اینکه هدف از تدویر این کنفرانس با شکوه در شرایط انقلابی کنونی جامعه چیست و چرا در شرایط خاص انقلابی کنونی حزب قهرمان ما به تدویر این کنفرانس دست یازیده است چنین گفت:

حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان با تدویر این کنفرانس تا رخی خط مشی جاری حزب، راه و روش را خواهد نمود و اثرات بزرگی را در امر وحدت حزب ما ببار خواهد آورد. از نظر من ایجاد کنفرانس سر تا سر ی حزب هم در بلند و فتن پرستیر حزب در بین توده ها و هم در استحکام وحدت اید یولوژیک و سازمانی حزب با تطبیق اصل ز رین اصول رهبر حزبی ((سنترالیزم دمو کرا تیک)) اهمیت بسزائی دارد.

حزب بعد از انقلاب بدست آورد در برابر ما می گذارد. بلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان وظایف بزرگ و جدی را در برابر

اعضای حزب ما قرار داد که یکی از آن تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد کنفرانس مذکور خط مشی آینده حزب را مطابق به شرایط جدید تعیین خواهد نمود.

همچنان این کنفرانس با عظمت پرو سه وحدت حزبی را محکمتر خواهد گردانید.

میهن پور بیاسخ سوال دیگری که شما بحیث یک نماینده کمیته ناحیوی می توانید بگو یید که چه رسالتی را در برابر انتخاب کنندگان خود احساس مینمایید گفت:

با ید متذکر شد که کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در شرایطی دایر میگرد که وظایف جدید در برابر حزب پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان قرار گرفته است. انقلاب نور که سر آغاز مرحله جدید حیات سیاسی حزب و مردم ما می باشد کار های بزرگی را بدوش حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان قرار می دهد. بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور کار های عظیمی بخاطر به تحقق رسانیدن اهداف وای حزب در جامعه صورت گرفته است.

بلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان که در این اواخر دایر گردید کنفرانس سر تا سر ی حزب را دعوت نمود تا رهنمود ها و وظایف جدیدی را مطابق به شرایط مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور در برابر اعضای حزب ما قرار دهد.

با ید گفت که من بحیث نماینده در کنفرانس شهری شهر کابل وظیفه دارم تا به نمایندگی از رفقای همزم خویش سهمی در این امر بزرگ داشته باشم و آماده گی خود را هر زمان خویشرا در انجام وظایف آینده ابراز نموده سهم عملی را در آن داشته باشم و هم پیا م رفقای خویش را بخاطر ابراز آمادگی بیشتر آن ها در جهت انجام وظایف بعدی که در کنفرانس سر تا سر ی حزب به اعضای حزب محول می شو دا اعلام

ویدید آوری آثاری ارزنده تر
به گشایش آید .
ما در این فشرده برای به شناساندن
خت آوری هنر مندان بر گزیده‌هایی
که به دریافت جایزه در بخش‌های
متفاوت هنری نایل آمده‌اند
به گفت و شنود می‌نشینیم و میگوئیم -

شیم شما را با نظرات آنان در زمینه
های هنری آشنا می‌دهیم :
عبدالا حمد منیر برنده جایزه
اصلی ((اول)) بهزاد در رشته
میناتور که به دریافت ده هزار
افغانی جایزه نقدی نایل آمده
نخستین کسی است از این سلسله
که با او صحبتی کو تاه داریم :
((منیر)) که تحصیلاتش را در
رشته اختصاصی هنرهای زیبا
در پوهنځی ادبیات به پایتخت
آورده است از سال ۱۳۴۹ به این
سو به میناتور روی آورده و علاوه
از آثار متعددی که در این
رشته به وجود آورده است کار
های نیز در مجسمه سازی، طرح
و دیوارپوش و پوستری را دارد
که قابل تعمق است . ((نخستین
پرسش از عبدالاحد حمد منیر پرسیده
میشود با توجه به اینکه وی کار
های فراوان در نقاشی و میناتور
دارد از نظر او وقتی یک مضمون
و محتوی واحد در هر دو زمینه
نار شود کدام یک میناتور را
نقاشی بیشتر از توانایی القای
هنری اندیشه و پیام هنرمند که
در اثر جایگزین شده است بر
خوردار می‌باشد ؟

در پاسخ چنین میگوید :
- ((میناتور بیشتر تابع حقیقت
عینی است و نقاشی تابع واقعیت
از این روی چون میناتور میتواند
نمایانگر حقیقت باشد در آن
ابعاد به همانگونه که هست به
نمایش می‌آید و از نظر من بیشتر
نیز توانایی القای هنری را دارد و
مضمون و محتوا آسانتر به درک
گرفته میشود .))

از او میپرسیم آیا در نقاشی
و به خصوص در میناتور از سبک
خاص پیروی میکند یا نه و از میان
میناتور پرست‌ها بیشتر از کی
متأثر است و سبک و یا اندیشه
وی در کارهایش مایه داده
است ؟
جواب این است که : سبکی
که از آن پیروی میکنم سبک
بهزاد است و چون از آغاز پر -

داخت به کار هنری نخست زیر
نظر استاد سعید مشعل و بعد از
آن به راهنمایی استاد هما یون
اعتمادی کار کرده است مایه‌های
فکری این دو هنرمند بیشتر در
آثار وی تاثير گذاشته
اند .
وی در جواب يك سوال دیگر
در این زمینه که او در کارهایش
بیشتر از رنگ‌های اصل ((لاجورد،
طلا، نقره و مانند آن)) استفاده
میکند و یا از رنگ‌های مصنوعی
میگوید کم دارم آثاری که در آن
رنگ‌های اصیل به کار رفته
باشد و بیشتر رنگ‌های عادی
مصنوعی است که به خاطر فراوانی
و هم ارزانی اش مورد
استفاده من است و جای دارد
بگویم که رنگ‌های اصیل به حدی
ناپایاب اند و گرانقیمت که فقط
عده‌ای کمی از هنرمندان که وضع
اقتصادی خوبی داشته باشند
توانایی استفاده از آن را دارند
و به همین دلیل چنین آثار اندک،
بازار و گرانقیمت اند .

عبدالا حمد منیر در جای دیگر از
سخن خود میگوید بیش از دو صد
و پنجاه اثر میناتور را تاکنون
به وجود آورده که بیشتر آن در
داخل و خارج کشور به فروش
رسیده است .
ابراهم طغیان با زیرکانه
جوان سینما که بازی اش در
فلم ((جنايتكاران)) ساخته
شفق فلم را کاندید جوایز ساخته
بود ، به عنوان بازیگر موفق
شناخته شده و برایش پنج
هزار افغانی جایزه داده شد که چون
به قول خودش آنچه مورد توجه
وی قرار دارد ارزش معنوی جایزه
است و نه مادی آن پول جایزه
خود را به پرو ر شکاه وطن اهدا
کرد و خود به کسب فیض معنوی
قناعت ورزید .
طغیان که اندکی بیش از ۸
سال عمر دارد در پاسخ يك
سوال در این زمینه که تحصیلات
وی در چه زمینه و به چه مقدار است
و چرا به سینما روی آورده است
میگوید :

فقیر اقتصادی و مشغول
معیشت خانواده‌ای ملی بود که
موجب گردید نتوانستم تحصیلات
را بیش از متوسط وام ده



ابراهم طغیان که به عنوان بازیگر موفق سینما جایزه گرفت .

از : چراغ آنها که جایزه‌ها را ربودند

اقدام وزارت اطلاعات و کلتور
در زمینه پزیرش کارهای کاندید
ندید هنری ، گزینش آثار ناب
و با ارزش کیفی بیشتر از میان
ارائه شده‌ها و اعطای جوایزی
چند به هنرمندان برگزیده در
رشته‌های گوناگون هنری کاری
است مثمر و با ارزش در جهت
دهی سالم هنرها و ایجاد زمینه
های رقابت میان هنرمندان کشور
ما که امیدواریم همه ساله دنبال
گردد و به این ترتیب راهی تازه
در باروری و شکوفایی هنرها



عبدالا حمد منیر میناتور پرست
برنده جایزه اصلی میناتور
صفحه ۱۰

دکتر غلام سخی خیر خواه برنده جایزه ((اصلی)) در شعر پشتو است، وی که دکتر طب است برای نخستین بار قریحه شعری اش را در سال ۱۳۴۱ از مود که این سروده به گونه تشویقی در روزنامه ننکر هار نشر گردید و بعد از آن نیز شعرهای فراوانی سرود که در روزنامه های ننکر هار، ویرانه، طلوع افغان، اتحاد، بیدار، هیواد، اصلاح، مجلات پشتون ژغ، ژوندون و دیگر مطبوعات کشور به نشر آمد.



دکتر غلام سخی خیر خواه

دکتر خیر خواه که علاوه بر برنده شدن در بخش شعر جوانان سال ۱۳۵۹ در سال ۵۸ نیز موفق به دریافت جایزه در همین زمینه گردیده است در این مورد که از نظر او در شعر فورم شعری و تکای شاعر به او زبان عروضی و بدیع و بیان واستعاره و مانند اینها بیشتر و اهمیت است یا مضمون و محتوا و چگونگی پروراندن آن در شعر، پاسخ میدهد که وزن در شعر همان اهمیت را دارد که محتوی و پیام و اصولا اگر شعر فاقد وزن باشد، بافت شعری نداشته باشد و بیانی و به کار گرفتن کلمات و کار برد زبانی در آن نقصان داشته باشد نمیتواند مضمون و محتوی را هر چه باشد خواه عشقی و بزمی و خواه حماسی و رزمی در خود پیروراند و آنرا به درستی انعکاس دهد، به همین ترتیب محتوی با زبانی پخته و واقعیت زنده گیتی نباشد و مضمون سست اساس کار باشد در زیبا ترین قالب های شعری و نحوه بیان زیبا هم نمیتواند نا پخته گویی گویند را ببیند شایسته از این روی شاعر باید ضمن آنکه زبان شعری را خوب بداند و به او زبان عروضی نیک آگاهی داشته باشد از چنان بینشی نیز برخوردار باشد و در مضمون شعر خود زندگی و واقعیت های زندگی را انعکاس دهد و گرنه آنچه میسر آید نظم است و نه شعر.

بقیه در صفحه ۳۶

نگرندگان سینمای ما اکنون ((بچه فلم)) شده است چه احساسی دارد، میگوید:

از عنوان بچه فلم نه تنها خوشنمیاید بلکه شدیدا نیاز آن بیزارم - برای من فرقی نمیکند که در یک فلم فقط در یک شات «نم» ظاهر گردم یا بازیگر نقش اول باشم و در تمام صحنه ها حضور داشته باشم، مهم این است که بتوانم نقش خود را به درستی، صداقت و موفقیت به انجام آورم و مورد انتقاد هنر شناسان قرار نگیرم.

او در پاسخ به آخرین پرسش در این مورد که از میان کارهایش در زمینه بازی سینمایی خود کدام را بیشتر می پسندد و چرا میگوید:

از نظر خود هیچ بازی من شایسته خالی از اشتباه نباشد چرا با آن موازیسم و ضابطه هایی که من برای یک بازی خوب قایلم همیشه باید در کار آموزش و آموختن باشم و از نظر هنرمند آنگاه که تصور کند کارش کامل و بی عیب است از پویایی باز میماند و در واقع از رشد و شکوفایی میافتد بگذارد دیگران و بالخاصه آنانی که هنر سینما را به درستی می شناسند قضاوتگر خوب باید باشند و رهنما برای بهبود کار که این مرا بیشتر خوش آیند است تا خود ستایی و از گفتن های متداول.

• • •

هنوز جوان بودم که به سینما علاقه گرفتم و چون استعدادی در خود سراغ داشتم و ذوق و عشقی فراوان به این هنر همینکه گشایشی در کار معیشت پیش آمد عازم کشور هند شدم تا در ((پونه)) انستیتوت آن کشور به تحصیل پردازم که بخت یاری نداد و در همان سال بخشی اکشن ((هنر تمثیل)) این انستیتوت مسدود گردید و ناچار واپس به کشور برگشتم در سال ۱۳۵۶ یک دوره آموزش کوه تاه مدت را در تهران در رشته فلمبرداری گذراندم.

از او پرسیده شد از چه زمانی فعالیت سینمایی خود را به آغاز گرفته و در کدام فلم ها نقش داشته است؟ گفت:

نخست سمت معاون فلمبرداری در فلم سیاه موی و جلالی به کارگردانی عباس شهبان که ساخته یی بود از آریانا فلم به من محول گردید در فلم ((غلام عشق)) نیز که به محصول آریانا فلم و کارگردانی توریا لی شفق به پردیس آمد علاوه از آنکه عهده دار سمت معاونیت فلمبرداری بودم نقش فرعی را نیز بازی کردم که دایر کتر آنرا پسندید و موجب شد که در فلم های بعدی نقش های مهمتری به من سپرده گردد.

در فلم نیمه دار کو منتری نیمه هنری «دام مرگ» معاون فلمبرداری بودم و هم ایفاگر نقش در بازی فلم، اما نقش های با اهمیت تر و ممتاز در فلم های چنانکه را محصول شفق فلم و ((اختر مسخره)) محصول مشترک تلویزیون و افغان فلم به من سپرده شد که در اولی در قالب یک جوان سرماید دار فاسد و در دومی نیز به عنوان یک ثروتمند با خصوصیت های تپیک تا جر کابلی ظاهر شد و به قول وادعای دوستان در این دو فلم توانستم واقعاً در بازی خصوصیات کرکتر فلمی خود موافق باشم، طغیان در پاسخ به یک پرسش دیگر و در این زمینه که از نظر او یک بازی خوب و جدید چه خصوصیت هایی باید باشد و وی به چه

کسی بازی و تمثیل هر چند در نظر آسان مینماید اما کاری است دشوار بازیگر برای اینکه بتواند در قالب نقش خود فرو رود و تمام خصوصیت های تپیک کرکتر نما یشی خود را بنماید، باید خود را از آگاهی کافیه هنری بر خوردار باشد، باید تمام ویژگی های عاطفی و روانی کرکتر را که قرار است در قالب وی فرو رود به نیکویی بداند و باید بتواند تا ثرات عاطفی شخصی اش را کنایه کنایه و عاطفه کرکتر مورد نظر را در خشم و کین و مهر و مانند اینها به درستی تبارز دهد و بازی خوب و قتی صورت میگیرد که بازیگر توانسته باشد میان عاطفه کرکتر به نما یش آمده و عاطفه نکرنده بازی پیوند برقرار سازد و کار القای هنری را آسان گرداند که این میسر نمیگردد مگر آنکه پس از یگروقتی در نقش یک کرکتر ظاهر میگردد چنان در خصوصیات او غرق گردد که دیگر خود را نباشد بلکه این کرکتر باشد که زندگی را بازی میکند نه زندگی بازیگر را با دقایق عاطفی و روانی آن بلکه زندگی عینی و واقعی کسی را که مینماید.

ابراهم طغیان که اینک مصروف بازی نقش اول فلم ((رستوران)) ساخته شفق فلم میباشد در یک مورد دیگر میگوید:

یک فلم خوب باید آمو زنده باشد و آگاهی دهنده و در آن عینیت همانطور که هست به نمایش گذاشته شود و نه آنکه واقعیت در آن مسخ گردد و دیگر اینکه پیام فلم باید مشخص باشد اما نصیحت گرانه نباشد، چرا که وظیفه هنر شناسان و بازیگرانی واقعیت است و نه شعار پراگنی و پند و اندرز دهی - و خودم نیز ترجیح میدهم شعار پویایی که نقش از آن به عهده من گذاشته میشود و جدید همین خصوصیات و ویژگی ها باشد. او در این باره که به اصطلاح

۲۶

جنوری

یا

روز

آزادی

جمهوریت

هند

همه ساله و قتیکه تقویم ز مان روز ۲۶ جنوری را نشان می دهد مارا بیاد آن روزی می اندازد که برادران هندی ما استقلال سیاسی خود را از تحت سلطه استعمار کهن انگلیس این کشوریکه تازه استعماری وقت حاصل نمودند و استعمار ننگین انگلیس را در سر زمین شکو همنده خویش بزانو در آوردند .

بیروزی مردم قهر مان هند بر د یو سیاه استعمار بریتانیا که می گفتند: «آفتاب در سر زمین مستعمراتش غروب نمی کند . یک امر تصادفی نبوده و هرگز به گونه تصادفی و خود بخودی بوقوع نه پیوسته است بلکه در اثر مبارزات پیگیر و مداوم آزادی خواهانه ، قربانی ها و فداکاری های مردمان صلح دوست و آزادی پسند هند تحقق پذیرفته است .

تاریخ نشان می دهد که باشندگان تمام مناطق هند بر تانوی ، صاحبان تمام تمام اقوام ، قبایل و ملیت ها در وجود حزب کانگرس در راه حصول آزادی کشور خویش دست و جدت بهم دادند و آزادی سیاسی خویش را گمانی کردند .

بعد از حصول استقلال هند مردمان آزاده این سرزمین در راه عمران و شکوفایی وطن و جامعه خویش به بر داشت گام های استواری نایل آمده اند که در ذیل شمه از آنرا تذکر می دهیم .

بر اساس احصائیه هائیکه در دست است امروز کشور هند از لحاظ دانستن متخصصین تخنیکی در جهان مقام سوم را حایز است و فقط اتحاد شوروی سو سیالستی و ایالات متحده امریکا در این مورد از کشور هند سبقت دارند .

امروز در کشور هند بیش از یکصد و ده پوهنتون و بهمین قسم مراکز تربیت حرفوی موجود است و در این مراکز علمی و تربیوی تخنیکی شماره شاگردان بیش از سه میلیون نفر می باشد . تعداد متخصصین انجنیری طبی و زراعتی در هند اکنون بزرگ اعشاریه چهار میلیون تن بالغ می گردد . در هند فعلا پنج انستیتوت علی تعلیمات عالی برای آموزش تکنو لوزی و انجنیری هر گونه تسهیلات را فراهم می آورد این انستیتوت در قسمت تحقیقات انجنیری و تکنالوزی با موسسات ممالک پیشرفته جهان همسری می نماید .

در سال ۱۹۴۷ هنگامیکه هند آزادی خود را حاصل نمود مقدار تولید فولاد آن از یک میلیون تن کمتر بود و لی امروز در هندشش

فابریکه تولید فولاد موجود است که مقدار تولید هر یک از آن به یازده اعشاریه چهار میلیون تن می رسد علاوه بر آن یکصد و پنجاه فابریکه کوچک تولید فولاد در آن کشور وجود دارد که مقدار تولید آن سه میلیون تن تخمین شده است .

اکنون در کشور هند پنجاه و پنج فابریکه تولید سمنت وجود دارد که ۹ فابریکه آن آن دو لسی می باشند ، مقدار تولید سمنت در آن کشور سی سال قبل سه اعشاریه سه هفت میلیون تن بود و لی امروز تولید آن به بیست میلیون تن می رسد . اکنون در هند بیست و هشت دستگاه بزرگ تولید کننده کود کیمیای موجود است که کود نایتروجن و فاسفورس را تولید می نمایند . بهمین ترتیب در هند چند کارخانه جدید کود کیمیای در حال ساختن می باشد .

امروز کشور هند اولین کشور تولید کننده کود کیمیای در جهان محسوب می شود ، مقدار تولید کود کیمیای آن در سال سه میلیون تن است ، هند سالانه سیزده میلیون تن نفت تولید می نماید که تقریباً نیاز فعلی آن کشور را مر فوع می سازد .

هند در قسمت تصفیه نفت به مرحله نهایی خود رسیده است دستگاه های تصفیه آن سالانه ظرفیت تصفیه ۳۲ میلیون تن نفت را دارا می باشد .

در سال ۱۹۵۱ مقدار تولید ذغال سنگ در هند ۴۵ میلیون تن بود و امروز این رقم بر (۱۰۴) میلیون تن می رسد که بدین ترتیب هند در قسمت تولید ذغال سنگ پنجمین کشور جهان محسوب میشود و چنین پیش بینی می شود که تولید ذغال سنگ آن در سال ۱۹۸۵ به ۱۵۰ میلیون تن می رسد .

صنعت نیز در هند انکشاف خوبی کرده است و بر اساس ارزیابی ایکه از طرف دو لک آنکشور بعمل آمده است هند درحال حاضر اشیاء و آلات مختلف تخنیکی و انجنیری را تولید می نماید .

در هند انواع مختلف دستگاه های صنعتی که به منظور حمل و نقل مواد معدنی ، زراعتی و آبیاری و غیره در داخل کشور از آن استفاده بعمل می آید در داخل کشور تولید میشود . بیش از چهار کارخانه ای در هند وجود دارد که ماشین آلات تولید نساجی می سازند که بعضی از آنها با تولیدات بعضی از کشورهای پیش رفته جهان رقابت می نمایند .

در هند در قسمت صنعت برق دستگاه های عظیم تولید برق که در آن توربین های

آب و بخار ، ترانسفار مر ها ، موتور های تولید برق ، دنده های سویچ ، کپلرولین های برق ، تجهیزات تبویه و دستگاه های کنترل صنعتی هوا شامل اند ، تولید می شود ، هند در قسمت صنایع الکترو نیکی سامان آلات مختلفی چون رادیو تلویزیون تیب ریکاردر ، ماشین آلات الکترو نیکی حساب و غیره گام های استواری برداشته است و همچنین در قسمت مخابرات فضائی و سامان آلات کمپیوتری و در باره تکنالوزی امکانات زیادی را بوجود آورده است .

هند طیارات مافوق سرعت صوت «اچ.اف.۲۴» نظامی و «اچ.اف.۷۴۸» غیر نظامی را می سازد . صنعت اتوموبیل سازی نیز در کشور هند انکشاف خوبی نموده است و سالانه در آن کشور ۶۵۴ هزار موتور لاری و سرویس و چهل هزار موتور سیکل ساخته می شود ، هند در صنعت بایسکل سازی در جهان مقام دوم را حایز است ، صنایع مولده هند به کشور های خارجی صادر می - گردد و اکنون دانشمندان هند راه استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی را نیز گشوده اند . آری ! بعد از تاسیس جمهوری هند روابط میان مردم افغانستان و هند به شکل روز افزون آن ادامه و انکشاف یافته است ، چه مردم ما با مردمان سرزمین هند و چه مشترک زیادی را دارا می باشند و جالب تر از همه اینکه کشور ما افغانستان و جمهوری هند دو کشور غیر منسلک در منطقه بوده از جمله کشور های صلح دوست و آزادی پسند در سطح جهانی می باشند و این دو کشور از کشور های دو ستار د ینانت بین المللی بشمار می آیند .

هر دو کشور بر ضد استعمار ، اپارتاید ، تعصب ، هرزمو نیزم ، استعمار و تمام اشکال ظلم و ستم مبارزه نموده اند و می نمایند بنابر دانستن روابط نیک تاریخی فر هنگی و کلتوری مردم ما در شادی های مردم هند شاد و با اندوه آنها اندوه گین میگردند . مردم ما در شرایط گتونی که مصر و ف دفع و طرد جنگ اعلام ناندند محافل ارتجاعی ، هرزمو نیستی و امپریالیستی این دشمنان آتش بجان مردمان عذاب دیدند جهان می باشند و از وطن ، انقلاب و ناموس شرف و آزادی خود با عنایت و پایداری خراست می نمایند حلول سی و سومین سالگرد جمهوری هند را به مردمان صلح دوست آن کشور تبریک می گویند و مو لیت های هرچه بیشتر آن هارا در ساحه های مختلف حیاتی تمنا دارند .

غافل کله

ورږيد؟

— دا چيري هم کيدی نه شی!!
هغه پیغله چی داخبره یی کړی
وه ، دبازگل آگالور بدري وه اوپله
یی دښادی لورزر خانکه ... ددواړو
موپکونه نه په غاړه وو.

دټول کلیوال ولس خو لی پیغلو
تهوازی ختلی وی . بدري ټو پک په
بله اوږه کړ او په لوړ آواز یی—
وویل :

— آبا رښتیا وویل ... که زموږ
له کورنی څخه ټول د وطن او انقلاب
په لارکی شهیدان شی هم څه پروا
نلری ... د وطن شمله به لوږه او
انقلاب به بچ شوی وی زه ټولو
وروڼو او پلرونو ته وایم چی که له
چاسره د خپل سر ویره وی نو نه دی
خی مو ږ کلیوالی پیغلی به د هغه
انقلاب دفاع کوو چی موږ یی لسه
وینځتوب څخه وژ غور لو او دادی
ستړگی یی را ته په تعلیم باندی
رڼا کړی دی ... هغه چی نن ځان د
وطن له دفاع او د انقلاب له ساتنی
څخه بچ کول غواړی ، په دی آموخته
شوی چی په کور کی زنا نه وخوروی
او ظلمی وکړی ... خو موږ له خپلو
وروڼو سره اوږه په اوږه د وطن
دفاع ته چمتو یو

د بدري ددی خبرو په اوریدو سره
دسور کی اننگی سره شول او هغه
صحنه ور پیاد شوه ...

— ۳ —

د دوپی وروستی شپې ورځی وی.
دوطن ټول ځوانان او په تیره ددوی
دکلی ټول ځوانان د انقلاب د مورچو
دټینګولو په کار لگیا وو. ځوانانونه
شپې ته کتل او نه ورځی ته ...
ټولو په گډه سره کارکاوه او کلیوالو
ته یی د انقلاب پیغا مونه رسول .
سور کی چی د شپې او ورځی
گوندی کار سخت زهیر کړی و ، یوه
شپه د کلی ځوانانو د کوم کلیوال
واده ته له ځان سره بوت. ښه د

خوند ټنګ ټکور و . ځوانانو او پیغلو
مست اتنو نه کول او هره څسوا
اورونه بل شوی وو. داښ به مستی
کی به یو نیم ږ هم وشو . په دی
کی د سور کی ستو ما نه او خوب
لیجنی سترگی په یوی ښکلی پیغلی
باندی ولگیدی چی په مینه مینه یی
ورته کتل او مو سکی وه . د پیغلی
سری جا می وی او د گیسونو رڼا
ته یی ټیک پر اوربل باندی ځلیده.
غی غی سترگی یی په خیال سره
اړولی ، جگه پوزه او سره او سپین
اننگی یی وو . شوندی یی سری
کړی وی او په غاړه کی یی د لونکو
امیلو نه اچولی وو. ...

دیره شیبه په دغی ننداری
بوخت و. په ږیر شرم او حیا
سره یی سترگی ورسره جنگولی
خو څو شیبی وروسته چا بدري ته
چیغه کړه او هغه یی له نظره پناه
شوه ...

دبدری په سرو جا مو کی
تصویر دسور کی سترگو ته
دږی وږی شو . لکه چی د اوبو
په تل کی یی په یوه سره شس
باندي نظر غړولی وی ، خوناڅاپه
څوک او بو ته تیره و شړی او اوبه
په دایروی کړی کی له خپل اتن
سره هغه شی دږی وږی کړی ...
هغه په همدی سوچ کی
دوب شوی و او هیچا او هیڅ شی
ته یی پام نه و .

خو پدی کی یی د بازگل
اکا غږ تو غوږه شو :
— هلکو او س څه وایا ست ؟
آدم ځا نه زرغون شاه ... وواياست
که نه ؟
او س نو خبره تردی را ورسیدله
چی زموږ انقلاب به زموږ لونی او
نجونی راته گټی

دا شرم او پیغور چیری وږی ؟
په اوږه کی سخته گڼه گوڼه او

ورپسی شور بکت جوړشو ... ټولو
دبدری او د هغی د ملگری خبرو ته
پام کړی و او یو تر بله یی خبری او
مشوری کولی :

— خدا یزو دا نجلی رښتیا وایی ...
— دا خپل پلار په څیر میړنی
ده !

— داد باز گل آکا لور ده ؟
— داد منکی خورده ؟
— ورور خو یی هم د انقلاب د
دفاع په کمیته کی دی !

خو ناڅاپه د زرغون شاه رږ—
دیدو نکي آواز د بزگرانو سلا—
مشوری او خبری ور غوڅی کړی :
— باز گل آکا که موږ د خپلو
عقلونو جلب د ښځو لاس ته ورکړو
هیڅ یوی بریکړی او فیصلی ته نه
شو رسیدلی ... ښځی په موږ کی
شر گډوی ... او نه پرین دی چی
جر که خپل کار وکړی

پدی کی باز گل مدا ځله وکړه :
— دا څه وایی زرغون شاه
نجونو خو څه بده خبره ونکړه ...
ښځی خو نن سبا زموږ په ژوند کی
ډیره اغیزمنه ونډه اخلی ښځی
خو نه وایی چی تا سو جر گه مکوی
هغوی خو د جرگی د گټور انجام
هڅو نه کوی ... د زرغون شاه په
سترگو کی د غوڅی او قهرنښی
نښانی را غلی خو د جرگی له ویری
یی څه ونه شو ویلی او آخر یی—
وویل :

— موږ خو غواړو چی دروغی جوړی
لاربه مخکی ونیسو ... خو دا ښځی
غواړی چی د تر بگینت او نقاق ،
ورور وژنی او جگړی او ردی لاسی
زور واخلي ... زه خو وایم چی جرگه
دی پدی خبری وکړی چی څنگه د
«هغوی» خبرو ته غاړه کیږدو او د
«صیب» پیغام سره سم دی روغه
راولو

ناڅاپه کپس کپس ټکه پاری
دروجری له منځه پور ته شو
ټولو هغی خواته وکتل چی بدري

او د هغی ملگری ناستی وی ...
هغوی د بکرو دوه دوه ږی یو په
بل باندی ټکولی ... د ټولوبزگرانو
پرشونډو باندی دمو سکا خپودلال—
آمین رڼا ته خپلی کرښی خبری کړی ...
ځکه هغوی پو هیدل چی ښځی د
په جرگه کی له کیدو نکونویو
پیشنهادو سره مو افقه نلری او
دا د پښتنی قبا یلو له درندو دو—
دونو څخه یو دود دی چی کله په
جرگو کی د خلکو او اکثریت د گټو
په خلاف یو پیشنهاد او یا پر یکره
و شی نو ښځی او نجونی چی—
د جرگی په خوا کی د جرگی څارنه
کوی ، د مخالفت په دود ږبری
ټکوی یعنی دا چی مو ږ د سره مو—
فقه نلرو ...

او دا وخت بدري او د هغی
ملگری په حقیقت کی د زرغون—
شاه د پیشنهاد مخالفت کاوه ...
باز گل آکا نور ځا نته زحمت
ورنکړ چی د زرغون شاه په معامله
کارانه او له سازش نه ډک پیشنهاد
باندي غور وکړی او یاد جرگی
نظر یی و غواړی ... خو سور کی
مری خلاصه کړه او په قانع
کو ونکو د لا یلو سره یی د زرغون—
شاه خبره رد کړه او په پای کی
یی ورته وویل :

— گو ره زرغون شاه ، زموږ
په پلارنی وطن کی او س او س
واک د همدغو خلکو دی ... د
بزگرو ، د غریبانو ، د زیار
گالونکو او ټولو خلکو ... همدغه
ناست بزگران چی دا او جرگه یی
ډکه او درنده ده ، د پلارنی وطن
دملی جیبی غړی دی د حکومت قوت
ددوی د متو په زور کی دی ...

ټول واک د همدغو دی ... دوی
په خپلی خیر ښیگنی باندي ښه
پوهیږی ...

(صیب) او د هغه په خیر کسان
ددغو بزگرانو او غریبو خلکو
نمایندگی نه شی کولی ... نو
پاتی په ۵۲ مخکی

واقعات

پیوستہ بگڈ شتہ

مہم

سال

۱۹۸۱



مخالفت ملیون ها انسان در جہان بر خلاف سلاح نیترونی

کشور های سوسیالیستی

تاریخ سوسیالیسم جہا نی از پوتہ ہمہ انواع آزمایش ها بیرون شدہ است ، تجارب گرانہا کسب کردہ است ، سال ۱۹۸۱ ، سال پیروزی های جامعہ سوسیالیستی سال افزایش تولیدات و سال ہمبستگی و اتحاد با انقلاب جہا نی بود ، کمونیست ها با جہلات دشمنان گوناگون مقابل گردید اما با روحیہ انقلابی بر خورد نمود و میدان را بردہ اند . سال ۱۹۸۱ نشان داد کہ برای تصمیم مشترک و تأمین منافع و دفاع از دست آورد های سوسیالیستی هیچ شکی وجود ندارد برگزاری کنگرہ های احزاب کمونیست کشور های جامعہ سوسیالیستی آزادہ مهمترین افرادہای اروپا و جہا ن بہ شمار میرود ہمہ کنگرہ ہادر فضای دموکراتیک با موافقت کامل بر نامہ های اقتصادی ، اجتماعی خود را بہ تصویب رسانیدند و بدینترتیب گامی در راستای بہبود مادی و معنوی خلق خویش و تحکیم صلح

جہا نی برداشتند .

بیست و ششمین کنگرہ حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماسکو برگزار شد . برگزاری این کنگرہ مصوبات و پیشنہادات سازندہ آن از اهمیت چشمگیری برخوردار است . کنگرہ سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی را ارزیابی و جمع بندی کرد و برنامه رشد اقتصادی ، اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰ را بہ تصویب رساند . قرار های کنگرہ نہ تنها در زندگی خلق های شوروی بلکہ در سرتوشت ہمہ خالق های گیتی در سیر تحول سراسر زندگی بین المللی تأثیرانکارناپذیر بخشیدہ اند .

دوازدهمین کنگرہ حزب کمونیست بلغاریہ در اخیر مارچ ۱۹۸۱ در صوفیہ گشایش یافت این کنگرہ در زمانی برگزار شد کہ مصادف با جوامع سازندہ و بزرگ در تاریخ کشور بلغاریہ ما نند ۲۵ سالگرد پلینوم اپریل ۱۹۵۶ ، نودمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست و ۱۳۰۰



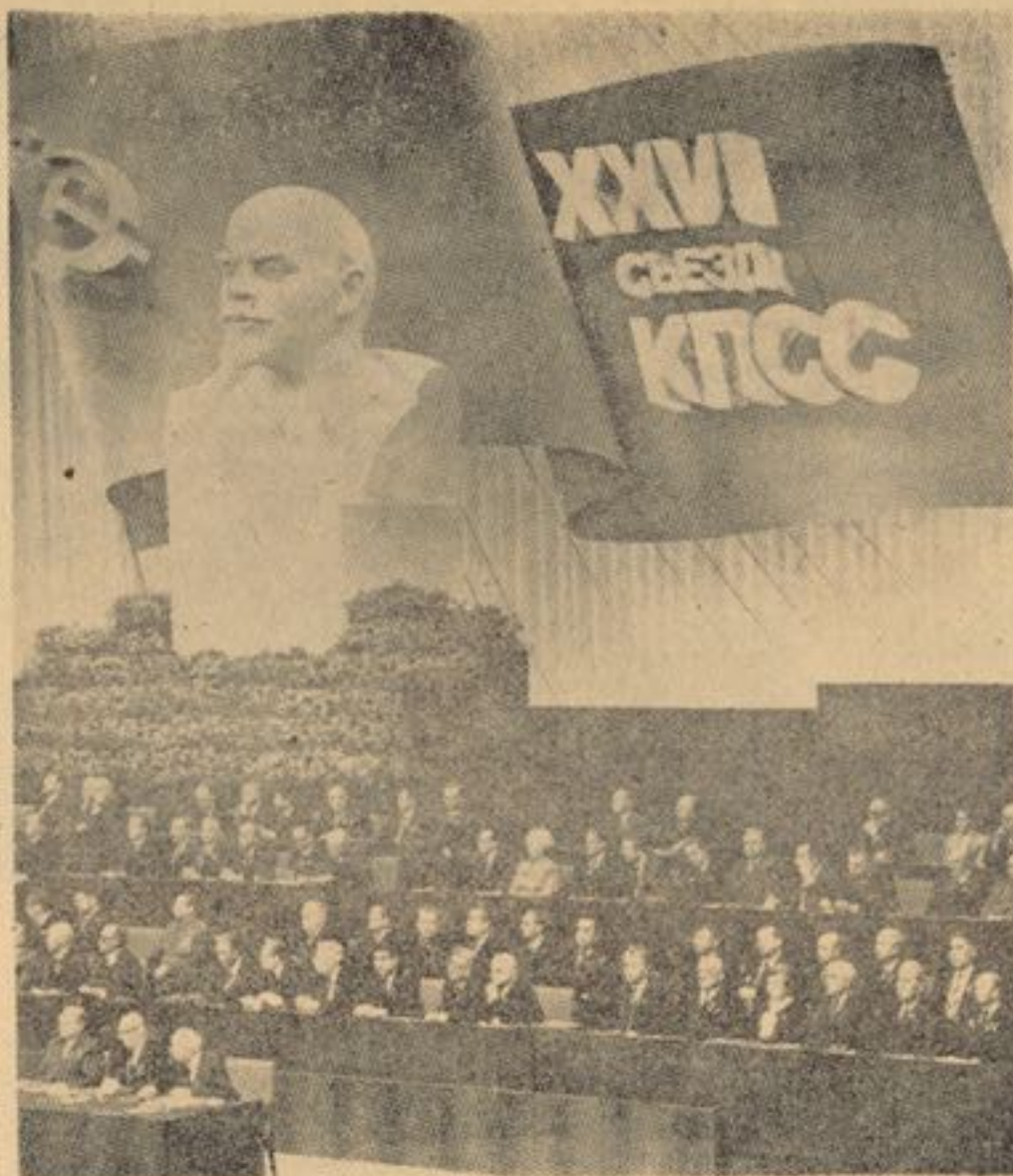
بابی ساندز مبارز آیر لندی

تاریخی بشمار میرود این پدیده باز تاب آرایش جدید نیرو های طبقاتی وحدت مبارزه طبقاتی و تغییر معینی در تکامل اوضاع و احوال سیاسی این کشور است حزب سوسیالیست اکثریت کرسی های پارلمان را در اختیار دارد. حزب کمونیست یونان نقش اساسی را در راه سوسیالیسم ایفا کرده است و نتایج انتخابات نشان داد که وضع سیاسی نوین در این کشور پدید آمده است و قطب بندی نیرو های سیاسی به صورت جدی شکل گرفته است حزب ترقی حوزه زحمتکشان قبرس «آکل» چهلمین سالگرد بنیان گذاری خود را جشن گرفت حزب ترقی حوزه زحمتکشان قبرس نقش سترگی در مبارزه مردم قبرس با ی کبرده است.

کنفرانس رهبران هفت کشور عمده سرمایه داری، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان غرب، کانادا و جاپان دایر شد. مبصرین اظهار نظر نمودند که مذاکرات تحت فشار شدیدی ایالات متحده آمریکا برگزار گردید و نتایج از خود بجا گذاشت یکی از شوم ترین اهداف این نشست رهبران کشورهای عمده سرمایه داری بحث پیرامون به اصطلاح مساله کمپوچیا و مداخله در امور کشورهای مستقل بود و

سری هم به افغانستان انقلاب پس زدند و خواستند وضع جهان را به و خامت کشند.

در سال ۱۹۸۱ مارگریت تاچر صدراعظم انگلستان همخوان با سیاست ما چرا جویا نه رایگان باقی ماند و باعث شد که زحمتکشان انگلستان بانک اعتراض بلند کنند و حزب کارگر خواستار استیضاح خانم تاچر شدند. لطفا ورق بزنید



کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماسکو

تولید های جمهوری ت خواه علیه قیومیت پرو ستانت های وفا دار به لاردها ی انگلیس مبارزه دارند. بیروزی چشم گیر نیرو های دموکراتیک را دیکال در انتخابات پارلمان یونان رویداد پر اهمیت

در سال ۱۹۸۱ مارش صلح ۸۱ تحت سرپرستی قهرمان صلح کشور های اروپای شمالی برای انداختن شد شرکت کنندگان این مارش به یک هزار کیلو متر پیاده روی از طریق دنمارک، آلمان غربی بلژیک و فرانسه آغاز شد. هزاران تن از اهالی بروکسل در برابر مقر «ناتو» علیه انباشت جنگ افزار های هسته ای در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند و ریگان در برابر اعتصاب کارکنان کنترول هوایی از خشونت کار گرفت و ایشان را از کار اخراج کرد. در دوره انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، فرانسوا میتران کاندید ریاست جمهوری فرانسه از حزب سوسیالیست بهیث رئیس جمهور جدید آن کشور انتخاب شد البته نقش کمونیستان فرانسه در این بیروزی قاطع و مثبت بوده است.

در سال ۱۹۸۱ رسوایی رشوه کمپنی های بزرگ چند میلیتی موضوع خیلی جا لب بوده است و این ما نند رسوایی لاکمپید در آمریکا می باشد.

جنگ آیرلند یکی از تکان دهنده ترین رویداد های دوران مابه حساب میرود. در آیرلند از سال ۱۹۶۹ کا-



تظاهرات و اعتراضات اروپائیان علیه مسابقه تسلیحاتی



تظاهرات جوانان در اروپای غربی

کرد. علت عمده این بحران، همان گرایش های جنگ طلبانه و مسابقه تسلیحاتی است. طبقه کارگر و زحمت کشان کشور های سر مایه داری به خاطر استثمار و غارت نیروی کار شان، سازمان یافته و به اشکال گوناگون به پیکار علیه نظام ستحکمر سرمایه داری پرداخته اند.

رونا لد ریگان تلاش های مذبو حانه را برای پوشاندن انتقاداتی که علیه پروگرام های اقتصادی وی براه افتاده، انجام داد وی طی بیانییه اعتراف کرد به دلیل بالا بردن ربح بانکی تطبیق پروگرام های اقتصادی حکومت امریکا با مواضع جدی رو پرو گردید و بدین ملحوظ باید مصارف بودجوی آن تغییر بخورد و قروض فدرال به يك هزار میلیون دالر رسید.

بابی سندز که با خواست اعطای حیثیت زندانیان سیاسی برای رزمندگان در آیرلند شمالی به اعتصاب نخوردن غذا دست زد، جان سپرد، تدفین او با تشریفات شکوهمندی صورت گرفت مردم آیرلند شمالی سه روز سوگواری کردند، مرگ بابی سندز که در اثر بی اعتنائی نفرت انگیز حکومت اردو های جبار انگلستان اتفاق افتید داغ سنگ افتضاح دیگری را به جبین مدعیان کاذب آزادی و دموکراسی کوبید.

بقیه در صفحه ۴۴

طی سال ۱۹۸۱ اوضاع کشور ر پولند در اثر تلاش های ثمر بخش حزب و دولت آرا مش خود را به تدریج باز یافت، اقدامات جدی در راه برقراری وضع آرام به عمل آمد اتحادیه همبستگی از بین رفت و حکومت نظامی جهت برقراری نظم انقلابی و حفظ دست آورد های سوسیالیستی اعلان شد.

بپاس یکصد و یازدهمین زادروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر سترگ اندیش کارگران و زحمت کشان بنیان گذار نخستین کشور سوسیالیستی جهان در سرا سر گیتی جشن گرفته شد. مذاکرات بین لیونیو بریزنسف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و هلموت شمیت صدرا عظم جمهوری اتحادی آلمان چنین بارزش است طرفین در بن مذاکرات را روی اوضاع سیاسی اروپا و جهان متمرکز ساختند و بر صلح و جلوگیری از مصیبت اتمی و ایجاد فضای صلح و آرامش برای مردمان جهان تاکید شد.

کشور های سر مایه داری کشورهای سرمایه داری اروپای غربی و امریکا در تب بحران می سوخت، جلوه های روشن آن نیز در کاهش فزاینده تولید، تشدید تورم و افزایش بی سابقه بیکاری و گرانی سرسام آور تیلور

عالی رتبه احزاب برادر و کشورهای مترقی گشایش یافت که در حیات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن کشور خیلی با اهمیت است.

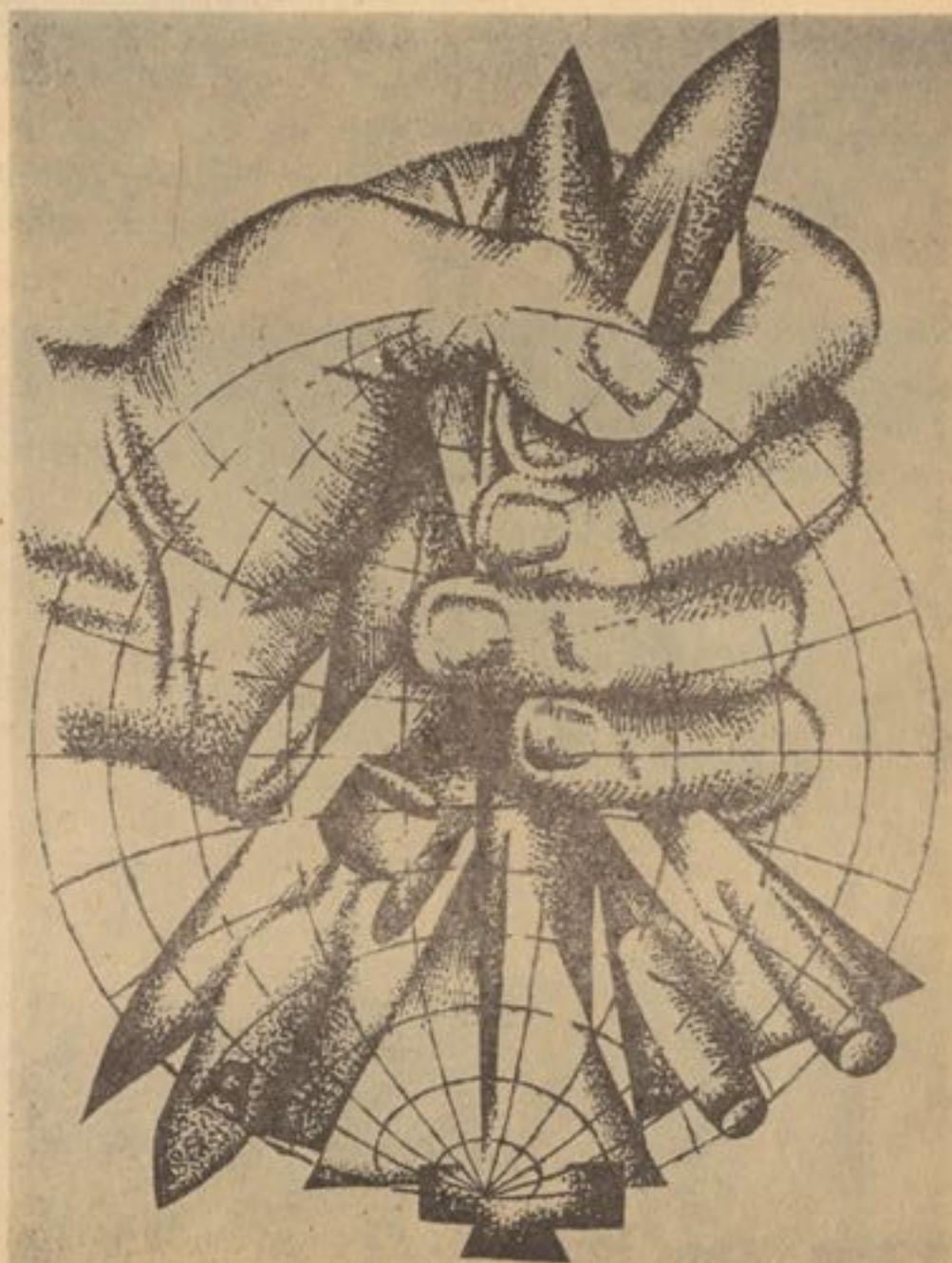
مین سالگرد تا سیسردو لت بلغاریا است که طی جشن های ملی تجلیل گردید.

شانزدهمین کنگره حزب کمو نیست چکوسلواکیا در ۱۶ اپریل ۱۹۸۱ گشایش یافت این کنگره تصامیم بزرگ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را تصویب نمود.

هیات رئیسه اکادمی علوم شوروی مدال طلائی کارل مارکس برای سال ۱۹۸۱ را به گوستاف هوساک منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست چکوسلواکیا و شخصیت پر جسته جنبش جهانی کمو نیستی اعطاء کرد.

دهمین کنگره حزب کمو نیست متحده آلمان ۱۱-۱۶ اپریل ۱۹۸۱ در برلین دایر شد نتایج کنگره نه مورد مطالعه قرار گرفت و اجرای وظایف جدیدی که در برابر حزب و دولت قرار دارد، تاکید گردید، کنگره بر نامه ترقی و پیشرفت پنج سال آینده را بررسی کرد.

هزدهمین کنگره حزب انقلابی مردم مغلستان در اولنبا تور مرکز آن کشور با شتراك نمایندگان



کشور های سوسیالیستی بصورت واقعی علیه مسابقه تسلیحاتی مبارزه می نمایند

این رسم تست که ایستاده بگیری

ما فتح میکنیم

ما فتح می کنیم

با غبای بزرگ بشارت را
با خون و خنجر خفته درخونمان
با آیین گوشت و گلوله و مرگ
و شلیک فریاد

سپیده دم روز ۲۸ دلو ۱۳۵۲،
خسرو گل سرخی را به «میدان
اعدام» بردند، مزدو را نساواک
دوروش را گرفته بودند، گویسی
از پیکر نحیف شکنجه دیده اش
نیز هراس داشتند، درمیدان تیر
چیتگر تهران، گل سرخی از جلا
دا نش خوا هش کرد، چشمهای
او رانه بندند، میخواستند او را پسین
بار، طلیعه خورشید را به بینند،
تبسمی بر لب داشت و پیشانی
بلند کم موی او، مثل همیشه،
آیت مناعت بود، هنوز زمین
لرزه آخرین دفایه او حس می
شد:

«...صدای من این دیوارها را
خواهد شکافت، شما نمی توانید،
این صدا را، مثل جسد سو راخ
سوراخ شده من در خاک پنهان
کنید.»

و همینطور هم شد، سالها،
پس از شهادت او، درخیمان شاه،
اسم و رسم او را به بند کشیدند و
شعر و غزل او را زیر گیسو تین
سایر نوارها دند، اما هرگز
گل سرخی فراموش نشد، انگار
شیخ او در کارخانه ها، مدرسه
ها و روستاها سفر می کرد و

حما سده شهادت او را به گوش
با د زمزمه میکرد و باد به پرند
می گفت و پرند به گند مزارو
گند مزار این قصه را به دشت های
شقایق می سپرد... تا سالهای
دیگر که خلق، پیمرا س، نام
نامی او را به دیوارهای شهر
نوشتند، همانطور که خود شاعر
خلق پیشگوی نموده بود:

روزی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب میشود
کدام شاعر، به شکوه گل سرخی
می تواند، از آن سوی دیوار، از
شهر شهادت، به شهر وندان
اسیر پیام پا یوردی بدهد،
انکار میخواست به چه سر
زمینگیران بیدست و پا، در یوزه
گران حقارت، تا زیانه بزند:

(تورفتی

شهر در تو سوخت
باغ در تو سوخت
اما دودست جوانت
بشارت فردا -

هر سال سبز می شود
باشاخه های زمزمه گر
در تمام خاک
گل می دهد
گلی به سرخی خون!

...

گل سرخی، شاعر انقلابی
خلق، در شعرش زیست و در
شعرش ابدیت یافت، شعر
برای او سرگرمی نبود، گردنش
را با طناب «قافیه» نه بسته
بود و برای خریدن واژه های

زیبا و خیال انگیز، به سراغ
عتیقه فروش ها و جواهر
فروشها نمی رفت، تمام کلمه
های شاعرانه او، همه افزار
ترانه و ترنم او از محلات جنوب
شهر، از حقیرترین کوچه
های زندگی برداشته شده
بود.

گل سرخی «مرد عمل» بود و شعر
را برای گردن افراشتن در محافل
روشنفکری نمی گفت، با رها -
«شعر و خنجر» را قافیه ساخت،
در همان حال با ورداشت که
هیچگاه شعر مانند خنجر برنده
نبوده است:

«...لطفاً آیه های روشنفکرانه
را مانند گاه و علف جلو ما نریزید.
چرا شعر نباید شعار باشد، در
جایی که زندگی کمترین شباهت
حتی بخودش ندارد، این
کفر است که دنبال شعر ناب و
جوهر سیال، سینه چاک دهیم،
من به نفع زندگی، از شعر
این توقع را دارم که اگر لازم
باشد، نه فقط شعار، بلکه خنجر
و طناب و زهر باشد، گلوله
و مشت باشد...»

در عقیم ترین دوران تاریخ
کشورش، آنجا که دستگاه های
عظیم تبلیغاتی، پاسداران فرهنگ
رو سپیکری، عقل و ایمان
توده ها را دزدید، بودند، گل سرخی
با شعرش، به «افشاگری» پر-
داخت:

«این سر زمین من است
که می گرید
این سر زمین من است
که عریان است
باران اگر نیامده

چندی است،
آن گریه های ابر
کجا رفته است؟
عریان نیکی کشتزار را
با خون خویش بپوشان!

شعر او مانند گلوله یی، در
نیمه شبان خاموش، خواب
راحت در خیانت رابه یغما می برد،
سکوت سیمگین دروغین تر گریه
میداشت و چنین بود رسالت
شاعری که سجده گاه او مردم
بود:

«من با سیاهی دو چشم سیاه تو
خواهم نوشت
بر هر کرانه ی این باغ
دستی همیشه منتظر دست دیگر است
چشمی همیشه هست که نمی خوابد...»

...

او نسل نو پای کشورش را با
شعر تازه یی آشنا ساخت شعر
«زیستن در مرگ...»

هر بار ایبای تی از شعر بلند مایا
کو فسکی را که برای مرگ
لنین سروده مرور می کنم، بیاد
گل سرخی می افتم:

«در وجودم خنده یی نه،
بل اندوه جا نگاهی است،
می بنمت -

بقیه در صفحه ۵۰

در طی سالهای (۱۹۷۰-۱۹۷۵) در حدود (۶۱-۶۴) فیصد تیل مورد نیاز هند از کشورهای نفت خیز تهیه و تدارک دیده شده و اما در طی سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) مقدار تیل مورد نیاز آن کشور به (۶۳) فیصد بالغ گردیده است.

طبق یک راپورت دیگر حجم وارداتی تیل در کشور هندوستان در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) با الترتیب به (۱۶۲۵) و (۷۱۶) میلیون تن بالغ شده در حالیکه این مقدار در طی سالهای (۱۹۷۳-۱۹۷۴) با ۱۱۰۰ میلیون تن (۳۵۵) و (۱۳۸۷) میلیون تن ارقام داده شده است. بامقایسه نمودن حجم اسعار و وارداتی آن کشور میتوان گفت که خربندی نفت خام و مرکبات آن در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) به (۵۱۷۶) کروڑ کلدان هندوستانی و در طی سالهای (۱۹۷۴-۱۹۷۹) به (۳۲۱۳) و (۵۴۱) کروڑ کلدان هندوستانی بالغ شده است. بادر نظر داشت ارقام فوق الذکر حکومت هند تجویز گرفته است تا حجم وارداتی نفت خام و مرکبات آنرا از کشورهای خارجی کاهش دهد. برای برآوردن ساختن این هدف یک سلسله تحقیقات و تفحصات در سواحل ابحار و نقاط مرکزی کشور پهنای هند آغاز گردیده است.

تاریخ کشف و بهره برداری از ذخایر نفت در هند به قرن (۱۹) میرسد و برای اولین مرتبه در طی سالهای (۱۸۶۶-۱۸۶۹) در سواحل شرقی آن کشور در نواحی آسام امور بهره کاری و حفر چاه های نفت صورت گرفته است. در چاه اول در ناحیه «ماکوم» در عمق کمتر از (۳۶) متری زمین نفت خام بدست آمد لیکن نفت متذکره برای امور مارتکت و استهلاک قابل استفاده نبود.

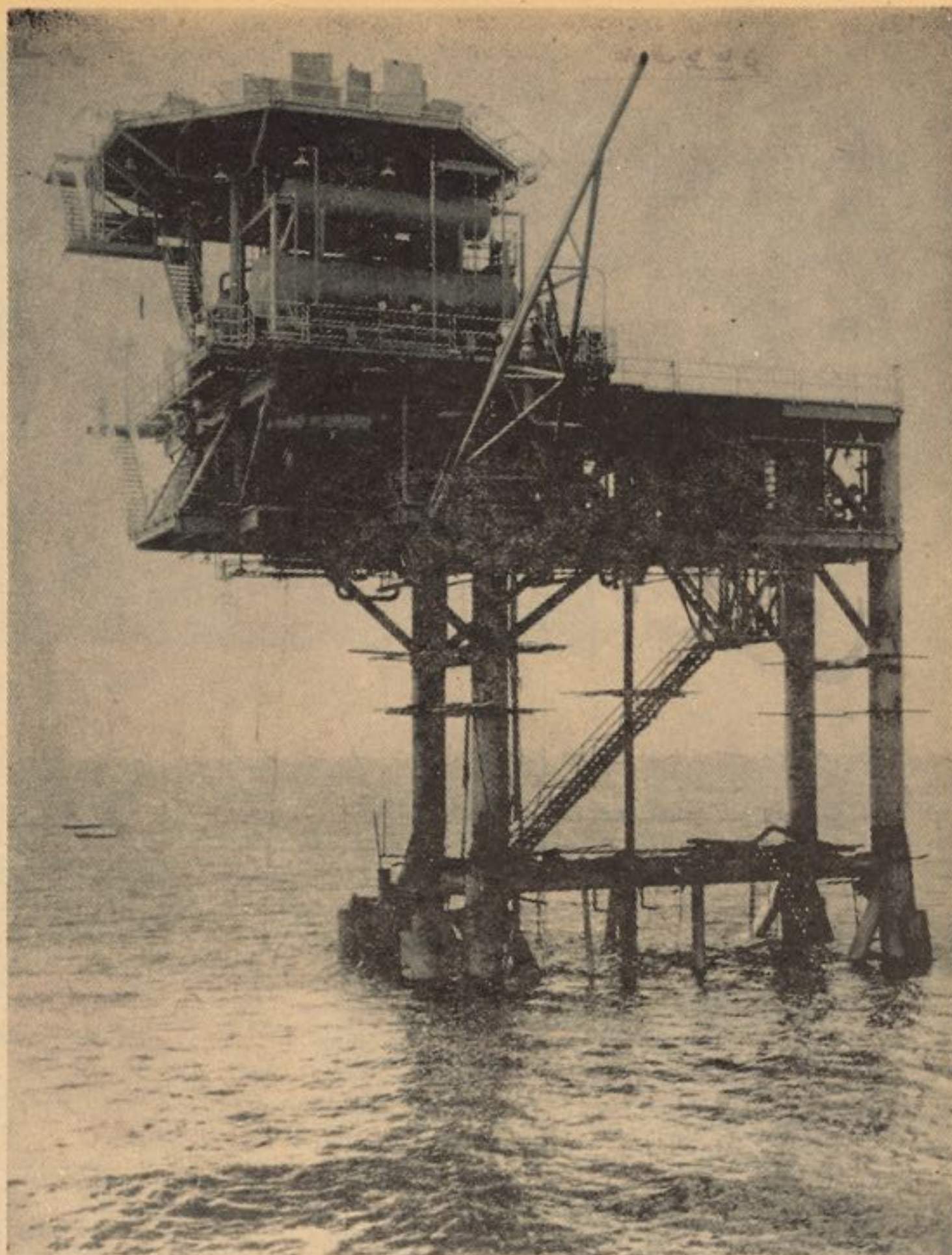
پس در سال (۱۸۸۹) میلادی در ناحیه دیکبای ایالت ((آسام)) بمقادیر زیاد نفت در سطح تجارتی کشف و مورد بهره داری قرار گرفت.

به تعقیب آن در ایالت آسام

مجبور اند تا تیل مورد نیاز خود را از معادن و ذخایر کشورهای آسیای غربی تهیه و تدارک ببینند و کشور پهنای هند نیز از این امر مستثنی نیست. طبق گزارشات مطبوعات هند

از بیست و هشت چند افزایش یافته است که این امر بدو هنوع شک و تردید اقتصاد کشورهای وارد کنند نفت را در جهان تا اندازه زیادی متاثر گردانیده است. کشورهای ذی علاقه

با بلند رفتن قیمت فی بیرل تیل خام از یک اعشاریه سی دالر در سال (۱۹۷۳) به فی بیرل (۳۶) دالر در سال (۱۹۸۰) نرخ پترو-لیوم خام در بازارهای فروش در طی کمتر از هشت سال اضافه



گوشه ای از تاسیسات بهره کاری درچاه های مناطق ساحلی بمبئی-هند

ترجمه غیور

جستجو برای استحصال نفت

در کشور پهنای هند

برای شما باید گزیده ایم :

این هفته از ادبیات فرانسه

زنجیر خورده

اثر آندره مورو

این داستان از میان بیش از یکصد داستان این نویسنده برای شما برگزیده شده است

پیوسته گذشته

سراغ داشته باشد. بلکه فکر می کرد نگاه تازه دیگری بعضی معایب را بهتر درک می کند. من هم با میل می رفتم، چون کار فعال و محیط صمیمانه پشت پرده نمایش را دوست میدارم. تمرینی که آنروز دادم آشفته تراز همیشه بود، ظاهر اخابر از جریان تمرین رضایت نداشت، گفت:

نمی دانم چه شده، کار پیش نمیرود... ژنی که معمولا به اشاره بی منظوری را درک می کرد، این بار سرکش و متمرد شده است و این موضوع از او عجیب است، خلاصه دوست عزیز ناراحتی همین اکنون خودت خواهی دید.

هنر پیشه بی آمودروی صحنه بی که تقریبا خالی بود، مقابل میزی به سبک دوره ناپلیون نشست، او در نقش فابری بازی می کرد، صحنه ی کوچکی بامنشی تشکیل دادند، منشی ورود بازیگری را که قرار بود در نقش من بازی کند، اعلام کرد، به

نمایش است، عمده گفتگو ها ست و در مورد ترتیب دادن گفتگو ها من واهمه یی ندارم.

از او پرسیدم:

خانم آستیه چه شد؟

کدام خانم آستیه؟

همان خانمی که همسفر ت بود

والهام بخش این نمایشنا مه است؟

آها «په پیتا» را می گویی، این

نامی است که در اسپانیا به او دادم،

زن خو بی بود.

زن خو بی بود، مگر چه

شده؟

قضیه کاملا تمام شده است،

حتما رفته است نزد «په پی تو» اما در

نمایشنامه زن خریب خورده دوباره

ظاهر می گردد.

.....

تابستان سپری شد، در ماه اکتبر

شنیدم که نمایشنامه «زن خریب»

خورده را تمرین می کنند. فابری

اغلب از من می خواست که در تمرین

نمایشنامه او شرکت کنم نه به آن

سبب که در من صلاحیت خاصی

ژولیسست یعنی «اورت» در صدد تلافی انتقام است، ولی بعد در آخرین لحظه به خود می آید و علی الرغم کینه یی که دارد، عشق بیروز می گردد.

عشق به تو؟

طبیعی است، اما برده سوم، به

نظرم میرسد که باید رقیبه قهرمان

و شوهرش را نیز وارد صحنه کنیم

شوهر در فکر انتقام است و لسی،

ژولیسست با شما مت تمام خودش

را بین او و رقیب خودش، یاپین

او و قهرمان می اندازد و قهرمان

یعنی مرا نجات میدهد.

به نظرت نمایشنا مه کمی

هیجان نی نشده؟

در گفتن و بیان هیجان نی معلوم

می شود، ولی ارزش کار در پیاده

کردن این هدف هاست، قهرمانان

نمایشنا مه من امروزی هستند، به

زبان من و توصیحت می کنند و درست

رفتاری مثل همی ما دارند، هیجان

در نما یشتنامه بد نیست چون اساس

.....

کدام نمایشنا مه را؟

همان را که با هم در باره اش

صحبت کردیم، این نمایشنا مه

باصحنه یی از تو شروع می شود،

عنوا نش «زن خریب خورده» است،

برده اول نوشته شده، البته نو-

شتنش مشکل نبود، واقعیت زندگی

اساس کار را فراهم ساخته بود.

واقعیت زندگی؟ خیلی خطرناک

خواهد شد، حتما صورت اصلی

قضا یا را عوض کرده یی؟

خوب البته، به کار خودم آشنا

هستم، عوض کردن صورت قضا یا

غریزی است، از قهرمانی یعنی

از خودم، یک نقاش چیره دست

درست کرده ام، از تو که در نما-

یشتنا مه «برنار» خطاب می کنم، یک

آدم احساساتی، و لی جزئیات

قضایا همه عوض شده، اشکال کار

در برده دوم است، فکر می کنم این

گونه تر تیبش دهم که «برنار» در

صدد سوء استفاده است و در مرز

واقعیت نیز قرار گرفته چون

وژنی در روی صحنه بیتا بی می وگفتم : میا ییم .
 فابر را که شدیداً بر افروخته
 کرد :
 سمیاید یا نه ؟ چون من ...
 شده بود به طرف پله های مو قوت کردم .
 با سخ او را من به عهده گرفتم که در مدت تمرین ، صحنه را بسه
 سالن میبو ست و ژنی در با لای آن
 انتظار ما را می کشد ، رهنمای

بقیه در صفحه ۳۷

شنیدن صدای او حالت خاصی را
 درخودم احساس کردم ، فابر از همه
 تکیه کلام های من بهره برداری کرده
 بود و بعضی از حرکات عادی مرا
 به باز یگر آموخته بود ، گفتگو ها
 ساده ، طبیعی و سریع بود ، بعد ژنی
 وارد صحنه شد ، با رغبت شور-
 انگیزی گوش می کردم ، می خواستم
 بدانم فابر بر این صحنه را چگونگی به
 درك گرفته است ، منکه میدانستم
 موضوع از چه قرار است و لی او
 گمان کرده بود که يك اوات «ژولیس»
 نو مید ودر مانده به خدا کاری درد-
 ناکي گردن نهاده است ، ز پیرادر
 صحنه بی کی ژنی در برابر ما اجرا
 کرد ، از زبان ژولیس چنین گفت :
 « شما نمی توانید بفهمید سعادت او
 سعادت من و خوشی او خوشی من
 است . »

ژنی ، چنانکه فابر هم به من
 گفته بود نمی توانست لحن کلام را تا
 اخیر نما یشنا مه نگه دارد ، دوسه
 بار فابر سخن ژنی را قطع کرد تا از
 او بخواهد با شور بیشتری بازی
 کند ، ظاهراً باز یگر می کوشید ، اما
 مو فق نمی شد ، آنگاه عصبا نی شد
 و با ایراد تازه نویسنده نما یشنا مه
 بر افروخته گردید ، به جلو صحنه
 آمد و با نگاه به جستجوی فابردر
 میان سالون پر داخت .
 - برو بر کجایی ؟ بلی دید متان ، کی
 با تو ست ؟
 - بر تر ان .
 - بهتر لطفا هر دو نفر بالا بیایید ،
 باشما کار دارم .
 فابر گفت :

- حالا ادامه دهید ، پس از تمرین
 خواهیم آمد .
 - خیر ، تمرین دنبال نخواهد شد
 من و نویسنده باید موضوعی را
 روشن کنیم و تا موضوع روشن
 نشود من از بازی خود داری می-
 کنم .

فابر بالحن قاطعی به من
 گفت :
 - زنکه دیوانه شده !
 - چرا دیوانه ؟ ژنی هوشمند
 ترین و وظیفه شناس ترین باز یگر
 پاریس است ، باید گیش را شنید .
 - چه می خواهد بگوید ؟ او باید
 نقش خود را ، آنطور یکه نما یشنا مه
 تعیین می کند ، ایفاء کند ، همین و
 پس ، من نویسنده مبتدی نیستم که
 نیاز مند پند و را هنمای باز یگران
 نمایشنا مه ام باشم .



هنرمند

تساوی حقوق اقوام و ملیت‌های
کشور یا دست‌آورده دیگری
از مرحله نوین انقلاب شکوهمند ثور

در پر تو پیروزی مر حله نوین
و تکا ملی انقلاب شکو همند یوربا
در نظر داشت مفکوره عالی
انسانی فوق حزب و حکومت
به یک سلسله اقدامات و سیمعی
در جهت بهبود وضع مادی
زحمتکشان متشکل از اقوام و ملیت



مصوبه پلینوم هفتم کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان بحقوق انکسار دهنده
خواستارهای مقدس و با ارزش

رایو ر تر مجله در ارتقا ط پر
حتوای ارز شمند این مصو به
با تنی چند از نمایندگان اقوام
و قبایل پشتون و نمایندگان
اقلیت های ملی مذعبی کشور به
پای صحبت نشسته گفت و شنودی
را در زمینه بعمل آورده است که
در ذیل توجه شما را بدان جلب
می نمایم .

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان که
بحیث رویداد با عظمتی در کشور
اخیراً دایر گردید بالای حیات
سیاسی، اقتصادی، فرهنگی
و اجتماعی مردم ما ارزش خاصی
را حایز می باشد، طی این
پلینوم با اهمیت در حیات زحمت-
کشان میهن مصوبه به
تصویب رسید که در آن به حل
بنیادی مسئله ملی و برابری
حقوق ملیت ها و اقوام ساکن



४४ अक्षर-

های مختلف کشور دست یا زیده است. به برکت اتخاذ تدابیر حزب و حکومت اکنون جرایدی به زبان های از بکی، تر کمنی و بلوچی به نشر می رسد و بالآخر مصوبه پلینوم هفتم در نظر است تا برای نشر جراید بزبان های ملیت های مختلف در مراکز ولا یا تی که قبلا در آن ها چنین جرایدی نبود آمادگی گرفته می شود و همچنان تدریس در مکاتب و نشرات را دیونسی بزبان های ملیت های مختلف افغانستان آغاز گردیده است.

پلینوم تصویب نموده است تا تدابیر جدیدی در جهت تأمین تساوی حقوق و همکاری میان ملیت و اقوام کشور بعمل آید و برای برآورده شدن این مامورل سیستم و سیع و تدابیر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی طرح و تحقق یابد، البته در ساحه اقتصادی تصویب پلینوم هفتم هدایت می دهد تا در رشد سریع مناطق زیست آن ملیت ها واقوامی که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته اند توجه جدی مبذول گردد و برای بهبود زندگی آن ها از جهت اموال مورد ضرورت او لیه تسهیل فر و ش محصور لات عنعنوی آن ها و استقرار قیم عادلان برای آن ها تدابیر لازم اتخاذ گردد.

موصوف بیا سخ این سوال که آیا در شرایط فعلی در اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان کشور با خصوص برای اقلیت های کوچک مذهبی چه آزادی هایی داده شده است و حقیقت این امر چه تفاوتی با تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب نور دارد گفت:

حزب و دولت انقلابی ما با وجود فشار سنگین تحریمات و مداخلات بیشتر مائمه محافل ارتجاعی، هرگز مو نیستی و امپریالیستی در امور داخلی کشور ما توانسته است در جهت تثبیت، تحکیم و توسعه دست آورد های انقلاب نور گام های بلند و بردارد. تضمین آزادی عقیده و اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان آزاده ما یکی از دست آورد های بی نظیر انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن می باشد. وی گفت: امروز در کشور ما هیچگونه موانعی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی وجود ندارد و همه باشندگان کشور ما در مسایل عقیده و مذهبی خود آزادی عام و تام دارند و این دشمنان انقلاب نور است که حقایق مربوط به وطن، مردم و جوامع ما را وارونه جلوه می دهند و می خواهند افکار جهانیان را در مورد حقایق مربوط به کشور ما مغشوش سازند و بدین ترتیب با استفاده از وسائل گوناگون مانع عدم پیشرفت میهن و جوامع ما گردند.

ولی مردمان آزاده ما دیگر فریب نمی خورند و حقایق مربوط به وطن انقلاب و جوامع خویش را از نزدیک مشاهده می نمایند و بر تبلیغات چنان ارتجاعی و امپریالیستی که برضد مردم ما دروغبار می نمایند نفرین می فرستند.

ملک تکرخان یکی از نمایندگان اقوام و قبایل پلینتون راجع به اینکه دولت های استعماری گذشته به منظور برآورده ساختن اهداف ننگین خود چگونه سیاستی را برای ابداختن و میاندازدن آزادی پسند

سرزمین ما چه خصوصیت های را ایجاد می نمودند گفت:

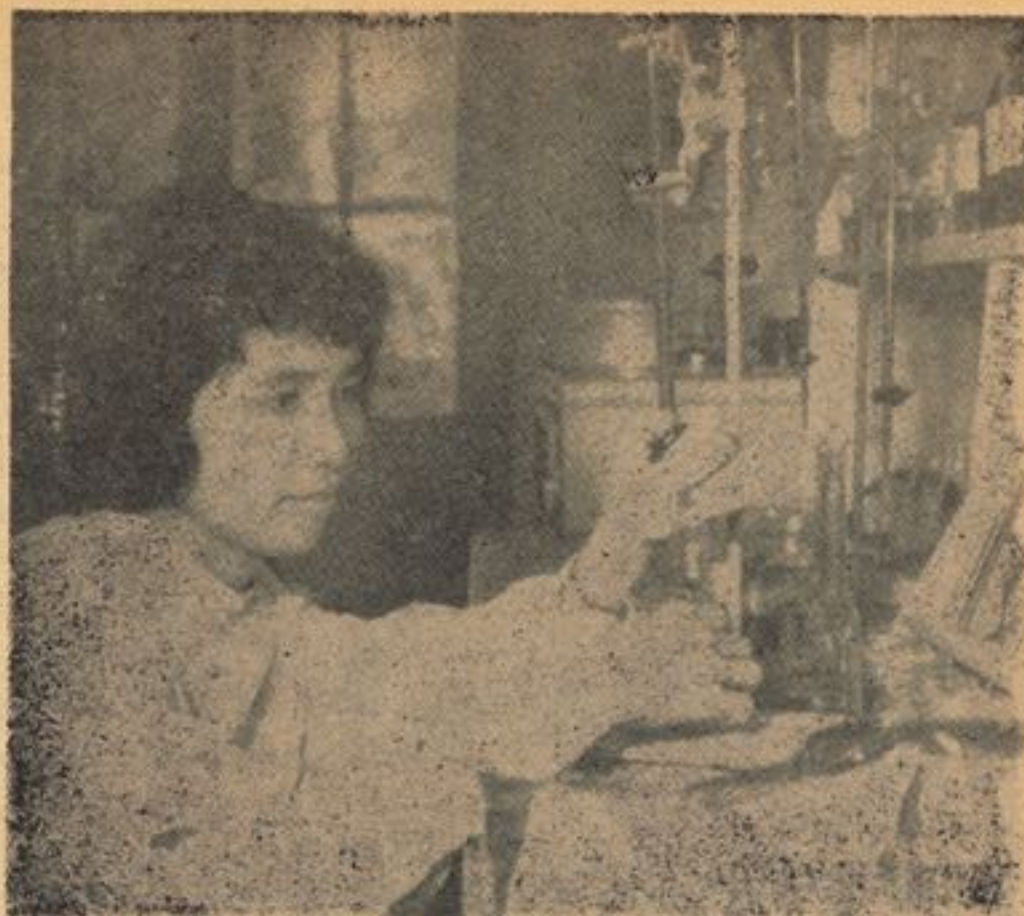
پخوانیو استعماریدو لئونو ته دتو لوه مېمه لاره دافغانستان پر ضد داوه چی ((بی اتفاقی و اچوه او حکومت و کره)) بل داچه ملی او سیاسی رهبرانو پرضدئی دبدبینی زهر آگین تبلیغات خپرو ل، ترخو پخپل ولس کی ددوی نقش کم کړی او خلک ورت په لمړی قدم کی متغیر کړی لکه دافغانستان په آزادی مین امیر امان الله خان پرضد دانکر یزانونو تبلیغات چه وروسته دافغانستان خلکو پوه هیول چی امان الله یو وطن پرست پاچا وو خو نور دامان الله خان په باره کی آرمان او افسوس له وخت نه تیر شوی وه، خو که شی چی خلکو ته دتل دپاره خرگند شو هغه داوه چی انکر یزانو دزاده استعمار په حیث دافغانستان د خلکو لمړی درجه دشمن دی چه نن په نوی رنگ زموږ د هیواد د خلکو د تحریریکو لپاره د نوی استعمار د سترواک د امریکا سره را مخکېنی شوی دی. نو موږ ی زیاته کړه:

د نور ملی او دموکراتیک انقلاب په کامیابید و سره وطن دابدی خو شېختی خوا ته قدم واخیست خو دیر زرد انقلاب بدبینه پرمختک په لاره کی خنډونه پیدا شول، ملت بی خایه تحریک شو چی په نتیجه کی خار جی دشمنانو او په وطن کی د تنه زر خریدو ته زمینه برابره شوه چی شه گنه و رخنه واخلی، خو خوشیختانه د انقلاب دد و هم تکاملی پړاو یوخل بیا د خلکو پرخمونیو پټی کیښودی او د ملت خلکو ته په وار وار سره د پخلا کولو د عدالت درسون ورکړل

اولا ورکوی پی. به هر صورت دپلینتون قومونو او قبایل لپاره په اوم پلینوم کی تصویب شوی سند چی متن یی درا دیو او تلو یز یون له لاری و او رول شو یوخل بیا پلینتون قومونو او قبایل یلو ته دافغانستان او سنی انقلابی حزب او دولت نامه کړه چی دپلینتون قومونو او قبایل تاریخ، دود او رواج (جرگومرگو) ته دیوه تاریخی اصل په حیث کوری او زیات ارزښت ورکوی او ددی دسیاسی حق حقوق، اجتماعی او اقتصادی او فرهنگی مسایل لپاره خاصه پاملرنه لری.

ملک شیر محمد خان صافی ددی موضوع په هکله داسی وویل: اوس پلینتون قومونو او قبایلوته دا خبره نایسته شوی ده چی جنگ د خه شی لپاره دی آیا مذهبی جگړه ده یا سیاسی، نورخوک دمذهب په نوم نه غولیری خکه هر خوک پوهیدلی دی او پوهیږی چی د اسلام ددین زمه وار پخپله خدای (ج) دی نه امریکا، چین مصر، سعودی عربستان، انگریز او نور.

نو تولو پلینتون قومونو او قبایل یلو ته دا ضرورتی چی د وطن د آرامی په خاطر راپورته شی جرگه او مرکز وکړی او یوخل بیا دپلینتون ددغه منل شوی اصل په نوم د وطن د آرامی فیصله وکړی او د جرگی او مرکز اهمیت لانونو هم د تاریخ په پانوی کی تازه کړی، د خپل انقلابی دولت او گوند سره دی ملا تپ شی، هر دول دشمنانوته دی خوا پ و ر کړی ترخو پلار وطنه ملی جبهه ورو وروقت واخلی او په نتیجه کی ملت اوخلک آرامه شی.



دکتر هوتک انج مایکروبیالوژیست به نسل جدید زنان کارگر ویتنام تعلق دارد.

از مجله و من

مترجم وکیل

پنجاه سال مبارزه زنان ویتنام قهرمان برای صلح و مساوات

تاریخ زنان ویتنام با تاریخ هزار ساله بادر نظر گرفتن مشخصات مراحل مختلف اعمار و دفاع آن کشور ارتباط نزدیک دارد. مبارزه زنان رادر اتحادیه های متنوعی چون مبارزه آزمون شده زنان ویتنام علیه تجاوزین اتحادیه زنان برای آزادی - اتحادیه زنان خارجی، قهرمانی - وطن پرستی - ولاداری دموکراتیک اتحادیه زنان انسی امپریالست و تجربه انقلابی آنها یکی از افتخارترین عنوانات گرامم آورده بصورت مداوم تلاش بخروج مردم ویتنام بشمار میرود.

دراوایل قرن بیست زمانی که مردم ویتنام طبقه کارگر در مبارزات جنبش های دهقانی در تحت استثمار و تظلم استثمار یون فرانسوی کشور درکوه ها و قریه جات تسویق و ترغیب و فویدال هابسر میردند - زنان چه در

فامیل وجه در جامعه از توهین بی جلو حصر رنج میبردند. چون زنان نمیخواستند بیش ازین مورد تبعیض قرار بگیرند بهمین دلیل بود که اکثریت شان به جنبش های وطن پرستانه پیوستند.

این امر نتایج منجر به رشد شعور سیاسی زنان همه کشور غرض آمادگی برای قیام با انرژی و دلیری یکه الی پیروزی نهایی در دفاع از انقلاب آماده باشند میل ساخت در سال (۱۹۴۱) سازمان زنان با جبهه ویت

اتحادیه زنان ویتنام که در سال (۱۹۳۰) منج مدغم گردیده و تحت شعار دلیک زنان اساس گذاشته شده - توانست به اسرع زمان تعداد وسیعی از زنان را بخود جلب نموده و دور نمای جدیدی رادر مبارزه آگاهانه بسویه ملی احراز نماید.

ساین سازمان از طرق متعدد و غیر عنعنوی به تاسیس بنیاد های انقلابی سهم گرفتند.

آنها تنها از مبارزین حمایت و پشتیبانی بعمل آوردند بلکه همچنان برای خرید - اسلحه و مهمات نظامی جبهه ویت منج پول جمع آوری نمودند در بسیاری ساحات زنان رهبری قیام را به عهده داشتند. درواقع امر جنبش زنان سهم قابل توجهی رادر پیروزی انقلاب ایفا نمود.

پیروزی انقلاب اگست (۱۹۴۶) راه را برای آزادی همه مردم باز نموده عکس این انقلاب نقش بزرگی رادر تغییر زندگی زنان ویتنام ایفا نمود این انقلاب زن راز اسارت غلامی وار ها نیده زنان را به مثابه اعضای فعال جامعه مبدل نمود سازمان زنان هزاران زن رادر دفاع از قدرت انقلابی بسیج نمود. در آن زمان آنها هم نوز هم در معرض خطر دشمنان داخلی و خارجی قرار داشتند.

زنان در آن مقطع تاریخی میبایستی علیه فقر - یسودی و تجاوز خارجی مبارزه مینمودند زنان ویتنامی همراه با مردان آن کشور در مبارزه مداوم - طولانی در عین زمان مشکل علیه استعمار یون فرانسوی سهم فعال گرفتند میلیون هازن در جنبش و فتنه پرستانه پیوسته و بدین وسیله سبلی محکمی بروی دشمنان حواله نمودند البته این جنبش شامل جنبش می لنج، منلج کایی و بنج کی - تین نیز بود پیروزی تاریخی قوای مسلح مردمی در دین بین - بو سدر ۷ - می ۱۹۵۶ - شکست نهایی برای استعمار یون فرانسوی محسوب میگردد بعد از کنفرانس (۱۹۵۴) زنو انقلاب ویتنام وارد مرحله جدید گردیده و دو وظیفه ستر - تزیک مهم در برابر ان قرار گرفت اعمار سوسیالیسم در شمال ویتنام و ادامه انقلاب ملی و دمو کراتیک در جنوب ویتنام.

در جنوب زنان ویتنام قهرمانانه در صفوف جنگ در تحت شرایط قانونی ونیمه قانونی و غیر قانونی به مبارزه شان ادامه دادند زنان قریه جات فعال بوده - به ذرع مزارع میزداختند از قوای مسلح آزادی بخش دفاع بعمل آورده شو هران و پسران شان را ترغیب مینمودند نادر مبارزه انقلابی ملحق شوند آنها در سال (۱۹۶۸) به قیام - تیت ماوتین و در سال ۱۹۷۵ - به جنبش قهرمانانه

هو چی مین پیوستند. بر علاوه زنان در تریه اطفال و وظایف اجتماعی سهم برآورده گرفتند. در مبارزه کبیر میهنی صد ها هزار زن به زندان افتیدند - بسیاری از زنان در تحت شکنجه وحشیانه قرار گرفته و تعداد زیاد شان جام شهادت نوشیدند لیکن آنها تا آخرین ساعات زندگی منحیت مبارزان واقعی به مفکوره های راستین انقلاب وفادار ماندند.

در شمال ویتنام - زنان فعالانه جنبش را تحت عنوان نهفت سه مسولیت با شعار های - همه چیز برای تولید همه چیز بخاطر پیروزی بر امپریالیسم امریکا - براه انداختند آنان در ایجاد یک جبهه قهرمانانه سر قاسری در کشور جدیت نمودند برای دهه های متوالی مادران زنان و خواهران از پسران - براهران و شوهران شان که علیه دشمن در ستر هاو جبهات مبارزه میکردند دور بودند. هزاران دختر جوان وزنان داوطلبانه علیه دشمن در جبهات جنگ شغیر زمینند - بدینوسیله جاده هو چی مین در فر جام توانست شمال و جنوب ویتنام را بهم پیوند دهد. زنان ویتنام به اثبات رسانیدند که در فعالیت های سازماندهی و رهبری مهارت خارق العاده دارند. زنان نقش قابل ملاحظه یی را در پیکار قهرمانانه قوای مسلح از خود نشان داده ساکنان جنوب ویتنام توانستند (۴۰۰۰۰) طیاره جنگی امریکا را سقوط دهند بعد از آزادی جنوب ویتنام و اتحاد مجددان کشور که هنوز زخم های جنگ التیام نیافته و خرابی های جنگ بر طرف نشده بود مردم ویتنام بادو نیروی ارتجاعی جدید چون هر مونیست های چین و حلقه پول پوت یانگ ساری مواجه گردیدند در ولایت سر حدی زنان دوشا دوش همسران شان در دفاع هرا نچ خاک ویتنام سهم گرفتند در پنج سالیکه گلشت زنان ویتنام فعالانه در اعمار مجددان کشور سهم گرفته اند.



این اولین کودگستانی بود که بعد از آزادی در جنوب ویتنام گشوده شد. در حالیکه امروز بیش از دو صد باب کودگستان درین شهر بمشاهده میرسد.

زنان در اتحاد شوروی از همه حقوق و امتیازات برخوردارند

هائز قرن ها به اینطرف از جمله
قشر های ستمدیده و استثماری
شونده بودند و موقوف تا ثروباری
را در میان اجتماع داشتند.
مشکلات و پروبلم های زنان از جمله
مشکلات و پروبلم های بفرنج
اجتماعی محسوب میشود که در
گذشته ها، تیوریسن ها و جامعه

شنا سنان نظر به خصلت طبقاتی
شان اساس مشکلات و پرابلم
های زنان را بد رستی حل نموده
نتوانسته و آنرا توجیه دگر گونه
میکردند و بشکل تراژی پیدی
پیو لو جیکی وانمود میساختند
و چنین ابراز عقیده میکردند که
این مقام پائین و عدم توانائی
زنان است که نمیتوانند بکارهای
مهمی دست و پا زنند و افکار و
اندیشه های اخلاقی را تبارز دهند
مارکس و انگلس به ریشه و اساس
این پروبلم ها تماس گرفتند
وانمود گردانیدند که نابرابری
و عدم مساوات زنان با مردان
در جامعه، کانون خانوادگی
اساس های اجتماعی و اقتصادی
دارد. لنین، باربار میگفت اصرار
میورزد که آزادی و مساوات زنان
با بوجود آوردن یک جامعه
انقلابی پیوند عمیق و ارتباط
ناگسستنی دارد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتوبر برای
نخستین بار، در تاریخ، زمینه
آزادی اجتماعی و کلتوری زنان
را که قرن ها خواب آنرا میدیدند
پدید آورد. نخستین فرامین
حکومت اتحاد شوروی تبعیض
میان زن و مرد را لغو گردانید
اما مساوات قانونی بین زن و مرد،
همزمان با آزادی زنان صورت
گرفت از این رو خیلی ضروری بود
که آزادی آنها بطور واقعی و موثق
اطمینان داده شود تا زنان در
زندگی نوین نقش فعالی
داشته باشند.

لنین پیرامون این موضوع چنین
اظهارد داشته است: ((کاری که
دولت قدرتمند شوروی آغاز
نموده است تنها زمانی پیشرفت
می نماید که به عوض صرف چند
صد ملیون، ملیون ها زن اتحاد
شوروی در سراسر کشور در آن
اشتراک ورزند. همچنانما یقین
داریم که درین صورت زمینه
انکشاف و گسترش سوسیالیسم
بقیه در صفحه ۵۱

کاری که انجام میدهند سویی
علمی شان را بلند میگردانند بدین
صورت آنها میتوانند دانش نورا
فراگیرند به شیوه کارما شین
آلات جدید آشنا شوند و تربیه
رو فشنلی و عمومی خود را بهبود
بخشند و در عین حال مسلك
تازه ای را نیز فراگیرند. در
شوروی تنها در سال ۱۹۷۸ در
حدود نه میلیون کارگر زن حاضر
شده اند نامهای تحصیلات بلندتر
شده و بیش از اعشاریه هشت
میلون مشاغل تازه و مسلك
های جدید را آموخته اند. در
اتحاد شوروی مقررات خاصی
در قسمت حمایت کارگران از
نگاه وضع صحی، مخصوصا
توجه به صحت و سلامت زنان
کارگر وجود دارد همچنان در
کشور شوروا نمیتوان زنان را
به کارهای موزلف گردانند که
آنها مجبور گردند اعمال زور
طبقین را که بیش از اندازه ای که
قانون معین گردانیده انجام
بدهند زنان که در مسلك سنگین
کار میکنند از امتیازات زیادی
خوردارند که امتیازات مذکور
عبارت از ساعات کم کار رخصتی
بیشتر و طولانی تر و حقوق تقاعد
زیاد میباشند همچنان برای مادران
کارگر، امتیازات خاصی داده
شده است.

دولت اتحاد شوروی همیشه این
نکته را در نظر داشته که تضمین
بدارد که زنان در شرایط
مساعد کار نمایند.

ازجانب دیگر مجهز سا-
ختن مجدد موسسات تکنیکی،
بهبود وضع کار، دگرگونی
شرایط کار مساوات و برابری
مرد و زن در امور اجتماعی فضای
بوجود آوردن شرایطی که زنان
بتوانند در حیات اجتماعی
و تربیه کودکان معقولانه
و بصورت موثر سهیم شوند یا-
لیسی و وجایب اخلاقی دولت اتحاد
شوروی را تشکیل میدهند. زن

که برای زنان لازم پنداشته نمیشود
زن ها پنجا و پنج فیصد محصلان
را در مکاتبت ثانوی اختصاصی
تشکیل میدهند پنجاه فیصد
جمعیت محصلان و موسسات
تعلیمات عالی عبارت از زنان می
باشند.

از ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۷ تعداد زنان
متخصصین که تحصیلات عالی
و اختصاصی ثانوی دارند هفده
بار بلندتر رفته و چهارده اعشاریه
هشت میلیون و یا پنجاه و نه فیصد
تمام متخصصین را زنان تشکیل



در اتحاد شوروی طفل و مادر از تمام حقوق و امتیازات اجتماعی
بهره مندند و در شرایط مساعد کار میکنند.

میدهند در اتحاد شوروی انواع
مختلف تربیه مجدد صورت میگیرد
و در هر زمان شیوه تد ر یسی
دگرگون میشود و درجه تحصیل
افراد یکه بخوانند بلند برده میشود
زنان اتحاد شوروی چنان عشق و
علاقه شدید به تحصیل و بلند
بردن سویی علمی و مسلکی شان
دارند که بعد از هر خصی از
وظائف شان به تقوی مسلك
خویش میگردانند و در پهلوی

بطور عموم در مورد حقوق و دستمزد
کارگران این شعار سوسیالیستی
یعنی از هر کس به اندازه کارش
وجود داشته و در مورد مرد و زن
یکسان تطبیق می شود. در
کشور شوروا هر گونه تقلیل
دستمزد نسبت به جنسیت کارگر
و همچنان عمر، نژاد و ملیت
ممنوع قرار داده شده است
در کلیه شعب اقتصاد ملی
معیار دستمزد و معاشات مساوی
و اندازه کار برای زنان و مردانی
که دارای عین درجه، تحصیل

عالی باشند مراعات میگردد.
بر علاوه قوانین اتحاد شوروی،
یک سلسله امتیازات و سودمندی
برای زنان کارگراست و زمینه تحصیلات
به هر سویی، طبق پروگرام های
مرتبه برای هر یک از تبعه شوروی
میشود. شبکه وسیع و گسترده
مکاتب مسلکی و تکنیکی وجود دارد
زنان و دختران میتوانند در زمینه
های گوناگون به آموزش ببرند-
دانند البته با استثنای مشاغل

سهم زنان در مبارزات آزادی خواهی

ارتقای نقش روز افزون زنان کشور های رو به انکشاف و نو به استقلال رسیده یکی از مشخصات مرحله کنونی جنبش دموکراتیک بین المللی زنان بشمار میرود. موج جنبش زنان درین کشور ها همپا و هم ردیف با جنبش رهایی بخش ملی نیرومندی بی سابقه کسب نموده است و به عنصر پر اهمیت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استعماری مبدل گردیده است.

وضع زنان در تمامی کشور های در حال رشد همگون و یکسان نیست در شرایط کنونی روند تفکیک راه رشد به این کشور ها در پروسه است یک عده آنها راه رشد انقلابی و دموکراتیک را در پیش گرفته اند و در بعضی دیگر این کشور ها مناسبات سرمایه داری تلخ گرفته و رشد می یابد در کشورهای که راه انجام دگرگونیهای بنیادی اقتصادی و اجتماعی رادر پیش گرفته اند، شرایط مساعد جهت بهبود بخشیدن وضع زنان تامین می گردد.

خلق های این کشورها در راه تقویه اقتصاد ملی، طرد عقب ماندگی و وابستگی به انحصارات بین المللی گام های فراخی را برداشته اند درین کشور ها تعداد زنان شاغل در ده سال اخیر روبه افزایش بوده و ابعاد فعالیت آنها خیلی متنوع است.

به منظور جلب هر چه گسترده تر زن به پروسه تولیدی اقدامات خاصی صورت می پذیرد.

رشد و تحکیم امر دموکراسی و مقایسه با کلیه اشکال تبعیض نا برابری و ستم، الحاق های وسیعی در جهت شرکت فعال در حیات اجتماعی در برابر زنان گشوده است. زنان جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر از امکانات مساعد جهت رشد همه جانبه استعداد های خویش برخوردارند.

شرکت زنان الجزایر در قیام ملی ۱۹۵۴ که بعدا به انقلاب ملی و دموکراتیک مبدل گردید خیلی پربهاست.

سیمای زنان قهرمان چون جبهه بشت بو علی، جمیله بوخرد جمیله بویاشا، ملکه گوئد و دیگران در تاریخ جنبش مقاومت کشور الجزایر جاودانه می درخشند. آنان و صدها زن قهرمان گمنام دیگر در پیشاپیش صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال کشور شان قرار داشتند وقتا که در سال ۱۹۶۲ خلق آزاده

اتحادیه تاحال ۸ میلیون زن را خواندن و نوشتن آموخته اند.

زنان موزمبیق تا قبل از پیروزی قیام ملی بار ثقل میراث استعمار و ستم را بر شانه می کشیدند از کوچکترین حقوق اجتماعی و مدنی بی بهره بوده به کار های طاقت فرسا گماشته میشدند ازدواج اجباری دختران در سنین بسیار

خورد پذیرده معمولی جامعه موزمبیق بوده است.

زنان موزمبیق همپا و هم سنگر برادران، پدران، شوهران و فرزندان خویش به خاطر نیل به استقلال و تمامیت ارضی سلاح برداشته با شرکت حماسه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی مثالهای فراوان قهرمانی و جانبازی را از خود بجا گذاشته اند.

زنان به سواد و دانش

نیاز مبرم دارند

از مسئولیت های بزرگ اجتماعی زن که عهده دار آن بوده است تربیه نیکو سالم اطفال میباشد. از آن است که حزب و دولت ما به آموزش و پرورش زنان بیش از دیگران اهمیت قابل گردیده تعلیم و تربیت را برای زنان یک امر حیاتی شناخته. تسهیلات لازم در جهت فرا گیری سواد و دانش را به آنها مساعد می گرداند.

امتیازی که زن از مرد دارد این است که زن مربی و تربیه کننده مرد است در صورتی زن می تواند فرزندان لایق فیهیم و با دانش پرورد که خودش فهمیده بوده و از تمام مزایای علم و دانش آگاه باشد این در صورتی امکان پذیر است که باید مردان این حق را به زنان قابل باشند و آنها را نباید اسیر و برده پندارند و مانع تحصیل و آموزش شان گردیده از فعالیت اجتماعی آنها جلو گیری بعمل آرند.

زن باید آزادی فکر، عمل بیان و غیره داشته کرامت و شخصیت او در نزد مرد قابل توجه استفاده می نماید.

در برنامه انقلاب ملی و دموکراتیک آن کشور تصریح شده است که: دولت همه امکانات لازم را در جهت شرکت فعال زنان در پروسه تولیدی فراهم خواهد کرد در اولین روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۰ اتحادیه انقلابی زنان ایتوبی بنیان گذاشته شده که به زودی به گردان پیشاهنگ و رهبری کننده زنان ایتوبی مبدل گردیده توده های وسیع زنان رادر صفوف خویش بسیج و متشکل کرد نقش این سازمان در امر مبارزه با بیسوادی پر بها ست اغفای

باشد هر گز زنان تحت فشار و مراقبت بی مورد قادر بان نیستند که کودکان سالم و مفید تربیه نمایند چه آنها تمام العمر زیر شکنجه روحی قرار دارند چون یک زندانی در چار دیوار خانه محبوس بوده از رموز حیات اجتماعی بکلی آگاهی نمی داشته باشند، پس پرورده دست ایشان نیز همان گونه نا آگاه و محروم همه چیز بار میاید که بالاخر بار دوش جامعه گردیده مضر خود و دیگران می گردد.

این یک امر واضح و بارز است که زن مستقل و آزاد مرد آزادی خواه و مبارز تربیه می کند دیگر بشارت به زنان محیط و مملکت ما که دست آورد مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور پشتیبانی و حمایت قاطع و همه جانبه خویش را از حقوق زنان بعمل آورده و زمینه هر نوع مساعدت به زنان محروم و در بند ما میسر است امید زنان بیدار و خود آگاه مادر پرتو رهنمود های سودمند حزب و دولت انقلابی شان مفید جامعه و مین شان گردند.

چند نکته سودمند

بدون اشتراك زنانه، هیچ جنبشی نمیتواند به پیروزی برسد

انجیلا دیویس را

بشنا سید

انجیلا دیویس زن مبارز سیاه پوست و دختر قهرمان خلق آمریکا که راه جانبازی ها و راه پیکار بخاطر سعادت زحمتکشان را پذیرفته است.

نام و شهرت این زن دلیر، دختر قهرمان و پر آوازه خلق آمریکا در سالهای ۱۹۷۰ سراسر کره زمین را گرفت. فریاد های (انجیلا دیویس باید، آزاد گردد) همه روزه رسانتر از حنجره ها طنین انداز بود و حتی این فریاد ها در سایر قاره ها نیز می پیچید.

در یکی از شبهای زمستانی محافظ یکی از زندانهای شهر کلفورنیا به قتل می رسد و به قتل آن سه نفر سیاه پوست متهم میگردد. بعد ها این سه نفر اعدام شدند و در آن هم زنجیر شهرت می یابند.

انجیلا دیویس زن مبارز و قهرمان خلق آمریکا گرچه در مسافرت بود مگر به جرم دست داشتن در حوادث قتل سوء قصد متهم دانسته شد. او که راه مبارزه به خاطر انسان های محروم ستم دیده و تحقیر شده جامعه پر زرق و برق آمریکا را برگزیده است میگوید: راه ام راه واقعیت و سعادت انسان است و همه عمر تحت تعقیب پولیس قرار داشته (۲۱) ماه شکنجه های زندان و دخمه های هولناک را متحمل شده است جرئت فقط داشتن وجدان پاکیزه و احساس بشر دوستی و عدالت پسندی است او که قلبش به خاطر آسایش انسان

ها می طپد میگوید: این طریقه را برگزیده ام (زیرا من انسانم و کمونیست) قانون شکنان و پولیس در برابر خواست انسان جهانیان عقب نشینی نمود و انجیلا دیویس رها گردید.

آزادی انجیلا دیویس از زندان بالاخره بعد از به موج نیرو مستند اعتراض و خشم استعماری فرمان رویان ایالات متحده گردید.

انجیلا دیویس در محله نیک رایستی بر مینگام ایالت جنوبی آمریکا در سال ۱۹۴۴ بدنیا آمد. او از همان کودکی استعداد شگرفی از خود نشان داد و در سن پانزده سالگی موفق بدریافت بورس جامعه لیبرال رضا کاران گردید و به تحصیل خویش در پوهنتون برا ندیسی ادامه داد.

بعد تر در پوهنتون های فرا نفورک و سیاسی در رشته های ادبیات هنر های زیبا - فلسفه - اقتصاد سیاسی ... تحصیل نموده است.

زندگی و پیکار انجیلا دیویس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا مبارزه بر حق است و به غرض هموار نمودن راه سعادت زحمتکشان و رنجبران جوامع بشری به خاطر فردای مسعود و پیروز، اودر راس سازمانی قرار دارد که علیه راسیسم و اختناق می رزمند. شبکه های این سازمان در چهل ایالت آمریکا فعال است.

انجیلا دیویس! راه تو پیروز و افتخار تو بزرگ است.

به منظور انجام بهتر کارها وظایف روزمره، بدون احساس خستگی و ماندگی که نتیجه آن

سبب پیشرفت امور و نشاط روحی می

مطابق علایق دانشمندان رعایت نکات ذیل برای همه سودمند و مفید پنداشته میشود:

۱- سعی نمائید شبانه خوب و زود بخوابید و نا آنجا که ممکن است اوقات اولیه شب را با خوشی و شادی بگذرانید طوری که باده دیدن یکی از دوستان خوب بروید و یا اینکه کتاب خوبی را مطالعه نمائید و یا هم به بازی و تفریح های سالم بپردازید زیرا اگر شب به شما خوش گذشته باشد روز بعد به نیروی تازه کار میکنید و نیروی همادو برابر خواهد گردید.

۲- صبح زود از خواب برخیزید و چند دقیقه گردش و ورزش مناسب نموده و بوی پاک و صاف تنفس نمائید.

لازم است درد لایق اولیه روز افکار مثبت و مفید داشته باشید زیرا افکار منفی نیروی شمارا به هدیه دهد و بهترین راه برای داشتن افکار مثبت اینست که برای موفقیت خود نقشه و هدفی داشته باشید و اگر در یکی از کارها پیروزی نداشتید پیسوده افسرده و نا امید نشوید.

۳- در کارهای روزانه با لاطعیت تصمیم گرفته هیچگاه در انجام کاری تردید و دو دلی نداشته باشید زیرا همین تردید نوای جسمی و روحی شمارا پیسوده صرف مینماید.

۴- از عوامل خارجی که موجب ناراحتی و بهم خوردن تمرکز حواس شما میشود مانند سرو صدا جلو گیری کنید.

و تذارید بیلزوم به اتفاق کار شما داخل شوند زیرا همین عوامل در اثر ضیاع انرژی از قدرت کار شما میکاهد.

۵- از حرفهای پیسوده و از مباحثات بی نتیجه و طولانی پرهیزید زیرا ایشا با ایجاد خستگی فکری و جسمی قدرت کار شما کم مینماید.

۶- در ضمن روز چند دقیقه وقت خود را صرف انجام کارهای فکری نمائید مثلا بازی شطرنج و یا حل جدول بپردازید زیرا ایسن دقایق شما کوک میکند که با افکار تازه بدون خستگی فکری مسائل را حل نماید.

۷- گوشش نمائید با رعایت نظم و اصول علمی با دوستان به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته در ضمن مباحثه پیسوده عصبانی

ناراحت نشوید. اسپرت است هات یگبار و در سال یکماه یاد صورت انکن بیشتر بر خستی بروید و از تعطیلات خود جهت تفریح استفاده نمائید. در اجتماعیکه حیات بسر میبریم تحولات و پیشرفت های شگرفی قدم بقدم پروسه خود را طی میکند و بشریت موج بهوج از یسک پیروزی به پیروزی های دیگری نایل میگردد انسان زحمتکش در امر تحولات و پیشرفت نقش خود را جاودانه و متبایر از سازد اگر اندک زرق توجه کنیم مسیر تحولات را مردان بازنان پیش میبرند سهم گیری زنان را نمیتوان در امر

تحول جامعه نادیده گرفت زن همواره در مسیر تاریخ نیروی جاویدان و خلاق بوده است متاسفانه در جوامع عقب مانده نقش زن نادیده گرفته میشود و زنان جز از پیکر اجتماع شمرده نمیشوند و از خلافت و نقش فعال زنان در امر تحول انکار میگردد و این موجود شریف به بیرحمانه ترین شرایط استثمار میگردد.

اگر تاریخ کشور را ورق بزنیم بوضاحت نمونه های بارز استثمار زنان را میتوان در یافت وزن امروزی زن دیروز نیست زن امروز به مفهوم واقعی کلمه جزء پیکر اجتماع است که بدون اشتراك زنان، هیچ تحول و پیشرفت نمیتواند به انجام رسد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که یگانه ارمان آن سعادت توده های ملیونی کشور است همواره از آوان تاسیس خود نقش زنان را در شکوفایی جامعه امر مهم و جدا نا پذیر دانسته بدین منظور مبارزات پیگیر و دامنه دار را در بین اقشار زنان گسترش داده است. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که گردان پیش از زنان امروزی پیشرفت ها و تحولات پس از زنده را در حیات سیاسی زنان کفانی کرده است.

ولی دشمنان پیشرفت و ترقی کشور ماکه به دستور اربابان خارجی شان یعنی امپریالیستهای آمریکا، هژمونیزم چین و دیگر حلقهات ارتجاعی الهام میگیرد هرگز چشم آنها ندارند که زنان با شهادت با ترقیات مزید عنصر مفید در جامعه تبارز کنند و با مبدلات و تبلیغات ضد بشری خود میکوشند اذهان عامه در مورد قنسر زن فریب دهد ولی آنها ایسن آرزو را بطور می برند برخلاف خواست دشمنان صفت شان را فشرده بایک تن واحد از دست آورد های انقلاب دلا و خود را جزء پیکر جامعه شکوفان خود می شمارند.

اینک يك پارچه شعر بزیمن
حسن زاده شاعر پر شور آذربایجان
شوروی که تحت عنوان نمیتوانست
بگنجد بوسيله شاهین فاضل تر -
چمه گردیده نیز دریا تقدیم می
میشود .

يك دختر
در انتظار دیدار ...
باد میوزد ...

در قلم است
مرکز عشق من
اشك

خبری شنیدم
در باره اشك
میگویند اشك
بچشم فائده دارد
میگویند اشك
چشمها را سالم و پاك نگاه می
دارد .

در این صورت باید بگوئیم تا
از چشمها
به گونه ها
مدام قطرات اشك بریزد

نماید بلکه خودش نیز بلسان دری
شعر می سراید و از عهده ترجمه
اشعار دری بزبان آذربایجان طوری
که لازم است و توقع میرود بدر می
آید .

شاهین فاضل «فرضی علی» در
سال ۱۹۴۰ - در آذر بایجان شو -
روی متولد شده است . بعد از اتمام
دوره تعلیمات متوسط در سال ۱۹۵۹
در پوهنتون شهر باکو به فاکولته
خاورشناسی داخل شده در سال
۱۹۶۴ - آنرا به اتمام رسانیده است
در سال ۱۹۷۴ دوره اسپیرانتوزی
را در اکادمی علوم آذربایجان شو -
روی تکمیل و در رشته علوم
تاریخ (قرون اسطی) دکتورای خود را
بدست آورد .

شاهین فاضل از سال ۱۹۷۸ به
اینطرف اشعار شعرای افغانستان

دوکتور ابر



شاهین فاضل

شاعر با استعداد آذر بایجان شوروی

اشعار او برای مطالعه علاقمندان
مجله وزین ژوندون که در راه معرفی
شعرا و علما کشورهای برادر و دوست
سهم بارزی گرفته و می گیرد تقدیم
میشود .

مرکز عشق

کسی را که دوست دارم
از قلب دوست دارم
چنین است عشق من
چنین است عشق من
من با قلب دوست دارم
زیرا
در چشم نیست

را بلسان از آذربایجان ترجمه و نشر
مینماید . تا کنون بیش از (۳۰)
پارچه اشعار شعرای افغانستان
«منجمله» دستگیر پنجشیری باریق -
شفیعی سلیمان لایق - ضیا قاریزاده
(و غیره) از طرف او ترجمه و در
جراید و مجلات مختلف آذر بایجان
نشر گردیده است . شاهین فاضل
شاعر آذربایجان در این روزها کتابی
را در باره «تو عشق منی» نامگذاری
کرده در دست تهیه دارد . در این
کتاب اشعار يك تعداد شعرای
معاصر افغانیان جمع آوری و تدوین
شده است .

شاهین فاضل نه تنها اشعار دری
را به لسان آذربایجان ترجمه می

يك دختر
باران میبارد ...
ودختر
در انتظارش باشد
يا بخانه بر گردد ؟
يك دختر
و
در قفس يك دنیا محبت
و انجمنی که
میتواند
به يك خانه بگنجد

فقط نه به گریه
بگذار اشك از چشمان برآید
باخته و قهقهه
انسان
زمین سرهایه من ،
هوا - سرود من است .
آیا که گفت ناچیز؟
که می گوید فقیرم ،
مگر نمی بینید که هست
در بالای سرم نیم پاره آسمان
در زیر پایم کره زمین ؟



محمود ابو دانس

ترجمه: از عبد الوها بشعبي

مبارزه خلق فلسطین از عقب

میله های زندان علیه صهیونیسم

خودم با ید برای خود و کیل دعوی تعیین نمایم نه شما اگر برای من این حق داده نمیشود من میتوانم که بدون و کیل از خود دفاع نمایم. در جلسه محاکماتی قاضی برایم اجازه نداد تا در رد آنها ما تیکه بر من وارد شود پیردازم و به ایشان گفتم که این شما تیکه که بکمک پادارهای بزرگ تان و طن ما را بزور اشغال و ما را از خانه و کاشانه ما بیرون رانده اید.

با استماع این سخنان پولیس نظر به امر قاضی در حضور نماینده صلیب سرخ بین المللی چون حیوان و حشی بر من حمله نموده و ضربت محکمی بر بینی من حواله نمود که منجر بشکستن استخوان بینی من شده بعد از آن من بقاضی گفتم که: ((در صورتیکه شما بمن اجازه نمیدهید تا از خود دفاع کنم پس محاکمه من چه مفهوم دارد. هر چند لثان میخواهد همانطور در باره من فیصله صا در کنید.))

با ید متذکر شد که اکثر مبارزین فلسطین که بدست صهیونیست ها اسیر میشوند بدون اینکه قانوناً محاکمه شوند یا برای شان حق داد شود که از خود دفاع کنند مجازات میشوند. و اکثر شان بدون اینکه از محاکمه خود با خبر شوند فیصله محکمه در غیاب شان صورت گرفته و در زندان برای شان ابلاغ میشود.

و اما در مورد من بعد از اینکه قاضی حسب اخواهش خود بدونی اینکه بمن حق دفاع بقیه در صفحه ۵۰

شان زجر دادن زندانیان به انواع مختلف بود بدین منظور تربیه و گماشته بودند. بعد از یک سلسله تحقیقات مزید مرا بزندان مرکزی رام الله انتقال دادند که آخرین مرحله تحقیقات من در زندان پیر شیبیا اختتام یافت. تعامل صهیونیست ها چنین است که وقتی کسی را اسیر میکنند به منظور فریب اذهان جهانیان نفر مذکور را غرض ملاقات با نماینده صلیب سرخ بین المللی میبرند. ولی در حصه من این موضوع صدق نداشت زیرا وقتی من بدست آنها اسیر شدم برای مدت ششماه برایم اجازه ندادند تا نماینده صلیب سرخ را ملاقات کنم. وقتی نماینده مذکور می آمد تا زندانیان را از نزدیک ملاقات و از مشکلات آنها و برخورد زندانیان با آنها آگاهی حاصل کند. پولیس زندان مرا از نظر آنها در یک سلول تنگ الی زما تیکه نماینده های مذکور محیط زندان را ترک میکرد مخفی نگه میداشتند. هم چنان برایم اجازه نمیدادند تا کسانی را که بدیدن من بزندان میآمدند ملاقات کنم.

جریان محاکمه من -

بمقصد محاکمه زندانیان اسرا نیلی با رد یگر مرا بزندان عبرو فی بردند. جریان محاکمه کاملاً ساختگی بود. زیرا پولیس دشمن بمن گفت که ایشان و کیل دعوی برایم تعیین نموده اند که در واقعیت امر این شخص پولیس مخفی بود که به منظور کسب معلومات مورد نظر شان از من گماشته شده بود. من نظر آنها را رد نموده و خاطر نشان ساختم که من

تا بر ضد دشمن استعمار نمایم تفنگ خود را نیز شکستادم تا دشمن از آن استفاده کرده نتواند آنها بمن خود را رسا نیسمه و گرفتارم نمودند مگر از همان لحظه گرفتاری شکنجه جسمی بامشست ولگد و وسیله تفنگ آغاز گردید یک افسر دشمن با تفنگچه خود در قسمت بالائی چشم ضربت وارد نمود که باعث شکستن استخوان پیشانی من گردید. و به این ترتیب در چشم چپ نیز از نعمت بینائی محروم گردیدم در نتیجه این زدو خورد بیست و پنج جراحت شدید ببدنم وارد آمده و دشمن نیز تلفات مزیدی را متحمل گردید. و باعث قتل دو سرگروپ عساکر دشمن گردید.

بعد از این همه زد و خورد مرا بزندان عبر و ن انتقال نمودند که در آنجا برای مدت چندین روز بدون کدام کمک او لیه غذا و آب ماندم. هدف دشمن از این همه فشار و شکنجه روحی و جسمی این بود تا من هرگونه معلومات لازمه را که در باره مسایل کماندو ها با شد بدسترس شان بگذارم ولی تحت هرگونه شرایط و فشار تسلیم خواستم پلید دشمن نشدم.

استنطق از من سوال نمود که ((چرا به اینجا آمده ام؟)) جواب دادم که ((من به اینجا آمده ام تا شما را که وطن ما را بزور اشغال نموده اید تا بود سازم.)) با شنیدن این سخنان آنها بخشم آمده و سیلی محکمی بر رویم زدند. مدیر زندانیان و معاو نشن که انسانهای خیلی سنگدل و وحشی بودند یک گروپ مخصوص را که وظیفه

محمود ابو دانس مبارز سر سخت خلق فلسطین میباشد و مدت هفت سال را در زندان دولست نا منهاد اسرا نیل سپری نموده است سرگذشت روزهای تلخ زندان را که خیلی ها آموخته اند است و چهره واقعی امیر یا لیزم و صهیونیسم را بر ملا میسازد بشرح زیر قصه میکند:

من در اثنای جنگ در حالیکه جراحت شدید نیز برداشته بودم درنا حیه هلبول بدست عساکر دشمن اسیر گردیدم. من خوب میدانستم که از چهار طرف در محاصره دشمن قرار دارم ولی تصمیم گرفتم که تا به آخرین رمق حیات بجنگ علیه دشمن ادامه دهم. محلی که در آنجا جنگ بین من و عساکر دشمن واقع شد یک منطقه کاملاً گهستانی بود برخوردار مسلحانه ما برای چندین ساعت دوام کرد تا اینکه همه بمبارهای دستی ام خلاص شده و جز چند مر می چیز دیگری نداشتیم. روی این اصل برای دقایقی چند از فیر آتش علیه دشمن خود داری نمودم آنها فکر کردند که من کشته شده ام ولی جرات نمیکردند که نزد یک من بیایند و از فاصله چند صد متری توسط لود سپیکر صدا می کردند که با ید تسلیم شو. وقتی آنها بمن نزدیک شدند بار دیگر به آنها فیر نمودم که این تبادله آتش چندین ساعت دوام کرد تا اینکه همه مر می ها به آنها رسید که جراحت شدیدی بر تمام بدنم وارد آمده و از همه برتر جراحتی بود که در چشم راست خود برداشتم که منجر یکور می گردید. چون دیگر مر می و بم دستی موجود نبود

نگاه آشنا

در آغوشم گل دوشینه جادداشت
 که هر برگش بهاری رونما داشت
 به شمع می هم نشین بودم شب دوش
 که چون خورشید و مه پروانه ها داشت
 پریشان سنبلی کز نار هر مو
 هزار آهوی چین را خونبها داشت
 بدستی دسته گل داشت چون صبح
 بدستی دامن زلف دو تاسا داشت
 به ترگش شیوه های عشرت امروز
 برابر و عقده های دلکشا داشت
 نه بر آئین خوبان چشم بد دور
 گل رویش نسیمی از وفا داشت
 ز گرد دامنش تاسا دامن صبح
 نفس داد و ستد با توتیا داشت
 هزاران شیوه بیگانه کی سوز
 نهان در هر نگاه آشنا داشت
 برویش موج میزد حسن گویی
 گلش بر چشمه خورشید جا داشت
 (طالب آملی)



پیمان

وطن دانی که در هر نار و بودم
 به هر جا در سرا پای وجودم
 به اشعار و بگفتار و سرودم
 زمهرت يك جهان احساس دارم
 ترا تا زنده ام من با سدا دارم
 • • •
 کنو نکه انقلابت اوج گیر است
 ظفر از جنبشت رونق پذیر است
 نو ای فتح می آید بگو شمع
 که دشمن خوار و پامال و حقیر
 است
 • • •
 ترا خواهند بدفر جام و ویران
 مگر نو باو گان رز مجویست
 به خون خود بر آرند آرزویت
 • • •
 کنون ای ! میهن آزاد مردان
 ستیغت پرور شگاه عقابان
 به خون خویش بندم با تو پیمان
 که گو شمع در ره آبادی تو
 بی آرامش و آزادی تو
 ۱۶ - جدی - ۱۳۶۰
 افشار سیلو - کابل
 نور محمد «فیضی» اسفنده بی

دنری سوله

شوه در هر شیولد له مرکه ...
 یکی پا تی هم او تا نت شو
 لالهند پسی و ا لد ها یم ...
 نه خو سوله ، نه دیتا نت
 شو !! ؟
 دو کتور زیار



حیدری وجودی

نگاه رسا

خمار میکشدم ساقیا شراب کجاست
 شراب ناب به شبهای ماهتاب کجاست
 بیک پیاله لب خشک من نگر دتر
 بنو شمع و بخروشم خم شراب کجاست
 ز نور ماه نشد کشور دلم روشن
 گرفته خاطر ام، ای عشق آفتاب کجا ست
 درین بهار دلم با کسی نمیجو شد
 ندانم آن چمن پر گل گلاب کجا ست
 بجز صحیفه روی تو ای معلم عشق
 بذوق اهل نظر بهتر ین کتاب کجا ست
 بدیده ای که بود جلوه گاه چون تو گلی
 جهان آتش و آبست جای خواب کجا ست
 که دیده در دل شب چشم نیم خواب ترا
 بمن بگو که آن خائمان خراب کجا ست
 مرا ببال محبت کشد بعالم نور
 بجز نگاه رسای تو شعر ناب کجا ست

بشارت باران

بسم الله «نزهت»

غزل

ز آب زند گانی گرنه لعل او نشان دارد
چرا خضر خطش بر چشمه حیوان مکان دارد
کسی از قدر و عزت پابه غرق فرقدان دارد
که روز و شب درین درگاه سر بر آستان دارد
ز ابروی کج و وزناوک مرگان خونریز
بقصد قتل من چشم تو تیری در کمان دارد
به این جسم نحیف و لاغر هر کس بیندم گوید
که این بیچاره اندر دل غم موی میان دارد
طبیبا می توان از ضعف تن فهمید احوال
کجار از هویدا حاجت شرح و بیان دارد
سراپا برق حسرت آور این انتظارم سوخت
که یارب آن پریرتا کی از من رخ نهان دارد
مباش از کید چشم پر فسونش لحظه ای غافل
که از مادل بصد نیرنگ برد و قصد جان دارد
به استقبال نازش از مسرت جشن برپا کن
که سرو قامتش امروز میل گلستان دارد
ندانم شعر «نزهت» از کجا شد اینقدر شیرین
مگر طوطی طبع او شکر اندر دهان دارد



بمیرد

بگذار که ابلیس گنهگار بمیرد
آن مرتجع گمره مکار بمیرد
بگذار که آن بنده او هام و خرافات
در خلصه کابوس شب تار بمیرد
آن مسخره شعبده بازان سیاست
و آن ملعبه دالر و کلدار بمیرد
آن دشمن بیداری و آگاهی مردم
آن مغل علم و هنر و کار بمیرد
در جامه اسلام چو آراسته خود را
آن مرتد بد نام دیا کار بمیرد
از روشنی در کومه کوه هاشمه پنهان
آنجا بغم و حسرت و ادبار بمیرد
کارش چو بود غارت دارایی مردم
آن جیفه گر غاصب طرار بمیرد
آن قاتل مرد و زن و بیچاره و مظلوم
و آن فتنه گر خائن خونخوار بمیرد
آن نوکر بی همت امریکه و انگریز
و آن فاسق و سردسته اشرا بمیرد

بنگر که آفتاب
بر شبان تیره و مرداب و ارتو
بر لحظه های هستی خاموش و بی
ترانه ات
چگونه با تمامیت روشنائی خود
سقاو تمندانه می تابد
و باران این واژه ی همیشه مقدس
انسان
رخساره ی زند گانی چرکین ترا
می شوید
با صمیمیت
و ایمان بیاور به روشنایی ، به
خورشید ، به باران
به لحظه های سرشار پر بار
و روز های آفتابی
آسمان لاجوردی - آبی
به سبزه های از خواب زمستانی
بیدار گشته
به گل به گیاه به شکوفه های
نورس
و به درختانی که پنجه ی بیداد ،
قامت های شان را به خاک می انداخت

و درختانی که در برابر بیداد
باد
خشم توفان ، همچنان قامت افرا-
خته ماندند
در عمق فاجعه ، در لحظه های
پردود
- تارک ، غمناک ، پردود
به سوی آفتاب ، به سوی باران
دست های خود را تکان دادند
در برابر بیداد شانه خم نکردند
زانو نزدند
همچنان بی هراس ، بی تردید
سر بلند ، با امید
قامت افرا خته ماندند
بشارت باران و حماسه ی شهادت
را بپذیرفتند
بنگر به آفتاب به باران ، به سبزه
به گل به گیاه -
که نام دلاوران را چگونه تکرار
می کنند

کابل - زمستان ۱۳۵۹

م . عاقل

بیرنگ کوهدا منی

سلام

زمن به نرگس شهلایت ای نگار سلام
به حلقه حلقه مو های تا بدار سلام
ز من به خنجر مرگان و تیغ ابرویت
بیک نگاه دوچشمان پر خمار سلام
سلام به قامت مو زون حسن زیبایت
زمن به مهر تو ای سرو گلغذار سلام
بخنده های دل انگیز لعل میگوشت
به عشق پاک و نگا های پر شرار سلام
سلام به دین دزدانه و خموشی بدن
به قهر و جنگ و ادا های بی شمار سلام
طمع ز قلب پریشان من چه میداری
بتو ز دیده غمناک و قلب زار سلام
سرم فدای رخت ای گل امید دل
بوعده های سحر گاه و شام تار سلام
سلام «رویش» خود را بتا قبول فرما
بگونه عاشق غمگین و داغدار سلام
محمد عزیز «رویش»

عادی میشود یکنوع سرخی در قسمت رخسار کودک به مشا هده میرسد و یا بعضا رنگ طفل به اصطلاح پریده معلوم میشود این علامت بسیار مشخص است که کودک در مرحله شروع یکنوع بیماری است و درصدد هرچه زود تر تدای آن بر آمد .

۶- موقعیکه برای طفل اسهال و یسا استفراغ پیش میشود که این مریضی اگر در اثر کشیدن دندان ها نباشد بسیار خطرناک بوده و به زود تر فرصت آب وجود کودک کم میشود پس و نظیفه ما دران و پدران است که هرچه زودتر با داکتر در تماس بشوند تا جلوا این بیماری گرفته شود .

۷- اگر کودک گرفتار سرفه و ضمهنازینی و چشمان کودک آب جاری باشد و با مشکل نفس بکشد این سه علامه است که باهم یکجا ظاهر میشوند و به منزله هو شیار باش برای پدران و مادران است که مراقب کودک باشند و در صورت لزوم با داکتر به تماس شوند .

۸- مو قعیکه کودک گوش خود را میخارد و یا مالش مید هد و اگر بسیار خرد است سر خود را شور مید هد و گریه را سر می- دهد که درین موقع مادر باید متوجه طفل باشد و او را نزد داکتر ببرد .

۹- مو قعیکه دانه های سرخ خورد در روی پوست صورت و یا نقاط دیگر بدن کودک ظاهر شود که ممکن علامت یکنوع بیماری باشد که حتما با داکتر در تماس شد .

۱۰- اگر در پاندا و بازو ها و صورت کودک یکنوع تلمیح پیدا شود و کودک خود را ناراحت احساس کند باید هر چه زود تر جلو آن گرفته شود .

۱۱- اگر گردن کودک یکنوع شخی پیدا کند و کودک از سر دردی شکایت کند و گردن خود را به راست و چپ حرکت داده نتواند هرچه زودتر با داکتر در تماس شود .



اطفال امروز

علائم بیماری در کودکان

مادران می توانند قبل از بیماری کودک خود مطلع شوند

۱- موقعیکه کودک در ساعت عادی و معمولی بخواب نرود و بیقرار باشد و گریه را سر دهد، بدبختانه ، بعضی از ما دران درین موقع بدون آنکه توجه به حالت عادی کودک کنند او را تنبیه می کنند و از خشمونت و بی حوصله گی کار می گیرند در حالیکه باید بدانند که خواب نکردن کودک در موقع معین علتی دارد و باید جستجوی آن شد تا اگر دوام پیدا نمود با داکتر در تماس شود .

۲- موقعیکه حرارت بدن کودک بیش از حالت

ها توجه ز یادی میکند علاقه نشان ندهد این کسالت و حالت خواب آلودگی یکنوع بیماری کودک را رنج می دهد که هرچه زودتر به داکتر مراجعه شود .

۳- در وقتیکه کودک اشتیای خود را از دست میدهد و به خوردن غذا علاقه نشان نمی دهد درین موقع اگر سراد ز یاد به کودک که غذا بخور فایده ای ندارد بلکه باید در صدد فهمیدن علت بی اشتیایی که همان شروع یک نوع بیماری است بر آمد .

معمولا اگر بیماری در مراحل او لیه تشخیص داده شود علاج و یا درمان آن به مراتب سهل تر و آسانتر خواهد بود و دوره در مان بیماری نیز به همین ترتیب کوتاه تر میشود در مورد کودکان معمولا مادران قبل از هرکس می توانند متوجه دگرگونی و تغییرات در حالت ظاهری کودک خود شوند و در همان مراحل اولیه تشخیص دهند که کودک در حالت عادی قرار ندارد و یک ناراحتی پیدا کرده است ، این تشخیص به موقع خیلی مهم است و موجب میشود که کودک از خطر در امان

بماند و بعلاوه بیماری به دیگران سرایت نکرده قبل از آنکه به دیگران سرایت کند تحت کنترل قرارگیرد ، درین جا ما بزبان بسیار ساده علائم و نشانه های شروع بیماری را در اطفال ذکر می کنیم و با بخاطر سیر دن این علائم ، پدران و مادران می توانند مراقب وضع عمومی کودک خود باشند و به مجردیکه این علائم را در کودک مشاهده کردند وی را نزد داکتر ببرند تا تحت تدای قرار گیرد .

۱- و قتیکه کودک بطور غیر طبیعی حالت قهر و حساسیت پیدا میکند و بدون جهت بهانه گیر شده و گریه را سر می دهند درین وقت و نظیفه مادر است بدون تنبیه و خشمونت رویه درست را با کودک پیش گرفته و با او از راه محبت و نوازش مادری پیش آمد کند و هرچه زودتر با داکتر در تماس شود .

۲- مواقعی که کودک در شرایط عادی و معمولی، خواب آلود به نظر رسیده و به



شناخت استعداد کودکان

سهالی شش ساله

والدین گرامی و مربیان عزیز تحت این عنوان کودکان را مورد مطالعه قرار می دهیم که سن سه سالگی را آغاز نموده اند و اولاً کودکانی را مورد مطالعه قرار می دهیم که سن آنها از سه تا چهار سال می باشد.

این سن از نظر تکمیل شخصیت کودک از هر جهت قابل توجه و در خور اهمیت است که یک دوره مهم و استثنائی بشمار می رود. ما در این دوره حس می کند که کودک او دیگر کاملاً تابع او نیست، بلکه یک شخصیت مستقل است که دارای تمایلات و خواسته های جداگانه می باشد و کودک در این دوران از جمله کلمات که زیاد تریاک می رود کلمه «چرا» است، او می خواهد دلیل دستورات پدر و مادر خود و حرف هائی را که می زنند بفهمد و تا دلیل آنرا نتواند دست بردار نمی شود در حقیقت مادر و پدر صبر و حوصله زیادی داشته باشد تا بتوانند به تمام سوالات او جواب بگویند و درین جامع مادر، مربی، معلمین کودکان هاست، که این مسؤولیت بعد از پدر و مادر متوجه آنهاست.

البته درین سه شخصیت کودک زیاده تر رشد میکند و صفات او شکل می گیرد و وقتی کار کوچکی را انجام می دهد، خوشحال می شود و تسویق می گردد اما و قتی که با اطرافیان به توافق نرسید، او قات و تلخ شده و از آنها انتقاد می نماید.

بعضی از پدران و مادران ناگهان متوجه می شوند که کودک آنها دارای خصوصیات ناپسند شده است مثلاً ممکن است که طفل حسود شود و به همه حسادت کند و یا در صدد آزار دیگران بر آید، کار هائی که نزد پدر و مادر سابقه ندارد طفل انجام میدهد اما وظیفه آنهاست که زیاده نگران و دلخور نشوند زیرا در حقیقت این شخصیت کودک است که آهسته آهسته شکل می گیرد و از همین جهت صفات خوب و بد در او ظاهر می شود و طفل مانند بزرگان این خصوصیات را نمی تواند کنترل کند.

کودک درین دو ران بخوبی متوجه جنس خود میشود و میداند که پسر است یا دختر او علاوه خوب میفهمد که بطور مثال اگر دختر است روزی مانند مادر خود یک زن خواهد شد و مانند مادر خود مادر.

درین سن پدران و مادران باید انتظار داشته باشند که به سوالات کودکان خود در امور جنسی مواجه میشوند، سوالاتی که حتماً باید به آن پاسخ لازم بدهند.

و کودک را در ایهام باقی نگذارند. بزرگترین سوال آنها هم اینست که بچه و یا دختر چگونه بوجود می آید و یا اصولاً خود آنها چگونه بدنی آمده اند و درین مورد کافی است که به آنها گفته شود که بچه ها و دختران در شکم مادران رشد می کند و وقتی به اندازه کافی بزرگ شد آنوقت از شکم مادر خارج میشوند.

درین سن علاوه کودکان خصوصیات جنسی خود را هم پیدا می کنند، مثلاً پسر ها احساس می کنند و می خواهند دائماً با مادر خود باشند به پدر خود که شب با مادرش در یک اتاق می خوابد حسادت می ورزد و نظیر این احساس را دختران نسبت به مادر خود دارند، در همین سن نیز ممکن است پسرها دچار بیخوابی شوند و از خواب بپرند و به اتاق خواهر و مادر و پدر خود بیایند وقتی آنها را کنار یکدیگر به بینند بیشتر ناراحت میشوند و دیگری به اتاق خواب خود نمی خواهند برگردند.

اینها البته جریان های عادی است که در هر کودک درین سن، بطور ضعیف یا شدید ظاهر میشود و در این موقع باید پدران و مادران به کودک خویش کمک کنند تا او بتواند بر احساسات خود غلبه کند و این در حقیقت با آنهاست که در رفع نا را حتی کودک خود کوشش کند.

بعضی از مادران معمولاً خوششان می آید

و افتخار می کنند، و قتی می بینند که پسر کوچک شان آنها را در آغوش گرفته و از جسم معمول زیاده تر عشق به مادر خویش نشان می دهند و لی بر مادران است که راه حل درین مورد جستجو که در محبت به کودک مرز و حدودی قابل شوند و برای کودک بپیمانند و قتی که تو بزرگ شدی می توانی از دواج کنی و همسری داشته باشی و با او زندگی کنی.

هر هر حال اگر پدر و مادر علاقه در این مورد رفتار کنند حسادت کودک که بزرگ شود از بین می رود، دیگر پدر برای آنها یک رقیب نیست بلکه ولی نعمت و رئیس خانواده است و کودک سعی میکند چون پدر خود بتواند تاروژی مانند پدر خود خانواده ای را تشکیل دهد و صاحب همسر و فرزند گردد. این مثال در حقیقت از نظر پرورشی آینده کودک حائز اهمیت خاصی می باشد.

کودکان چهار تا پنج ساله:

رشد کودک در چهار سالگی کاملاً محسوس درین سن میتوان با او درست صحبت نمود و حرف زد و مسائل مختلف را برایش تشریح کرد.

کودک در این سن بهتر حرکت می کند، بهتر حرف میزند و بهتر نقاشی می کند، استعداد های سال گذشته کودک حالا شکل ثابتی بخود می گیرند و بایک تست عادی می توان تشخیص داد که هوش و ذکاوت و احساسات او تا چه حد تکامل نموده است، این تست یا امتحان ساده است:

مثلاً کودک می خواهد شکل انسان را بکشد، در این مورد نباید به او دستور داد که شکل یک انسان را نقاشی کند، بلکه خود کودک معمولاً درین سن با علاقه ای که به نقاشی

دارد این کار را میکند، آنوقت باید دقت و توجه کرد که او شکل را چگونه کشیده است، در اینجا نباید صحبت از این که کودک شکل انسان را از نظر نقاشی خوب و قشنگ کشیده است نیست، بلکه مهم این است که او از اعضای بدن انسان آ یا همه را کشیده است یا نه؟ یک کودک چهار ساله قبل از آنکه وارد پنج سالگی شود باید بتواند برای شکل انسان سر، چشم، بینی، دهن، پا و بالاخره تنه بکشد دختران معمولاً ذوق نقاشی بیشتری در این سن از پسرها دارند و آنها قاعدتاً باید اشکال که رسم می کنند درست نقاشی کنند.

از نقاشی هائیکه توسط کودکان می شود نه فقط هوش آنها بلکه میزان تکامل احساسات شان را هم می توان تشخیص داد اگر شکل نقاشی شده خود را خط خط می کنند و با فاصله های میان سر و بدن را درست ترسیم نمی کنند دلیل آن این است که از نظر احساسات و روان اختلالاتی در آنها موجود است، کودکانی هستند که در اشکال و نقاشیهای آنها، انسانی که کشیده اند، دستش قطع شده است یا آنکه چشمانش را از حلقه بیرون کشیده اند و یا پشت او خمیده است این نقاشیها حکایت از یکنوع نا آرامی درونی کودک و اختلال در احساسات او می کند.

حقیقت قضیه در نقاشی های کودکان آنست که آنها در این سن معمولاً خود را کمی شناخته اند و تصاویری که از یک انسان می کشیدند، فقط یک تصویر خیالی و ذهنی نیست بلکه تصویری از آن چیز هاست که در خود شان یافته و کشف کرده اند، مادران دقیق که در هر حال متوجه آینه خود کودک خود هستند بقیه در صفحه ۳۵



ارزشی های رنگارنگ جهان

عمر بعضی از حیوانات

گفته می شود که در جمله حیوانات فیل زیاد عمر می کند و یک فیل تا هفتاد سال زندگی کرده می تواند اسب ها که اقسام و انواع مختلف دارند طول عمر شان تا پنجاه سال می رسد به همین قسم اسب آبی چهل و یک سال، خرس سی و چهار سال، شادی بیست سال، پشک بیست و سه سال، و سگ ۲۳ سال عمر می کنند.

در پرندگان گرس ۵۲ سال، طوطی ۵۴ سال، گوربت ۵۵ سال، سباز ۱۷ سال، کتری ۲۲ سال، گلستر ۳۳ سال و کرده اند.

کار دنیای سی سال عمر دارند. بهمین ترتیب یک نوع ماهی که «کارک» نامیده می شود عمر زیاد دارد که عمر آن ۳۵ سال نشان داده شده است و یک نوع ماهی دیگر که در آبهای سواحل کوه های انگلستان پیدا می شود شصت سال زندگی می کند.

در حیوانات کوچک کشت عمر زیاد دارد و یک نوع آن که موریتوس نامیده می شود یکصد و پنجاه و دو سال عمر می کند بهمین قسم در قسمت های جنوبی امریکا کشت ماهی پیدا می شود که یکصد و سی سال عمر کرده اند.

صابون چه وقت ساخته شد؟

استفاده از صابون برای نخستین بار در روم رواج پیدا کرد مگر نه اینطور که اکنون مورد استفاده قرار دارد در آن زمان بعد از این که توسط یک نوع غنچه های سبز بدن را مالش می دادند به تعقیب آن بعد از خود را ذریعه مکنیز می شستند. مگر صابون بشکل امروزی (البته با کمی تفاوت) در قرن هفتم میلادی ساخته شد. در قرن هشتم مسلمانان هم به ساختن صابون شروع کردند مگر ساختن صابون در اروپا در قرن نهم آغاز یافت در لندن تا قرن دوازدهم صنعت صابون سازی شروع نشده بود تا اینکه در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم صابون در آنجا ساخته شد در سال ۱۶۵۳ زمانی که ملکه انگلستان الیزابت وفات کرد اولین صابون بود که صابون را برای شستن بدن وی به کار بردند. در امریکا صابون در سال ۱۶۰۸ ساخته شد.

ارتفاع برج ایفل

در طول چهار فصل تغییر می کند. هر کس میداند که برج ایفل ۳۰۰ متر ارتفاع دارد مگر فکر

می کنیم برای بسیاری مردم این موضوع معلوم نباشد که این ارتفاع در هر فصل سال و در هر قسم شرایط جوی یکسان نیست و با تغییر درجه حرارت فرق می کند. طوری که برای ما

معلوم است زما نیکه یک میله آهنی که ۳۰۰ متر طول داشته باشد و یک درجه حرارت داده شود ۳ ملی متر به طول آن افزوده می شود و به این اساس زما نیکه هوا به اندازه یک درجه گرم شود باید به ارتفاع برج ایفل هم ۳ ملی متر افزوده شود مواد آهنی برج ایفل هم ۳ ملی متر افزوده شود مواد آهنی برج ایفل در روزهای گرم تا بستن پاریس ممکن به اندازه چهل درجه سانتی گراد گرم شود در حالیکه درجه حرارت در روزهای سرد و بارانی مثبت ده درجه و در زمستان به صفر و حتی به منفی ده درجه هم پانزده می آید. طوری که می بینیم در تابستان درجه حرارت پاریس به چهل درجه می رسد و بنابراین امکان دارد که برج ایفل به مقایسه ارتفاع ۳۰۰ متر خود ۱۳۰ ملی متر یعنی ۱۳ سانتی متر کم و زیاد شود.

در اثر آزمایش مستقیم معلوم گردیده است که برج ایفل به مقدار ۳۰۰ ملی متر طول داشته باشد و یک درجه حرارت و برو و ت نسبت به هوا هم حساستر است بسیار زود گرم و بسیار زود سرد می شود. زما نیکه در روزهای که آسمان پوشیده از ابر باشد و افتاب تصادفاً از عقب ابرها آشکار شود بسیار زود برج ایفل از آن متأثر شده عکس العمل آن ظاهر می گردد.

تغییراتی که در برج ایفل بوجود می آید بواسطه یک میله خالصیت این میله فولادی که با برج ایفل یکجا نصب گردیده چنین است که با کم و زیاد شدن درجه حرارت در طول آن تغییرات نمی آید و ثابت می باشد از این سبب است که در روزهای گرم قله برج ایفل به اندازه ۱۳ سانتی متر ازین میله فولادی بلند می شود مگر شکفتن تر از آن نیست که این میله فولادی تغییر ناپذیر که بسیار خاصیت خوب دارد یک دینار هم ارزش ندارد.

اختراع هلیکوپتر جدید

در اوایل سال ۱۹۸۰ هلیکوپتر جدید بنام «تاوروس» توسط یک گروه دانشمندان پولندی اختراع گردید و مورد استفاده قرار گرفت.

این هلیکوپتر جدید که ظرفیت انتقال ده سواری و سه نفر پیلوت و عملیه طیاره را دارد بر علاوه اینکه وظیفه امبولانس را اجرا می کند همچنان در وقت ضرورت می تواند اموال تجارنی را نیز حمل نماید به همین ترتیب این هلیکوپتر برای فرستادن

و نقل و انتقالات مواد پروژهای ساختمان یک وسیله خیلی مهم و با ارزش محسوب می گردد طول این طیاره در حدود سی و نیم متر و عرض آن چهار و نیم متر اندازه شده است. طیاره تا وروس در هر قسم شرایط جوی فعالیت می کند و برای اولین بار در سال ۱۹۸۱ در نمايشگاه جهانی ((پوزنان)) واقع در این هلیکوپتر برای فرستادن

ادویه شیرین!

عسل علاوه بر اینکه یک غذای شیرین است ارزش دارویی هم دارد. در زمان های باستان مردم به منظور علاج زکام و ریزش يك قاشق عسل را با شیر و لیمو در چای انداخته و به قسم دوا صرف می کردند. يك نشریه بلغاریایی می نویسد که اکنون این موضوع در مشاهدات کلینیکی به اثبات رسیده است که عسل برای کاستریت معده و زخم معده، تیزاب معده، و گاستریک اسید و فشار خون و تشویش اعصاب يك دای مفید محسوب شده می تواند. اگر روزانه سی الی چهل گرام عسل خورده شود هاضمه را نورمال نگه میدارد و تشنجانان معتقدند که عسل هشتاد نوع مواد مختلف دارد که مواد مذکور برای عضو است انسان ضروری است و آن باشند عبارت از تمام ویتامین ها، انزایم ها، اسیدهای عضوی، نمک های معدنی، هورمون ها، انتی بیوتیک ها و غیره می باشند.

بزرگترین آتشفشان جهان

یکی از بزرگترین و وحشتناکترین انفجار آتش فشانی که نظیر آن طی هزار سال اخیر دیده نشده عبارت از (تمبوره در جزیره سو مباوه) است که بتاريخ ۵ اپریل سال ۱۸۵۱ در اندونیزیا بوقوع پیوست. آواز انفجار آن بحدی مدعش بود که از فاصله ۱۸۰۰ کیلومتر می شنیده شده بود فوراً ن این آتشفشان خیلی شدید بود و از ۱۰ الی ۱۲ مایل ادامه داشته و باعث جدایی کتله بزرگی از دهانه آن گردید. همچنان در فاصله پنجصد کیلومتر دورا دور آتشفشان مذکور مدت سه روز تا ریکی مطلق حکمفرما بود. از مرکز آتشفشان جفله سنگ ها یی که قطر آن به ۱۵ سانتی متر می رسید به فاصله ۴۰ کیلومتر به اطراف پرتاب می گردید. تمام قسمت فوقانی قله آتشفشان که از تقاع آن به بیش از چهار هزار متر می رسید دهانه بزرگی از آتشفشان را بوجود آورد که قطر آن به ۶۶ کیلومتر و عمق آن به ۱۶۰۰ الی ۷۰۰ متر می رسید. طی فعالیت آتشفشان مذکور مواد زیادی از دهانه آن به اطراف پرتاب گردید و طبقه ضخیمی از خاکستر و جفله ها روی جزیره تمبوره بوجود آورد. بر علاوه آنکه با غباری پر شکوفه وزمین های مزروع طعمه حریق گردید ۹۲ هزار نفر چه از اثر صدمه آتشفشان و چه از اثر گر سنگی ناشی از آن به هلاکت رسیدند.

از انرژی بحر چگونه استفاده کرد

این منبع انرژی از اختلاف حرارت آب سطح بحر و اعماق آن بدست می آید. مهمترین موقعیت این منبع انرژی حرارتی بحر در دو هزار کیلومتر اطراف خط استوای زمین قرار دارد که بین خط سرطان و خط جدی تصادف میکند. در اینجا بین اعماق ۷۵۰ و ۱۰۰۰ متری بحر اختلاف حرارت از ۱۵ الی ۲۵ درجه سانتی گراد در تحول بود و نظر به سطح بحر به همین اندازه سرد تر می باشد و این پروژه انرژی حرارتی بحر در سال ۱۹۳۰ در ساحل کیوبا اعمار گردید. اکنون چندین دستگاه آن در نقاط مختلف ساخته شده که انرژی حرارتی آن مورد استفاده قرار دارد و بنام دستگاه اوتیسک یاد می شود. پیشنهادات عملی در مورد بکار انداختن دستگاه های مذکور در دو تصنیف گنجینه می شود. دستگاه های سیستم سایکل بسته و دستگاه های سیستم سایکل باز. در دستگاه های سیستم سایکل بسته مایع امونیا طوری بکار برده میشود که در اثر

حرارت سطح آب بحر، امونیا تبخیر میگردد. امونیا که باین ترتیب به تبخیر میرسد قوه حرارتی آن باعث گردش موتور علیحده میگردد. موتور مذکور چون یک چتر اتور دیگر وصل است بنابر حرکت آن قوه برق بخوبی تولید شده میتواند.

بعد از آنکه امونیا تبخیر شده از توربین خارج میگردد در تیوب علیحده به حرکت افتاد موقعیکه در آب سرد اعماق پائین تر بحر میرسد دوباره به مانع مبدل میشود بعد از آن عملیه پمپ کردن دوباره در توربین رهنمایی میگردد تا در اثر حرارت آب سطح بحر بدخل توربین تبخیر گردد و باین ترتیب با سایکل های

بقیه صفحه ۳۳
شناخت استعداد
به تقاضای کودکان خود نیز توجه داشته و می توانید به بسیاری از روحیات آنها پی ببرید و بفهمید که آیا کودک آنها واقعاً با مشکل و ناراحتی درونی روبروست؟ آیا احتیاج به توجه و مراقبت زیادتر دارد؟ آیا دچار تکرانی و ترس شده است و از چیزی دائم در وحشت و تکرانی است؟ و یا آنکه خوشبختانه کودکی از هر جهت سالم و بدون هیچ عارضه و اختلال درونی است.

کودکان چهار ساله می توانند با فیجی، کالبد علاقه فراوان نشان می دهند و اگر «سکاج تپ» به اختیار آنها گذاشته شود حتی ساعت ها به آن مصروف خواهند شد. کودکان در فاصله سن پنج سالگی علاقه و توجه زیادی به جریاناتی دارند که در اطراف آنها اتفاق می افتد. پدران و مادران می توانند در باره این اتفاقات و حسوالات با کودکان خود به سویه آنها صحبت کنند و ذهن آنها را با واقعیت های عادی زندگی آشنا سازند که از لایه ای این گفتار فهم زبانی آنها را زیاد تر می کند. مثلاً در باره اینکه ما می چرا در آب زندگی میکند؟ انسان از چه ساخته شده است؟ برای اینکه آب را جوش بدهند از چه استفاده کرد؟ چرا انسان کار میکند؟ چرا جنایت کاران را زندانی میکنند؟ اما وظیفه مادران و پدران و در قدم دوم از معلمین کودکان - هاست که به آنها جواب درست و قناعت بخش دهند تا ذهن آنها کلمات و جملات درست را ثبت نماید و به آنها می توان از سن بسیار خردی این هنر را یاد داد که دریافته آنها می توانند به جرات صحبت نمایند و صحبت آنها حقیقت داشته باشد باید درین قسمت زیاد تمرین کرد با او زیاد صحبت نمود. حرف زد و از آنها سوال کرد و جواب قناعت بخش شنید و قتیکه آنها جواب درست دادند آنها را تشویق کرد که تشویق در بلند کردن و یا بیدار ساختن استعداد های آنها نقش مهمی را بازی می کند. با کودکان درین سن می توان بازی توسط

کلمات کرد یعنی يك كلمه را گفت و از آنجا خواست هر چه راجع به این كلمه یادش می آید بگوید مثلاً توپ بازی و غیره. و لی مهم این است که این تمرینات نباید به عنوان درس انجام گیرد بلکه این تمرینات جنبه بازی و تفریح داشته باشد و کودک از این کار لذت ببرد و از آن نتیجه بهتر خواهد گرفت و بدین ترتیب کمک مهمی به تکامل و پیشرفت استعداد او خواهند کرد.
کادگان پنج تا شش ساله:
کودکان پنج ساله دو ران طولانی و پراخ تحول را پشت سر گذاشته اند و در حقیقت کودکان رسیده اند آنها قیافه ای مطمئن تر از کودکان چهار ساله دارند و از آنها جدی تر و مستقل تر بنظر میرسد. کودکان درین سن کاملاً می مایل هستند از پدران و مادران خود دوری اختیار کنند و دوستانی برای خود پیدا میکنند که به آنها بازی کنند و سرگرم شوند. اما بعد از اندک مدت که با دوست خود مصروف بازی باشد یاد مادر خود می افتد و علاقه مند میشود زودتر به خانه برود و مادر خود را ببیند. بطور خلاصه: همه چیز حکایت از آن دارد که کودک به زودی آمادگی برای رفتن مکتب و قدم گذاشتن به جامعه و تماس با همسالان را فرا می گیرد اما بعضاً پدران و مادران درین سن تکران می شوند و با خود میگویند آیا دختر و پسر ما که به مکتب رفت استعداد فرا گرفتن دروس را خواهد داشت؟ و درین سن خود کودک نیز متوجه این نکته میشود که سال آینده به مکتب خواهد رفت. تکرانی و تشویش نیز نزد او ایجاد می شود و با هیجان زیاد منتظر روز بیست و یکم از خانه به مکتب برود. درین جا فقط توجه مادران و پدران را می خواهیم که هرگز استعداد کودکان را ناچیز تصور نکنند و به آنها اطمینان داشته باشند و حالا خوشبختانه فرصت این کار در مکتب بارویکار آمدن توجه که در قسمت تر به آینده سازان این کوره است این آرزوی شما بر آورده خواهد شد که استعداد های نهفته آنها بیدار شده و آنها را متوجه مسؤلیت های آینده که در پیش رو برای شکوفائی با کودکان درین سن می توان بازی توسط

آنها که جایزه هارا...

از او میپرسم نظرش در باره نو پر دا زی و شعر نو چیست و آیا او این فورم شعری را می پسندد، یا خیر؟ میگوید: اگر منظور از نو پر دا زی این باشد که شاعر به او زان شعری بی اعتنا باشد و آنرا نشناسد و کلام آهنگین را شعر پندارد و یا بی سبب در طول مصراع ها کمی و افزونی وارد آورد زیاد به آن خو شبین نیستم و هر گاه مراد آن باشد که شاعر فرزند زمان خود باشد و به جای تقلید کورانه از شاعران متقدم و به کارگرفتن همان استعاره و تشبیهاتی که صد ها بار در شعر پیشینیان آمده است خود خلاصیت و آفرینندگی هنری داشته باشد و مضمون و محتوی شعر را نو گرداند و در این زمینه از کهنه گرایی پیر هیزد سخت به آن معتقدم و به کار چنین شاعرانی ارج میگذرم.

دکتر خیر خواه در پاسخ به یک پرسش دیگر در این زمینه که وی کدام سبک شعری را ترجیح میدهد و خوبتر میتواند اندیشه اش را در آن بپیرد و را ندواند سده میگوید:

سمن در هنر به ریا لیزم اعتقاد دارد و به این عقیده ام که با این سبک هنر مند خواه شاعر باشد یا نو یسند و یا نقاش و... بهتر میتواند زندگی عینی جامعه خود را انعکاس دهد و در قلوب ما هم هنری آنرا به دیگران القاء کند خود هم در همین روال می سرایم و میگوئیم در شعرم زندگی مردم همین خود را آنکو نه که جریان دارد انعکاس دهم او در یک زمینه دیگر میگوید:

شعر باید آئینه را ستین نماید دردهای اجتماعی باشد ((نه بیان کنند دردهای درونی و کمال فردی شاعر چه در این صورت شاعر فقط خود و احساس و کاستی های خود را مینماید و نه جامعه و مردم خود را، و برای اینکه شاعر بتواند درد مردم را انعکاس دهد باید در میان آنان زندگی کند)) این درد ها را حس نماید، از آن متأثر گردد و باز آنرا در تخیل شاعرانه بازتاب دهد.

از دکتر خیر خواه خواش میکنم برای آشنا یی بیشتر خوانندگان ژوندون نمونه های از شعر خود را در اختیارم قرار دهد و او دو پارچه شعر ((دافغان قهرمان ولس ته)) و ((د انقلاب دفاع)) را که از نظرش واد جلد همان خصوصیت های است که وی از آن دفاع میکند در اختیارم قرار میدهد.

شما را به خواندن این پارچه شعر ها دعوت میدارم:

دافغان قهرمان ولس ته

داستبداد خنجر دی مات کړه قهرمان ولس ته
نوی نظام دی مبارک شه دافغان ولس ته
تا په ملی قیام ما نی د استبداد نکه کړه.

تا که ترسره د عمر و نولوی ازمان ولس ته
له دایره مارو ستمگر و نه دی خلاص کړ خلک

له زور او شو رنه دی خبر شو ټول جهان ولس ته
چی به زموږ په سر نو شت او هستی لوبی کیدی

لاړ لو ختم شولونور هغه دو ران ولس ته
دغه نظام زموږ په ژوند کښی دبد لو ن نقطه ده

د انقلاب به کړی ترسره هرا رمان ولس ته
د شرافت او عزت ژوند به هر افغان و لری

د قدر و پوره کارگران او دهقانان ولس ته
ای د عمرو نو زو رید لوزیار ایستو نکو خلکو

درنه شول لیری ټول غمونو او خفگان ولس ته
هر یو ارمان به دملی نظام تحق و مومی

سم د تا ریخ به مسیر او س شو لوروان ولس ته
په یو وحدت سره وتلی یو خد مت د پاره

په خپل همت سره وطن به کړ وودان ولس ته

دا خپل ملی بیرغ به لوړ پدی جهان کښی سا تو
وطن به ساتو په سرو وینو د خپل خان ولس ته

د انقلاب دفاع

د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی

را غلی دا بدلون د هر کارگر په گټه ده
دا هر فیصله نی د بزگر په گټه ده

د خپل ملی نظام نه کارگر ا دفاع کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی

پدغه انقلاب کښی سود خورو کړی تا واندی
خاینی او رشوت خور له وطن تښتی پری خفگان دی

له پاکو ارمانونه بزگران دفاع کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی

د ثور انقلاب لری سپیڅلوی همدفونه
چی ټول خلک آزادم شی لری داسی پلانونه

نو ځکه تری زموږ زیار کښا دفاع کوی
د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی

تاریخ سره چه سم څی خامخا به کامیابی
د داسی سیلاب مخه چه څو ک نیسی محو کیدی

د خلکو نه د خلکو لوی جهان دفاع کوی
د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی

...



شکر په برنده جایزه تشویقی
میناتور

شکر په برنده جایزه در بخش
مینا تو رهم گنگ است و هم

لال، نه چیزی میشوند و نه گفته
میتواند و به همین دلیل نی...

همراه با خواهرش به دفتر جوایز
آمده است تاوی با ایما و اشاره

پرسش های ما را به او تفهیم
کند و باز هم پاسخش را در همین

شیوه بگیرد و به ما بگوید.
شکر په که اکنون در سا زمان

هنری غلام محمد میمنه گمی به کار
آموزش مینا تور اشتغال دارد در

سال ۱۳۵۸ نیز اثری از خود
را زیر عنوان ((طفل و مادر)) ک...

ندید جایزه ساخت و ایمن
اثر برنده جایزه شناخته شد

اثر برنده جایزه شناخته شد

او که از سال ۱۳۵۷ کار مینا
تور را به آغاز گرفته است تا
اکنون بیش از بیست و پنج اثر
مینا توری دارد و غلام جیلانی
روحانی را استادش معرفی
میکند.

شکر په در جواب به یک پرس
سش با حرکات دست و مایم
و حالت های چهره جواب میدهد

که با روی آوری به هنر و ب...
پرو رش گرفتن استعدادش در

این زمینه اکنون رنج معیوب بودن
را کمتر احساس میکند و میگوید -

شد آنچه را که نمیتواند بازبان
به گفت آورد آنرا با زبان هنر به

بیان آورد.

او که معیوب بیت موجب شده
است که نتواند به تحصیل تش

بیش از صنف سوم ادامه دهد
آرزو دارد با کار متداوم و آموزش

مینا تو ریست بر جسته ی...
گرد و آثار ممتازی را در این

بخش هنری به وجود آورد.

شکر په در موقع خدا حافظی
به خواهرش می فهماند به من

بگوید که از علاقمندان مجله
ژوندون است و همیشه شما ره

های این مجله را میخرد و مطالب
هنری را در آن میخواند.

زن فریب خورده...

فابر گفت :

خوب چه شده ؟

— قضیه این است که من نمی توانم این متن را اجرا کنم ... چون این زن مهر بان شما عادی نیست ، یامن اینطور درك می كنم ، من انگیزه رفتار او را نمی فهمم ، وجودش را احساس نمی كنم ، خلاصه نمی توانم در نقش او ظاهر شوم ، یعنی چه ؟ زنی كه در كمال ناشیگری به او خبر میدهند شوهرش بازو دیگری به سفر رفته ، شوهرش را می پرسند و تنها واكنشش این است كه در جواب بگوید :

— « مهم نیست ، همینكه خوش و راضی است ، من هم خوشحالم » چنین چیزی ممكن نیست ، خود مانیم روبرو ، تو رفیقهای زیادی داشته ای ، آیا هرگز زنی دیده ای كه به هنگام عاشقی رفتاری مانند این كركر در نما یشنا مه تو داشته باشد ؟

فابر با غرور تمام جواب داد :

— تنها یكزن ، و این همان است كه در نما یشنامه « زن فریب خورده » وصف می كنم ، درواقع همین صحنه ای كه به نظر شما غیر واقعی است ، عین واقعیت است ، برای اولین بار همه مصالح كارم را از واقعیت های زندگی گرفته ام ، شاهد آن هم بر تر آن است كه در صحنه حقیقی او طرف صحبت زنی بوده است كه اینك شما در نقش او بازی می كنید ، زنی به طرف من برگشت و گفت :

— پس مسوول این مسز خرفات تو هستی ؟ چنین مطلبی را تو با گوش های خود شنیده ای ؟ ممكن نیست ... یا این زنكه ابله بوده كه در آنصورت من نمی خواهم در نقش يك ابله بازی كنم و یا اینکه تظاهر به بزرگواری کرده است ، چون خود او با كمال علاقه در صدد استفاده از آزادی بوده است كه در این صورت چهره طبیعی و انسانی دارد ، اما این مطلب ما یه ی نما یشنا مه دیگری است .

در مخصه عجیبی گرفتار شده بودم ، زنی كاملا حق داشت او با فرامست هنری به وضع ژولیسست واقعی در صحنه زندگی پی برده

بود ، اشكال كار این بود كه من نمی توانستم حقیقت قضایا را به او بگویم ، چه در آن صورت هم به روبرخیانت می كردم و هم به اورت سكوت اختیار كردم .

زنی گفت :

— لطفا جوابم را بده ، تو خودت این ژولیسست را دیده ای یا خیر ؟ اگر واقعا او را دیده ای ، چنین زنی را چگونه آدمی میداند ؟

فابر هم با تشدد گفت :

— بلی ، بر تران حرف بزن :

من اکنون یادم نمی آید چه جواب دادم ، تعدادی جملات بی سر و ته یادم است ، تلاش های مذبو حانه ای برای تغییر شكل قهرمان و توجیه رفتار او در نزد زنی به كار بردم و در عین حال سعی كردم اورت را در نزد فابا بر رسوا نكردام ، اما هیچ يك از تلاش های من مؤثر نیفتاد و زنی در عین كامیا بی فریاد زد :

— خوب دیدی ، بر تران هم معتقد به صفا و پاکی ژولیسست نیست .

— من چنین چیزی نگفتم ! جرات گفتنش را ندارید ولی از گفته های شما به خوبی همین مطلب مستفاد می گردد .

از این لحظه فابر از ما فاصله گرفت ، به او نگاه كردم ، قیافه اش وحشتناك بود ، از این طرف به آن طرف صحنه میرفت ، سرش را به شدت تكان میداد ، گاهی دستانش را در موی سرش فرو میبرد و گاهی ناخنهایش را می جوید ، ناگهان به سوی من آمد ، دستهایش را باز کرده انگشت سبابه را به جلو گرفته بود ، چشمهایش سرشار از خشم و تهدید بود ، رو به من كرد و گفت : — فهمیدم زنی را ست می گوید ، تو ای كه دروغ گفته ای ، رفتار من بچگانه بود ، برای اقدامی كه تنها از دست دو سستی ساخته بود من به فاسق اورت مراجعه كردم چون تصور می كردم كه دوست منی .

يكی از آن خنده های كذایی را كه شبیه شیشه اسب بود ، سر داد :

از آن خنده های نما یشی ، خشمناك شدم و گفتم :

— من دوست تو بودم و هستم ، ولی دوست اورت هستم دوستش و نه فابا سقش ، تو این مطلب را خوب میدانی ، وقتی خودت مرا در موقعیت

حساسی قرار میدهی گناه من چیست ؟ گفت :

— پس اعتراف می كنی كه اورت مطا لبی به تو ابراز داشته بود كه از من مخفی کرده ای ؟

— من اعتراض نمی كنم ، منظورم اینست كه وضع من در میان شما دو نفر مشكل بود .

ولی او دیگر به سخنم گوش نمی داد ، به طرف ته سالون براه افتاد ، كلمات نا مفهوم می زیر لب زمزمه می كرد ، آنگاه با چهره بازو تقریبا خندان به سوی من و زنی آمد دو دستش را روی شانه های زنی گذاشت و با خوشرویی تحسین آمیزی به او نگرست و گفت :

— تو هنرمند بزرگی هستی ، بسیار بزرگ ، توسط با غریزه هنری فهمیدی كه موضوع نما یشنا مه من نه راست بود و نه واقعگرا نه و من نیز كه هنرمند بزرگی هستم همینكه راه را به من نشان دادی علی الرغم تمایل و غرورم آنرا تعقیب كردم ، در آنی به واقعیت پی بردم و به زودی آن واقعیت را خواهم نوشت ، نما یشنامه بسیار خوبی خواهد نوشت ، حال باید این نما یشنا مه را از نو بنویسم به تو قول میدهم كه اینبار تو در نقش شما یسته آن بسازی خواهی كرد . زنی با قیافه متا ثر گفت : « انشاء الله »

آنگاه به من گفت :

— اما تو ، باید به من كمك كنی . در این هنگام در بان تما شا خانه آمد و به فابر گفت :

— خانم با موتر آمده و انتظار شما را دارد .

صدای همان خنده كذایی به گوش رسید :

— خانم پایین است ؟ بگو بیاید اینجا .

لحظه ای بعد اورت خندان از دره در آمد و گفت :

— عجب امروز من هم حق دارم وارد شوم ؟ بر تر آن هم ؟ این قدر كار تمرین پیشرفته ؟ زنی سلام ! فابر در حالیکه سرش را تكان میداد سری تكان داد و گفت :

— خیلی بد جنسی ولی باز هم دوستت دارم و تو هم چه بخوای و چه نخواهی دوستم داری ، اودت عزیز ، به زودی زیبا تر ین نما یشنا مه ام را خواهم نوشت .

زنش جواب داد : — منظورم انمی فهمم ولی گیت را باور می كنم .

فابر خیلی كار نمی كرد ، سالی يك نما یشنا مه می نوشت و كسار نگارش آن هم سه چهار هفته وقتش را بیشتر نمی گرفت ، در موقع كار بسیار جدی بود ، ابتدا موضوع نما یشنا مه اش را به هر كس كه بر می خورد تعریف می كرد تا تاثیر آنرا بسنجد ، صدا های مختلف را تقلید می كرد ، قیافه های گوناگون به خود می گرفت و از تحول قصه الهام می گرفت ، وقتی از سناریو مطمئن میشد ، صحنه ها یی از آنرا در حاكیكه در اتاق كارش قدم می زد به منشی اش دیکته می كرد و به نوبت جانشین همه باز یگران نما یشنا مه اش میشد ، سر انجام چركنو پس را می خواند ، در این مرحله كار گاهی با من مشوره می كرد نما یشنامه « زن فریب خورده » در فورم تازه ای خود به نظرم زیبا بود ، با شها متی شكفت انگیز حساس ترین جنبه های واقعیت در دناك در آن بررسی شده بود ، درامی شده بود راستین و گیرا ، عز لیات از تندى و شدت آن میکاست و تضاد موفقی با صحنه های زننده پدید می آورد ، وقتیكه نما یشنا مه را برای زنی خواند من حضور نداشتم ، ولی چند روز بعد زنی را دیدم و او از من پرسید :

— نما یشنا مه « زن فریب خورده » را در شكل نو آن شنیدی ، واقعا خوب است ، نه ؟ عین زندگی است بی رنگ و روغن .

پس از نقش خودت را ضعی هستی ؟

— كيف می كنم ، باز گو كردن آن ، احساس آن ساده است مشكلی وجود ندارد .

تمرین ها به سهو لت و سرعت بر گزار شد .

گاهی فابا مرا هم دعوت می كرد و اورت را در آنجا میدیدم پس از آنكه شوهرش بویی از قضایا برده بود ، من دیگر او را ندیده بودم ، چه در تماشاخانه و چه در مجالس و محافل ، وقتیكه با هم دیده میشدند قیافه كاملا عادی داشتند و اشاره ای به اختلاف هم نمی كردند ، به زودی شروع نما یش « زن فریب

— بقیه در صفحه ۵۵

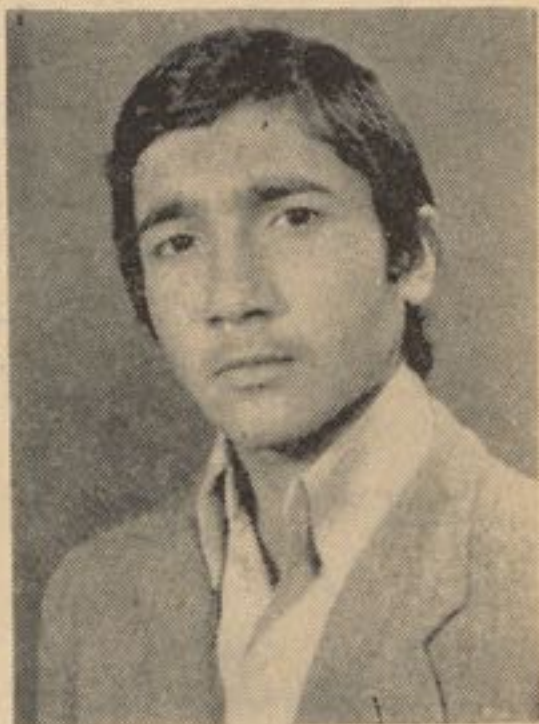
تجربه های به انسان

نمونه نوشته یابی از شاگردان کورس ادبیات
اتحادیه نویسندگان

توشه آینده

بشت خمیده ریش سپید و عصا به دستی در حرکت میباشد یابه نظرم میرسد ، يك حس ترحم ، توأم با ناراحتی برایم دست میدهد ، لحظه ای خود را فراموش کرده غرق دنیای خیال میشوم و یاد آن ایامی را تصور می کنم که همچو این پیر مرد خزان ندیده ، خزان زندگیم فرا رسد و دست بی رحم روزگار بال های پر قوت جوانیم را در هم شکسته خرد و بیچاره ام گرداند و جز یاد خاطره ها چیزی از من دل سوخته ساخته نباشد .

و با خود تعهد می سپارم که: حال که قوت و نیروی در خود می بینم باید از آن بهره و به ره مطلوب به کار برم تا توشه یی در هنگام کهنولت و مایه یی برای با افتخار زیستن داشته باشم .



حبیب «نجیب»

نیایش

ای هستی و زندگی من !

آغاز گر سر نوشتم تویی ، من ترا می جویم ، نام تو در قلبم نقش بسته است می خواهم به زبان بیاورم اما میدانم که صدای مرا خواهی شنید و خواهی دید که مالک آن تنها تویی ، تو که آفریدگار منی .

من حالا به خاطر عشق تو زنده ام مرا بگذار تا ترا همیشه عبادت کنم و



ملکی کبیر

در جستجوی تو باشم .
پرود گارا !
تو مرا یاری بده و مرا رهنما باش تا درد و غم خویش را با عبادت تو فراموش کنم ، فریادی را که در دل شب از ذرات جاتم بر می خیزد به عرش برسانم .
خداوند !
بنده ات را ببخش و صبری برایش بده که بی مانند باشد ، زیرا همه چیز برای وی شوم است ، مانند غریقی است در بحر زندگی که همه هستیش با کشتی حوادث در میان امواج خروشان رها شده باشد .
خدا یا !
تو رحمی کن ، من دست نیاز و حاجتم را بسوی تو دراز - می نما یم تو به لطف خویش مرا به آرزو یم که بودن بها را ن تست برسان و با همه گل ها بیکه در قتل هستی تو دلیرانه مغرور و سر بلنداند يك جا گردان .
خداوند !

تو مرا نا امید مساز ، من تشنه محبت و تویی نهایت مهیبر - با نی ، مرا نجات بده و از درماندگی دورم کن .
خدا یا !
فریاد مرا بشنو به بنده ات رحمی کن ، خدا یا ! خدا یا !

اندیشه

آن نقش انسان دوستی ، مهر به انسان و مقام انسانی را مشاهده می کردیم .

ای کاش این همه انسان هایی که از يك اصل و جوهر اند ، کمر به قتل یکدیگر نمی بستند ، از ساحل لبریز سعادت و گل های آرزوی دیگران گل نمی چیدند . ولی افسوس که همه انسان ها یکسان نیستند به مقام انسان ارزشی را نمی پذیرند ، بینوایان و زجر کشیده گان جامعه را به چشم حقارت می نگرند ، همه خوشی ها و سعادت ها را از آن خود میدانند ، مایه شادی و خوشبختی را تنها به خود می جویند . ولی خوشا دسته یی دیگر اند که زندگی خود را وقف دیگران ساخته اند . خوشبختی و سعادت خود را در سیمای دیگران جستجو می کنند . و به خاطر سعادت دیگران رنج می کشند .

ای کاش همه انسان ها چنین خصلتی میداشتند ، انسان های سخت دل و خود خواه وجود نمید داشتند ، تاعشق و محبت به انسان و ارزش به مقام انسان همیشه جاویدان میبود .

ای کاش چنین خصلت نیکو یی همه جامعه را پربار و عشق و جاذبه و صمیمیت درتن و روان همه جاودانه زنده گردد .



طاهره افضلی معلم صنف دوازده لیسه انقلاب

ای کاش زندگی انسان همواره آمیخته با فرزانه گی می بود ، تاگل های آرزو همیشه سر سبز میبودند .
ای کاش زندگی انسانی که آرزو مند بود ، به زودترین فرصت با گل های جوان و مالا مال از امید و آرزو از بین نمی رفت .

ای کاش زندگی انسانی که در آن چیزی ندیده بود و از آن گل عیشی نه چیده بود ، در منجلاب به سر برده و عبیر امیدش بدون بندوك باقی مانده بود ، به زودترین فرصت به خواب ابد فرو نمی رفت .

ای کاش قلب انسان ها که خانه مهر و صفاست همیشه روشن می بود و همچو آئینه با صداقت ، تادر

برادر کارگر



هما متعلم صنف ۱۲

ای برادر کارگر، که از فیض و جلال دستان پر آبله تو مردم تمام جهان به آسودگی زیست میکنند، سخنانم را بشنو:

در دورا نه‌های گذشته به زندگی تو و همکاران تو توجه نمیشد. اما حال که انقلاب تو (انقلاب کارگری) در میهن به پیروزی رسیده و پروسه تکامل خود را تکمیل میکند، به تو اطمینان میدهم و ایمان راسخ دارم که زندگی تو از بنیاد تغییر خواهد کرد.

برادر عزیز، چون هدف‌های انقلاب هدف‌های تو یکپس است، سپس به خاطر تحقق بخشیدن هدف‌های یگانه باید بایک دست چرخ ماشین و با دست دیگری سلاح بر دست از انقلابت دفاع کنی و تا وقتی که قطره خون در بدن داری با برادران سر باز و جوانان دلیر میهن برای نابودی کامل دشمنان ناموس، میهن و انقلاب به مبارزه بپرداز. و اگر لازم بیافتد در این راه جام شهادت بنوش و حماسه دیگری بیافرین، و نام نامیت رادرج تاریخ مبارزین واقعی کشور کن.

برادر، به این امر ایمان کامل داشته باش که انقلاب از خودت است و برای تو کاری را انجام می‌دهد. پس وظیفه توست که در گام نخست از آن دفاع بکنی. و در گام دوم سطح تولید را بالا ببری و چون آفتاب فیض رسان باشی.

خاطره



زرمینه نظری متعلم صنف ۱۲
لیسه انقلاب

پدر، ندای قلبی را به یاد آر که سالهاست فریاد میزند که کجایی؟ و اکنون با صدای گرفته در تاریکی شب باز هم می‌گویند به سویم باز گرد، گوش کن و تحلیل کن. که آیا میتوانم؟ باوجود دوری تو در این

چند سال باز هم ترا مانند دوران کودکی دوست بدارم. آیا میتوانم؟ با صدای قلبی که مملو از عشق و محبت یک دختر نسبت به پدرش است ابراز نمایم که محبت تو مانند روح شنی مهتاب انسان را از وحشت تاریکی نجات می‌بخشد.

آیا به یاد داری آن لحظاتی را که با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کردیم، دست پر نواز شت را به سرم می‌کشیدی و با گفتن (دخترم) مرا از محبت در زندگی لبریز می‌نمودی، فضای خانه با بودن تو نمایانگر خوشی‌ها بود.

اما دریغ! که زندگی بالاخره با همه یک نواختی‌ها، جدایی‌ها خوشی‌ها و ملال‌های سر میرسد و از تمام خو شبختی‌ها و بدبختی‌ها به جز خاطره بی در ذهن چیزی باقی نمی‌ماند، آری من امروز تنها یادی از آن روزها می‌تایم و جز خاطره‌یی بیش چیزی در مخیله ندارم.

یادم است آن روز یکه مرا به

مکتب شامل ساختی و شبها نادیر برایم درس می‌آموختی و مرا به آینده امید واری کردی به خاطر دارم آن روزی که برای اولین بار پارچه ام را که در صنف اول بودم گرفتم و در خانه آوردم مرایی اختیار در آغوش کشیدی، و یکبار دیگر برایم ثابت شد که واقعا تو موجودی هستی قابل ستایش.

به ویژه توای پدر محبوبم، که برای آرامی من زندگی را به کام خود تلخ ساختی، بلی تنهایی، جدایی و دوری و همه ملال‌ها را متحمل شدی.

باز هم پرایت می‌نویسم، آیابه یاد داری هنگام رفتن را؟ بلی در حافظه هم هنوز هم باقیست آن روز بهاری هنگام غروب دامنه‌های ابر رنگ شقایق را به خود گرفته بود مانند این که عاشقی را کشته باشند که از خون او دامنه‌های ابر سرخ شده باشد، درخت هادر اثر وزش با دلرزه براندام داشت و شر شر آب که از لابلای درختان تپه به تندی سرازیر میشد موج می‌گرفت و می‌گذاشت نمایانگر آن بود که زندگی نیز چنان است که موج می‌گیرد و بالاخره از هم می‌باشد، لحظه‌ها می‌گذرند و خاطره‌ها باقی

نغمه دل

وای کاش مرا فردا های بیشمار می بود تا اندر آبادی میهنم جهان شرین، خودم را نثار میکردم.

وای کاش کودکی می بودم تا به صحرای سرخ شفق زار به پذیرایی کاروان سعادت گام می نهادم، و همگام با این کاروان به شهر زیبایی‌ها و شهر علم و عرفان برای یک زندگی واقعی می آمدم.

وای کاش ویرانه‌ها را به دست های خودم آباد میکردم، نه چنانکه مرغی را از داشتن کاشانه بسی نصیب میکردم، بلکه برای چوپه هایش نیز مخفی گاهی میساختم تا در زمان ترس و وحشت پناگاه می میشد برایشان رضایت بخش و خوش آیند.

وای کاش دهقانی را همواره میدیدم که با دستش دانه های هرزه را از میانه کشتش برمی چینه به دورش می افکند.

می ماند. بلی در همین روز زیبا بود که به خانه باز گشتی چهره ات نمایانگر آن بود که اندوه بزرگی را در دل نهفته میداری و می دیدی که رنج بدبختی همه به مارو آورده است، تو آن روز بیشتر از هر روز دگر مرا نوازش میکردی و گویا خود را مسئول میدانستی که برای آرامی و خوشبختی من و فراهم شدن زمینه درس و تعلیم جدایی و دوری را قبول کنی تا بتوانی شرایط را برای من مساعد سازی که خوب زندگی کنم، خوب بخوانم و به زندگی آینده امید وار باشم، بلی از نزد من به فرسنگ ها دور رفتی، دوری تو برایم طاقت فرسا بود اما آهسته آهسته عادت کردم.

اگر چه مانند تاریکی شب که همه درختان و کوه های سر به فلک کشیده و خورشید را به کام خود می کشند آرزو هایم به تیره گی گرایید، اما امروز تنها چیز یکه باز هم مسرا امید وار میسازد نامه های توست که برای رسیدن آن لحظه شماری می کنم، باز هم انتظار ترا می کشم و امیدوارم که روزی خواهی آمد.

یا در آن هنگام که آفتاب شعاع سوزا نشن را به رگ، رگ وجود توای دهقان می پاشید، ای کاش ابری می بودم و بر سرت سایه می انداختم.

وای کاش! طوفانی میشدم عظیم تالانه مفت خواران را با خشم ویران میکردم.

و چشمه نشان را از خواب غفلت بیکبار گی باز می نمودم و به کار و زحمت فرامیخواندمشان تا میدانستن که دهقان کیست و کار چیست.



ناهد (بشر دوست)

پاسخ‌ها، پرداختها و اسلوبها

نخست ، درود گرم ما تشار
دوستان و گرامیان باد !
و اما بعد ،

چون پاسخگوی پیشین یا یار
مهربان ما و دوست گرامی شما
مصرف و فیتهای فراوان دیگری داشتند
بارگران و پر مسوویت این صفحه
را به من کمینۀ کمترین سپردند.
یعنی پس از این من کمینه به پای
بزم سخنها و ترانه های شما خواهم
نشست و با یاری جستن از بر خی
کار کرد های خجسته آن دوست
عزیز به یاری شما دوستانه ران
صفحه (پاسخها) خواهم شتافت .
امید وارم که از مهربانیهای خسود
نگاهید و با فرستادن نامه های خوب
و خواندنی به رنگینی صفحه خود
بیفزایید .

از سوی دیگر ،

شما بهتر می دانید و آگاهید ،
که گپی به نام (سنت) هست ، و
گپی هم به نام (سنت شکنی) .
سنت اگر نیکو و پسندیده بود ،
می ماند ، دوام می یابد و به گونه ای
پرستیده می شود ، و اگر نباشد
خواهی نخواهی روزی و روزگاری
شکسته میشود و باید هم بشود و
بشکند ، زیرا چسبیدن به سنتی که
دیگر به ناهم مانی رسیده است و
تیره گی و تحجر ، نه تنها شایسته
تقدیس و پرستیدن نیست ، بل
سزاوار شکستن و از میان برداشتن
نیز هست . باری رسالت در آن
است که همچو سنتی باید شکستانده
شود .

روال یا شیوه کار در صفحه
«پاسخ به نامه ها» به گونه ای از
«سنت» مبدل شده بود سنتی ، که
تا مرزی پسندیده بود و تا مرزی

هم همراه با یکنواختی دوست
گرامی ما پاسخگوی پیشین از بس
که مصروف بود و مشغولیت داشت ،
نمی توانست برخی نامه ها را بسا
فراغت و بی شتاب بخواند و بسا
آرامش خاطر به تحلیل و تجزیه آن

ها پردازد ، یا گاهی در میانه کار
های دیگر و نامه های محبت آمیز
شما چنان غرق می شد که شما
نبر سید و ما تگو ییم . به هر حال ،
بیاییم بر سر گپهای دیگر .
من که چند گاهی به جای پاسخ-
گوی پیشین مسوویت بر سر-
صفحه (پاسخ به نامه های دوستانه)
دیروزی یا (پاسخها) پرداخته ام ،
عرایض و سخنهایی نیز دارم که
باید همین حالا با شما دوستانه
دوستانه ران این صفحه در میان
بگذارم و منتظر نظریات شما . بمانم
تا چه فرمایید و چه نویسید .

نخستین سخن این ، که ما گاهی
هر چند نا رسا در عرصه سنت شکنی
بر داشتیم و با سیاس فراوان از
کار کردهای پاسخگوی پیشین عنوان
صفحه را تغییر دادیم . چه می-
دیدیم ، که در این صفحه تنها مساله
پاسخ مطرح نیست ، بل مسایل
دیگری چون پرسش ، انتقاد ،
توضیح ، تفسیر ، نشر مستقیم و
بدون تصرف یگان نبشته ، گزینش
و نشر یگان پارچه شعر و مانند اینها
نیز مطرح است ، پس به دنبال
واژه «پاسخ» دو واژه دیگر «پردا-
ختها و اسلوبها» را نیز به جای
(نامه های دوستانه) افزودیم تا باز-
تاب راستین مطالب و موضوعهای
وابسته به این صفحه باشد . بیاییم
که نظر شما در این زمینه چیست .
دومین سخن این ، که در اسلوب
پاسخها نیز راهی تازه تر بر گزیدیم ،
باری گزینش این راه در نحوه پاسخ
ها و تحلیل نامه های شما نهفته
است ، امید واریم که مطلوب و
پسندیده واقع شود .

صومین و فرجامین سخن این
که در صمیمیت و بی ریا بودن با
دوستان و نیز در نتر سیدن از بد
خواهان و کژ اندیشان مانده شما
خواهیم بود . باشد ، بیاییم تا چه
پیش آید . اینک به امید یاریهای بی
دریغانه شما میپردازیم به پاسخ

و بررسی فرستاده هایتان .
نخستین نامه را ، که کشودیم ،
به نبشته یی زیبا از خالده لیب-
نیازی بر خوردیم این خواهر گرامی
ما نبشته خود را همراه با سلا می
گرم جهت نشر به صفحه ادبی مجله
فرستاده اند ، ولی ما آنرا در این
صفحه مناسبتر یا فتمیم ، باری پیش
از نشر این نوشته خوب ، یاد آور
می شویم که :

خواهر گرامی خالده لیب نیازی :
شما در نوشتن پارچه های منشور
ادبی استعداد و توانایی خوبی دارید
پارچه شعری را که در ذیل نامه خود
فرستاده اید ، نیز زیباست . ما
باور داریم که با مطالعه و پژوهش
گسترده تر شعر شما عران نامسور
معاصر ، استعداد شما بسیار زود
به شکو فایی میرسد و درخشش
بیشتری می یابد . اینک به امی-
سمکاری های دوامدار شما بخشی از
نوشته شما را با اندک تعدیل و تصرف
و شعر شما را بدون تصرف به نشر
می سپاریم ، شاد و سلا مست
باشید .

... در میان این دفتر گشوده در
مقابل من آنچه ، که در خورد مجله
ژوندون باشد ، نیست ، طبع نا-
رسای من کجا و چشم من شکاف و
پخته جوی شما کجا ؟ اما بگذارید
یکبار دیگر ، بجویم ، شاید پریشان
نقشی از یک آرزوی خفته را بیایم
و برایتان بفرستم .

آری ، همین از «هیچ» بهتر است
همین نظم گسسته محبت ، همین
جام شکسته مهر همین آرزوی خفته
در خاک و همین در جستجوی همصدای
خوب را با هم یکجا بخوانیم ...
من ترانه می نویسم ، ترانه ای که
همصداست و هم فریاد . صدا و
فریادی ، که همواره با من است و
مرا زنده میدارد ...

به من از عشق بگو

به من از عشق بگو

به من از قصه پر درد جدایی
هایش

ز آشنایی هایش
که تو تنها قصه گوی شب تنهای
منی
که از عشق هنوز
با تو بودن را میدانم و بس
نه جدایی ها را
و نه شبهای پریشان و بی
سامانی

آسمان دل من

با فروزانی مهتاب وفا

مظهر عاطفه و مهر و صفا ست

نه جدایی و فراق و هجران

نه کمین گاه شب تار جفا ست

تا جهان ابدیت دل عشاق یکپاست

با هم و بی همشان

هم زیبا ست

دوست عزیز عبدالقدوس (نهمین)

فراهی

سلام صمیمانه ما را نیز بپذیرید
نامه جالب شما را خواندیم ، بر-
عکس گفته شما هم (پخته) بود و هم
«پیام» داشت . به راستی تا هنوز
همچو مطلبی را نه شنیده بودیم و نه
خوانده . اما از برکت وجود و فیض
قلم شما هم خواندیم و هم شنیدیم
برادر محترم ، شما به کار بسا
با ارزشی پرداخته حتی به گونه ای
که در تحقیقات علمی نزدیک شده اید
کار و کوشش شما درین زمینه
بسیار پر بهاست ، و از رهگذر
خدمت به زبان ، به ویژه از نگار
خدمت در معرفی لهجه معمول و مروری
در محل و محیط مان ارزش خاص
دارد . بنابر این ، امید داریم به کمتر
نکته زیر توجه فرمایید :

۱- مقدار زیادی مثلا صد تا بیست
و سه صد یا تا هر چندی ، که
توانید از همین گونه واژه ها
فراهم بیاورید و جمع کنید ، بعد گردان
ها را به ترتیب الفبایی تنظیم نمایم .
آنگاه به شکلی که در ورق درج
نوشته اید ، بنویسید . و نیز اللف
ممکن باشد که هست یکبار بخوانیم
فرهنگها و لغتنا مه های معتبر
مانند (فرهنگ معین) و (لغت نامه
دهخدا) مراجعه کنید ، و شیوه کار

رکن زاده - آدمیت ، که سالها قبل به چاپ رسیده آگنده از نادریستی ها و اشتباهات و هیچ ضرورت نیست که برای رساله کم ارزش و پسر غلط استناد شود زیرا این رساله نه تنها در سنت راهنمایی نمی کند ، بل سبب تشویش و انحراف فکری خواننده نیز می گردد .

به پاسخ نامه بی شماره پیشین

با سخکو :

سلام ما بر تو باد ، پسر ادرخشمکین .
گیرم قلم شکست ، از زانترین قلم دیگر میخرم . خوب شد تکفید که فکر م فاسد شده است که آنوقت ((فکر دیگر خریدن)) مشکل تواند بود . این یکی که خبر خود را از گورستان گرفته است ، هیچی به من مربوط نیست ، نه طیبیم نه بیطار ، سراغ کس دیگری را بگیرد . با زهم عوضی دق الباب کرده اید خدمت حضور ، عرض شود که اینجا مجله ژوندون است و مجله شما را به مجله ((د کمکیا نو ا ینس)) معطوف میداریم . تنها به نزد قاضی رفته اید برادر عزیز . از آن تو همین ها و تحقیر ها که میگویند یکی آنرا مثال زنید .

شاید بگویند ((تشویق های بیجا چه کسی را هنر مند ساخته است .)) براستی کسی را هنر مند نساخته است ، اما میگویند ((در وجود هر انسانی هنر مندی خوابیده است و تنها آموزش و پرورش در ست این هنر مند را بیدار میکند)) کوشش نماید آن هنر مند درونی و جود را بیدار کنید و به تشویق ها بسپار حساب نکنید که دروغ مصلحت آمیز است ، راست میگویند ((هیچکس در اولین گام بر داری به منزل نمی رسد)) و باز را ست میگویند ((که هیچ کس در نخستین کار خود کامیاب نبوده است))

« سالها باید که تایک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بد خشان یا عقیق اندرین »

اگر در یک روز ، در چند شماره مجله ژوندون به تشویق ها کسی هنر مند میشود . بیا بیدار شو بت آسیای با به ثبت نام کنی و چندین شماره مجله را به سیاه مشق ها و تمرینات ادبی اختصاص میدهم تا دنیا گلزار شود و کشورمان پر از هنر مند . آدرس را یاد داشت کنید که این چانس طلایی با رد یگر میسر نیست .

مجله ژوندون - صندوق پرورش هنر مند - مربوط صفحه جواب نامه ها .
و میرسیم بر سر کلمه ((جیب)) که جنجال بر سر او - ست ، گفتیم دو کلمه جیب داریم یکی به معنی کیسه و خریده و دیگری به معنی گریبان و ...

و دلیلش گفتم که چرا کیسه و خریده پنداشته بودم و حالا شما بگویند و باز دیگر بفرهنگ عمید تا نمره جعه کنید که آیا کلمه جیب معنی کیسه و خریده را هم میدهد یا نه ؟
یا اینکه با سخکو آن معنی را از خود فرموده است و بقول شما از معده خود بیرون آورده است .

و گفتید مغز خام خود را بر تراز کامپیو تر دانسته ام . عجبا . فهم سخن گر نکند مستم -

قوت طبع ز متکلم مجوی

برا در بر آشفته ، در آنجا این چنین نوشته بودم ((... مغز بر تر از کامپیو ترم ! چنین سهوی را یاد داشت نکرده ...))
و خوب میدانید که آنجمله علامت تعجب به دنبال داشت و معنای جز شوخی و مطایبه چیز دیگری در نظر نبود و را ستش هم کسی نمیتواند با مغز کامپیو تر رقابت ورزد .

و خاضعانه عرض شود که منظور به رخ کشیدن سند و سجل نبود ، و آن گهی لیسانس شدن چه بها دارد که به رخ شما بکشم . والسلام

ها را در بخش تحلیل و ارایه يك واژه و معنای آن ببینید . دیدن این فرهنگها شما را یاری میدهد ، که واژه های خاص لهجه مورد نظر را با اسلوب بهتر و علمیتری بنگارید .

۲- هر گاه در امر بر آوردن نکته اول موفق شدید ، به نظر ما بهتر می نماید ، که با مدیریت مجله (فرهنگ مردم) تماس بگیرید ، چه جای نشر همچو مطالبی در آن مجله به خوبی و گسترده گی میباشد . استواری نثار گامهای تان باد ! و بیروزی نثار رها تان !

همکار گرامی حسین « فخری » :

پس از تقدیم سلام گرم متقابل و طلب صحت مندی برای شما این ، که : شعر شما را با عنوان « ستایش » دریافتیم و خواندیم . توانایی شعری شما ستایش انگیز است ، و لی در (وزن) کمی نارسایی دارید . به گونه مثال وزن چند مصرع در همین شعر شما بر هم خورده بود ، ما به اجازه شما آنرا اصلاح کردیم ، باری آنرا با اصلش که خواهی نخواهی نزد خود دارید ، مقایسه نمایید و ببینید که تا رسانی در کجا بوده است . از سوی دیگر ، اشعار شاعران بزرگ و شناخته شده را در همین زمینه بیشتر بخوانید . با خواندن چند دفتر شعر خوب از شاعران رسا - لئمند معاصر ، گامهای بلند در شعر و شاعری بر خواهید داشت . به امید همکاری همیشه گی شما .

ستایش

ای حزب قهرمان !

امروز ما همه به شکوه تو خیره ایم
ایمان پاک ما ز تو سیراب گشته است
فرزند پر حرارت و با همت تو ایم
در عمر کوچکت چه فراز و نشیب ها
بیکار ها که جمله ز فولاد و خار سخت
غولان زور و زر همه در صحنه ستیز
در پیش قوت همه بشکست و خاک گشت
هر چند يك و یا دو سه فرزند ناخلف
بر دامن مطهر و انسانی تو تاخت
هرگز نگشت مشعل پر نور تو خاموش
محروم گشت نا خلفان از همه شناخت
آری ستایش تو و تکریم تو به ما
فرض است چونکه تاز تو آبا د گشته ایم
ایکاش عمر مهلت آنرا به ما دهد
تا بار شانه های ترا باز کم کنیم
هم دشت های خشک و تب آلوده ترا
آباد و پر سخاوت و معمور و پر نسیم

دوست گرامی محمد ظاهر ایوبی متعلم صنف یازدهم ساینس لیسه

نگاه شریف

نکته نوشته خوب شما را دریافتیم و خواندیم . لطفاً به نکات زیر توجه

و مرور نمایید .

خاص ۱ - حسن کنجکاوی و نگاه جستجوگر شما سزاوار سپاس فراوان است .
یم به کمتر شاگردی پیدا میشود که چون شما به مسائل دانش و فرهنگ دقیق شود و دقایق موضوع های مهم علمی را کشف و درک نماید .
د تا این براین ، در حالی ، که احساس و ادراک شما را در این زمینه می که ستاییم ، انتظار داریم که از کار و پرداخت و مطالعه همیشگی خویش

علاوه کنید و با ارسال نوشته های بهتر و ستوده تر ما را شادمان بعد گردانید .
نمای ۲ - (فرهنگ عمید) و رساله (اغلاط مشهور) همان سان ، که شما رق در توجه شده اید از ارزش و اعتباری که فرهنگهای نظیر (فرهنگ معین نیز (لغت نامه دهخدا) و « برهان قاطع » دارند ، بی بهره اند . محققان و ر به دانشمندان زبده زبان دری به « فرهنگ عمید » و « اغلاط مشهور » تو معتبسی ندارند و براین دوتا استناد نمی ورزند . همین امر ، همین آن است ، فت ناکه ارزش علمی « فرهنگ عمید » و به خصوص (اغلاط مشهور) بسیار کم . کار محدود است . از سوی دیگر ، رساله « اغلاط مشهور » فراهم آورده



خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

بس است

عزیزم در راباز کرده ام خوش باشی که خانم در خانه نیست .



برسا نمتان !

نی امروز ناوقت شده خودم پیاده میرم بای، بای !

فقط يك دالر داشت

اسکا تلندی پسرش را بگوشه یی انجام بد می و پولت را خرج خواست و با عصا نیت گفت : کنی...
- پسر خجالت بکش... خوب ، حالا بگو دیشب چقدر
- چرا پدر... برای چه خجالت پول خرج کردی !
پسر جوان جواب داد :
- پدر فقط يك دالر !
تو مطمئینی که بیشتر خرج نکردی ؟
- بلی پدر جان... مطمئن
میشم چون آن دختر يك بیشتر از این پول همراه نداشت !!
من مخالفم که این کار را بی جهت

خانه را آتش گرفت

نمایش بجای حساسی خود تمام شد بود که ناگهان خانم از جای پریده و وحشت زده به شوهرش گفت :
- عزیزم... میدانی... من یادم رفته که وال سیا کبوت اتوی برقی را از اتاق خواب بکشم...
زود شو تا خانه را آتش نگرفته بیندم .
خود را به منزل برسانیم ! شوهر با خوشنوی جوانم
بداد :
نگران نباش عزیزم... خانم را آتش نخواهد گرفت .
چرا چه شده ؟
برای اینکه منم اتفاقاً یاد رفته که شیر دهن تشناب

مرد کو بائی در یکی از رستورانهای امریکا ، مشروب زیاده خورده بود ، بطوریکه بزحمست میتوانست سر پای خود استاده شود... ولی بازهم به پیشخدمت سفارش مشروب را میداد... پیشخدمت رو به او کرد و گفت : ولی اقا ، بهتر است که دیگر مشروب را بس کنید .

کو بای پرسید :

- چرا... برای چه ؟

- چون شما بسیار مست هستید !

کو بای خنده یی کرد و گفت :

- نی جانم... هیچ اینطور نیست...

من کاملاً به هوش و هوشیارم...

برای اینکه آن گر به د مشرا بلند کرده و می خواهد از هتل خارج شود !!



بدون شرح

اشتراک در اولین مسابقه

شاگردان ملا نصرالدین

-۲-

واقعۀ جهانی - حادثۀ ای که
دعایانهای پر خنده را بسته
کرد ، چشمهای بی آب را بگریه
آورد ، جوانها را پیر ساخت
و پیرها را جوان . نمیدانم
بکدام زبان این واقعۀ خطرناک
را برایتان بازگو نمایم ؟ آیا
با همین زبانی که درد هنرم
است ؟

نی - خدا این زبان را تنه
بسا زد که آن حادثۀ را بیان
کرده بتواند .

اما ... اما ... دردا ... و ...
در یغا -

چه درد سرتان بد هم ...
بلی در همین موقع حساس
بود که یک نفر ناشناس «سر
کرده میدان» لم داده آمد و با
صدای وحشتناک خود گفت :
«مسابقۀ امروز خلاص شد» این
بود حادثۀ ای که همه قلبها
را ایستاد و معدهها را از خنده
بازماند ، آن واقعۀ هولناک .
با شنیدن این گپ متوحش همه
کارکنان و تماشاچیان با دهن
های پر خنده و چشمهای پر اشک
بسوی (ریل خنده) روان شدند .
من هم رفته به یک اطاق ریل
بالا شدم ، اما بعد از مدتی دیدم
که درین اطاق همه هنرمندان
و شاگردان بودند و این
اتاق مخصوص بود .
درینجا من با اعضای فعال
(اتحادیۀ فکاهی) یعنی در و غکو
ها ، دیوانهها و لافوکهها آشنا
شدم .

عجب جانی بود . در چو کی
پیشرویم دیوانهها که ریاست
اتحادیۀ رابه عهده داشتند نشسته
بودند .

موتوردر حرکت و همه کس
مشغول خود . که دیوانۀ پیشرویم
از جایش برخاست و روشرا
سوی من دور داد و گفت : او... او...
سلام احمد جان موهایت تغییر
کرده .

اعصابم خراب شد فریاد
زدم : میبخشید نام احمد نیست
نام من لبوک است .

دیوانه گفت : او نامتان هم
تغییر کرده .

بقیه در صفحه ۵۱

خون بود برایم گفت که :
امروز ز زخم به من سفارش داد
که چار ساعت وقت ترا از دفتر
بیرون شوم و چون در سینما
«پول پرست» فلم تازه وارد
هندی بنام «سبوس» که سراپا
رنکین و دارای محتوای عالی
و بسیار بلندگرا کنند . می
باشد ، چار قطعه تکت برای دونفر
بگیرم . با وجود آنکه یک پول هم
نداشتم ، بخاطر یک سخن خانم
صاحب را بزمین نه انداخته
باشم پول چار قطعه تکت و چپس
گرم را قرض کردم .
اما در نیمه راه خدا خیر ندهد
این (کیسه بر) های مزاقی
را که جیبهایم را خالی کرده
بود .

ناچار با دستهای خالی
بخانه رفتم و خانم با دار بدون
آنکه دلیل یا سختم را بشنود دید
که تکت نکر فته ام مرا به این
حال انداخت می ... می
هو... هو... هو... هو... او را
بگریه ای خودش گذاشتم و چیزی
نگفتم و خودم رفتم که کارروایی
های دیگر شاگردان ملا نصر-
الدین را تماشا نمایم . و همه
تماشاچیان با دلچسپی خاص
متوجه نمایشات بی نظیر بودند .
اما درین موقع حساس که
همه با چهار و نیم چشم به سوی
هنرمندان ؟ متوجه بودند
حادثۀ بز رگی در میدان بوقوع
پیوست . حادثۀ ای که همه را
تکان داد ، واقعۀ دلخراشو
گشتند که تماچیان را چارده
متر از جا پراند .

بلی بلی زبان قادر
به بیان کردن آن نیست .

و گپهای کلان کلان و خوردخورد به
کلانی زبان مورچه و به خوردی
کو ه هندو کش جور می کنند و
بیچاره زنهای دخترها را عصبانی
می سازند .

اما من به شاگردان ملا نصیحت
کردم که متوجه باشند که بعد ازین
دخترها و زنهای را چیز ی نکویند
و اگر نه موی کنک خواهند
شد و یا پوست و روی شان پرت
پرت .

اما که گپ را بشنود و قبول کند
هنوز می خواستم که بیشتر
نصیحت شان کنم که کمی دور تر
از من دو نفر پیس پیسک می
کردند ، یکی از دیگری می پرسید
که رادیو مونث است یا مذکر ؟ .

دو می جواب داد . مونث .
اولی باز پرسید که چرا ؟
دو می گفت : بخاطر یک رادیو
از صبح تا خفتن گپ می زند و هیچ
خسته نمی شود . بخاطر این مونث
است .

اعصابم خراب شد بسوی آندو
دویدم ، آن نفر را با لا کرده
و خود را بزمین زدم و از پیش آن
نفر فرار نمودم ،
درین میان شخصی پیشرویم
آمد و گفت : چرا اینطور می
گریزی ؟ نی که زنت با جا رود و
پشتت روان است ؟ وضع مرا خود
تان حدس می زنید .

بهر حال : من رفتم و به یک
کنج میدان از ترس پنهان شدم
که صدای غالمغال و داد و فریاد
یک نفر بلند گردید . طاقتم نیامد
بسویش رفته و از وی جو یا
شدم که چه گپ است ؟

در حالیکه سرو کله اش پر

در قسمت دیگر میدان رجب خان
در حالیکه (سکرت لایتری)
بدست دارد و کمی متأثر بنظر
می رسد بسوی عجب خان می
رود و به وی می گوید :
فکر نمی کنی سکرت لایتری
جای گوگرد را بگیرد ؟
عجب خان با پو زخندی به
وسعت غارهای بینی اش جواب
می دهد :

احمق نشو - کی می تواند که
با سکرت لایتری دندانها و
گوشهایش را پاک کند ؟
رجب خان با شنیدن این
جواب امیدوار کنند از خنده
خیزد که می زند و به همان راه که
آمده پس می رود .

در گوشۀ دیگر میدان چند
نفر از شاگردهای ملا با هم
تجمع شده بودند و صحبت از دوازده
ماه می کردند .

یکی از آنها از دیگری پرسید :
توجه ماهی را بیش از سایر
ماهها دوست داری ؟

او بلافاصله جواب می
دهد :

ماه حوت را .

اولی با تعجب (دهن باز کن)
پرسید :

از نظر تو ماه حوت چه مزیتی
دارد ؟

دومی گویی که شبها دتنا مه
فیلسوفی را گرفته جواب داد :
هیچ ، چون ماه حوت ۲۹ روز
است و یک روز زمین کمتر گرفتار
خاکستر خوری می شوم .

خدا انصاف بدهد شاگردان
ملا را با استادشان که همیشه
بشت زنهای پرو پا گند می کنند

پنججاه سال مبارزه...

۶۰ فیصد نیروی بشری رادزرراعت زنان تشکیل میدهد. آنها وظایف مهم رادر زراعت، نگهداری حیوانات و اقتصاد کشور ایفا میکنند. قابل یادآور است که هشتاد فیصد زنان در امور تجارب و چهل فیصدشان در کارهای صنعتی اشتغال دارند. بهمین منوال شصت فیصد کارکنان تعلیم و تربیه صحت و تجارت دولتی را زنان احتوا میکنند. انکشاف سریع کادرنان در ساینس و تکنالوژی نیز چشمگیر است در سال ۱۹۵۶ تعداد قلیل زنان درین ساحه فعالیت داشتند در حالیکه امروز بده ها هزار زن درین رشته مصروفیت دارند. ناگفته نباید گذاشت که چهل فیصد از انجیران انکشور رازن تشکیل میدهد آنها موفقانه به تحقیقات علمی می پردازند دوکتوران و ادویه سازان مقدم بر هم توجه شانرا به صحت طفل و مادر معطوف میدارند. تعداد قابل توجه آنها به ساختن ماشین آلات فلز کاری - آپرسانی - ترانسپورت و صنعت برق مصروفیت دارند در ساحه تعلیم و تربیه زنان فعالانه در تحرك دو جهت کار مینمایند. در تدریس خوب و فرا گرفتن خوب، در ساحه ادبیات و هنر زنان کارشانرا با علاقه و اشتیاق بکارهای خلافانه وقف نموده و همه روزه در تلاش آند تا توانائی هاو استعداد های شانرا در خدمت مردم بکار بیاند ازند. بدینوسیله فعالیت های انقلابی بسیاری از کادر های زنان ابد یده شده و امروز مقام قابل ملاحظهئی را در رهبری دولست - اقتصاد و اجتماع بدست آورده اند. در نخستین دوره مقننه اسمبله ملی فیصدی اعضای انات پارلمان را (۲۴۸) احتوا مینمود در حالیکه در ششمین دوره مقننه در سال ۱۹۷۶ فیصدی شان به (۲۶۹) ارتقا نمود. در تمام سطوح شوراهای مردمی فیصدی نمایندگی زنان به ۲۷ تا ۳۰ فیصد میرسد. در ویتنام امروز ۲۳ نفر از وزرا ۲ معاونین و رهبران دولتی را زنان تشکیل میدهند. جمهوری سوسیالیستی ویتنام در صدد آن است تا شرایطی را برای زنان فراهم نماید که آنان بتوانند وظایف شانرا بمثابة يك مادر خوب بسر رسانیده اطفال شانرا بشکل درست تربیه نموده و آنها را منحصی افراد صالح به جامعه تقدیم نمایند. اتحادیه زنان ویتنام که توجه اولیاش را

به پرابلیم های مربوط به فامیل و تربیه اطفال مبدول میدارد نقش مهمی را درین ساحه ایفا نموده است. ملیون ها مادر ویتنامی اطفال شانرا بمثابة افراد با استعداد و شجاع جامعه تربیه کرده اند. هوجی مین باری در مورد زنان ویتنام گفته بود: «مردم ما به مادران دو منطقه کشور ماچه شمال و چه جنوب بغاطر بمیان آوردن و تربیه يك نسل کامل فرمان سیاس بیکرانی را مدیون اند». علی الرغم آنکه پنجاه سال مبارزه انقلابی يك دوره طولانی نیست لیکن این دوره گویای تغییرات ژرف انقلابی است که مشخصه زندگی زنان کشور ویتنام را تشکیل میدهد.

اتحادیه زنان ویتنام بعیت فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان مانند همه زنان مترقی گیتی بالاخص زنان اتحاد شوروی و جامعه سوسیالیستی بغاطر همبستگی کار و بیکار نموده و از آن پشتیبانی بعمل آورده اند، اتحادیه مزبور با همه نیرو و توانش از مبارزات انقلابی زنان همه کشور ها - از مبارزات عادلانه مردم جهان بغاطر صلح - آزادی ملی دموکراسی و ترقی اجتماعی پشتیبانی نموده است.

واقعات مهم...

پس از آنکه رهبری نا تو اعلام کرد که راکت های هسته ای میان برد امریکایی را در اروپای غربی مستقر خواهند ساخت، در سراسر اروپای غربی و امریکا اعتراضات براه افتاد. تظاهرات سرخپوستان امریکا برابر احقاق حقوق شان از جمله رویداد های مهم امریکا ست و راه پیمایی گسترده نمودند و حقایق تکان دهنده این مدافعان حقوق بشر را (!) فاش کردند. سران ۹ کشور عضو بازار مشترک اروپا در لکسمبورگ گرد یکدیگر جمع شدند هدف شان اتخاذ سیاست مشترک در برابر يك رشته مسایل مهمی بود که در برابر آنها قرار داشت اما هیچ گونه تدابیر نتوانست، بحران های گوناگون این بازار را چاره سازی

جستجو برای...

«موزا زو لک» که یکی از منا طوق کو هستانی را در آنکشور احتوا مینماید امکانات خوبی برای برمه کاری چاه های نفت و گاز موجود بوده است. طبق پرو گرام مرتبه در حوزه های «براهما - پوترا، ترا پپو را، گا شچا ر و میگالایا» واقع در ایالت اسام هند به اعماق مختلف امور برمه کاری واستخراج نفت و گاز زروی دست گرفته و بشدت جریانی دارد. هم چنان در ینگال غربی نیز چندین چاه نفت به عمق های متنوع حفر و آماده بهره برداری شده است. در حال حاضر تحت نظر جیو لو جستان کاردردو چاه جدید الاحداث این منطقه بشدت جریانی دارد قرار است تا او اسط تا بستان سال آینده کاملاً آماده گردد. در ایالت اندیرا پردیش هند نیز در چاه های نفت و گاز کار جریانی دارد.

نماید. آنچه از سال ۱۹۸۱ آموختیم مارا یاری میدهد تا به فردا ها، فردای شگوفان دل ببندیم و هجا های رنگین خوشبختی را تکرار نماییم، سال ۱۹۸۲، سال پیروزی های بزرگ نیرو های صلح، دموکراسی ترقی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان خواهد بود و سال اعتبار بیشتر عناصر اساسی انقلابی جهان و سال کاهش مناقشات بین المللی. خلقهای جهان بشمول خلقهای افغانستان انقلابی در ساختن تاریخ آینده گامهای نوی خواهند برداشت. اکنون در آستانه سال نو عیسوی سال ۱۹۸۲ فصل نو و بهار دگر بآ آن همه عظمت آن گرامی میداریم!

بطور یک در اوایل سال (۱۹۸۱) در این محل يك چاه نفت مورد بهره برداری قرار گرفته و گفته میشود پلان برای حفر چاه های متعدد دیگر نیز در این منطقه روید ست گرفته خواهد شد. دانشمندان و جیو لو جستان امور معادن و کروی جیالو جستانکشور تا اوایل ماه جولان (۱۹۸۱) اضافه از (۳۹) چاه نفت و گاز را در ایالت گجرات (۸) چاه را در ایالت اسام و يك چاه نفت و گاز رادر ایالت «نگالند» کشف برای بهره برداری آماده ساختن ساخته اند.

تثبیت و استخراج و بهره برداری از چاه های سواحل ابحار در کشور هند انقدر سابقه طولانی نداشته و بلکه یکی از پروژه های جدید الاحداث در سکتور استخراج نفت و گاز محسوب میگردد. اولین چاه نفت این پروژه در ماه فبرواری سال (۱۹۷۴) در سواحل بمبئی به فعالیت شروع نمود و اما کارهای تولیدات تجارتی در ماه می سال (۱۹۷۶) آغاز گردید در سال های اول حجم مجموع استخراج نفت از این معدن روزانه به (۵۰۰۰) بیرل هیر سیند لیکن اینک امروز حجم مجموعی تولیدات در روز به بیش از (۱۰۰۰۰) هزار (بیرل) بالغ میگردد. بر حسب راپورهای تازه در حال حاضر حجم تولیدات و بهره برداری از چاه های ساحلی آنکشور سالانه به اضافه هشت میلیون تن میرسد که در ماهی هر روز حجم آن (۵۰۰۰۰) بیرل خواهد بود. چاه جدید یکی از بهترین تازگی ها در نزدیکی شهر بمبئی کشف و به تولید آغا زکرتیاری است بدون شک حجم استحصال نفت را در آنکشور تا سال ۱۹۸۵) دو چند خواهد ساخت.

(ترجمه م - مروت)

شیوه‌های اولی طبابت در بلغاریای باستان



تصویری از یک محقق و طبیب دوره های باستانی بلغاریا .

بین می برد . یو تانیا باگرایش به مسیحیت قبل ازان بلغاری هارا از نستان و جود در روزه‌های چهار شنبه و جمعه منع کرده بودند .

همین اکنون معلومات و سیعی در باره این موضوع توسط دانشمندان گرد آ وری شده که مردم بلغاریای باستان چگونه جمجمه ر عملیات می کردند و در شگافتن جمجمه از چه روش ها و چه و سایل کار می گرفتند . عملیات و شگافتن جمجمه چه از نگاه تصورات آنها در مورد و جود مرض و چه از نگاه بلند رفتن سطح معلومات شان در زمینه جراحی و ساختن اعضای و جود انسان و همچنان آمدن بهبود در تکنیک عملیات دارای اهمیت بخصوص است . شگافتن جمجمه بعد از زخم

بر داشتن سر در جنگ سبب شد تا در بخش جراحی و انکشاف چشمگیر طبابت، پیشرفت های زیادی بدست آید . و سایل خشن و

ابتدایی جراحی آن زمان برای چنین عملیات دقیق عبارت بود از سنگ چقماق ، شاخ آهو،

پوست سنگ پشت و آهال آن که در مرور زمان جای این و سایل را آلات دقیق و

پیشرفته جراحی گرفت و با آن تراش استخوان و داغ کردن آن نیز بمیان آمد .

داغ کردن قسمت های آسیب دیده جمجمه یا (موخا) بعیت یک روش جراحی پیشتر توسط

ترکها در این حوزه بکار می رفت اما بعدا مردم بلغاریا آنرا در سراسر بالقان رواج دادند . آنها برای داغ کردن واز بین بردن

عوارض مریضی از ریشه بویا ، پشم آلوده با جربو و انواع دیگر روغن باب کار می گرفتند

همچنان گیا هها و سبزی باب بعیت وسیله پیبوشی بکار گرفته میشد .

چون در جنگ ها سر و جمجمه جنگجویان بیشتر صدمه و جراحت بر میداشت ، لذا ضرورت تدای عاجل و عملیات آن به

اصطلاح امروزی جراحی جمجمه از یاد انکشاف داد و وسایل جدید طبی در خدمت گرفته شد .

یک جمجمه مربوط قرن ۸ و ۹ میلادی که از سوویچ بدست آمده و توسط دانشمندی بنام

بوریف مورد کاوش علمی قرار گرفته است، بوضاحت نشان مید هد که با مهارت تمام

قسمت آسیب دیده آن جراحی شده و تدای گردیده است عمق قسمت جراحی شده این

جمجمه و شگافتن منظم آن نشان می دهد که جراحان آنوقت بلغاریا در این رشته پیشرفت

خوبی کرده بودند .

در شهر های بلغاریا - سووار ، زو گنین و بلیار ساخته شد .

کاوشهای که در قسمت پائین وسط یکی از بنا های معتبر آن زمان بنام قصر سفید صورت گرفته ، نشان میدهد که این

قصر دارای تسهیلات مرکز گرمی بسوده است . همچنان در فرش این قصر تل های

سفالین وجود دارد که از آنها آب بصورت افقی و عمودی بهر طرف جریان می یافت .

بنایای عین سیستم در شهر بلیار نیز پیدا شده است . خصوصا مرکز گرمی آن از نمونه

مرکز گرمی می باشد که قبلا رو من ها آنرا بکار می بردند .

همچنان تسهیلات و قایوی و بهداشتی به پیمانه و سیم در مراکز شهر های پلیتکا و

برسلاف بلغاریا و جود داشته است . در بخش غربی قصر کوچک پلیسکا و بر سلاف

بلغاریا و جود داشته است . در بخش غربی قصر کوچک پلیسکا کار شناسان بلغاریای

منازل بزرگ آبی ، دو حوض و یک مرکز مواد فاضله ساخته بودند که بخشی از

ساختمان این قصر را تشکیل میداد و حوض ها چنان پخته و اساسی ساخته شده بود

که ازان هرگز آب نفوذ کرده نمی توانست تسهیلات رسانیدن آب، گرم ساختن منزل

و حمام تقریبا جزء هر محل مسکونی آنوقت بود .

گسترش خدمات بهداشتی نسل های بنیانگذار بلغاریای امروز ، در مرور زمان شیوه های متنوع سازی نستان و جود را از

علاق تجارتنی و میا دلات فرهنگی، پرورش مواسی و همچنان ز راعت و صنایع دستی و محلی ، باعث آن شد تا علاقمندی به علوم طبیعی ، طبابت و وسایل مربوط به صحت و امراض ، شفا یابی و سایر مسایل مربوط به معالجه شیوه های مقد ماتی تدای و خدمات صحتی پیدا شود و این بخش مهم زندگی مورد مطالعه قرار گیرد . مردم مان اولی بلغاریا عقیده داشتند که بعضی سنگ ها دارای مواد اعجاب انگیز شفا بخش می باشند . جواب شماره ۶۲ پاپ نیکولاس اول که «بلغاریایی هاستگی یافته اند که بعضی اوقات علالت را رفع و بعضی اوقات نمی کنند نشان می دهد که اعتقاد به سحر بصورت متوازی با تجارب عملی در زمینه تدای پیش رفته است . او این کتله های مقیم در بلغاریا

از میدگی سنگ های مدارا و از سه کیلو متری آن یعنی از میدگی سنگ تیغه های نزدیک قریه کالو گیر تسا برای شفا یابی استفاده می کردند . تا آخر قرن ۱۹ در

طبابت عنعنوی بلغاریا از ریگ سرخ برای رفع ضعف و دفع اثر (چشم بد) استفاده

می کردند ، ریگ سرخ و یا خاک سرخ بنام (ارکیلا روپرا) بعد از میده کردن در آب

و یا مشروب حل شده و بیمار آنرا صرف می کرد . این رسم برای مدت طولانی وجود

داشت ، با این اعتقاد که سنگ سرخ حاوی مواد مفید بوده و هم از نگاه اعتقاد مردم باین

باور بودند که صرف آن صحت آنها را بهبود می بخشد .

اما در مرور زمان اعتقاد و رسوم جایش را به مشاهدات ، تجارب و بکار بردن مواد مفید و آرایش شده داد .

همان بود که بنا های بزرگ در گریت- و لکان و پسانتر در منطقه دانیوب بلغاریا ساخته شد . سیستم های زیر زمینی آب

رسانی بمیان آمده ، همین اکنون بقایای بسیاری از این گونه تل های زیر زمینی در

بلغاریا و جود دارد که نشان میدهد آب بصورت بسیار مصنوعی و صحتی به منازل و محلات انتقال می یافت . حوض ها و فواره ها

اکنون مطالعات تاریخی را در باره فرهنگ کشور و یاجا معه و قتی کامل میداند شامل تمام بخشهای زندگی و موضوعات که شیوه زندگی آنرا خصوصیت بارز می بخشد ، روش ، مواد و وسایلی که تدای مردم یک سرزمین همزمان با آغاز نکالند، می فرهنگی آن بکار میرفته ، گواه بسیار آماده است از اینکه فرهنگ آن جا معه در و یا مراحل بعدی در کدام سطح و معیار داشته است . زیرا تا مین صحت و سلامت مردم همیشه موضوع اولی است اما هر جا معه در زمینه همه قابلیت و تدابیر ساقی در بکار می برد و کمتر فرو گذاشتی درین زمینه صورت می گیرد . لذا آشنایی با شیوه تدای و وسایل تدای توده های اولی ، بنیان جوامع بعدی را گذاشته اند ، در یافت آشنایی با معیار فرهنگی مردم آن زمان چاست و این بخش امروز خصوصا با علاقمندی بیرونی و داخلی می شود .



مردمان اولی بلغاریا عقیده داشتند که از بعضی سنگ ها به عنوان دوا و شفا بخش استفاده کنند .

باینصورت مطالعه همه جانبه تاریخ متضمن که معلومات در باره معیار صحتی و روش های

تدای در بخش تدای قبایل و ملل مورد جدید یافت می باشد . کشور بلغاریا درین زمینه

یکی شهمترین مثال است . تاسیس اولین دولت بلغاریا در ۶۸۱ میلادی سر آغاز زیست

تحصیلاتی رشد فرهنگ مردم این کشور مطالعه فواره های بزرگ ساختمانی، توسعه

هنر و مردم

ابتدائی گسب علم میکرد ، به رسامی و نقاشی علاقه داشت و گاهی با کشیدن تصویر و صورت طبیعت عطر هنر مندی خود را فرو می نشاند ، و لی این استعداد همواره با وی بود و از چند وقت بابتطرف است که در خلال کار های رسمی به ترسیم تا پلوی های میناتور می و رزد وی از مکتب بیزاد نقاش معروف و استاد بی نظیر کشور در قرن نهم پیروی می کند ، بدون تردید این هنرمند با استعداد جوان به پشتکار خود



يك نمونه از کار های میناتورى حیدری

معرفی میناتور است جوان



نورعلي (حیدری)

هوای فرحبخش ، زیبایی های طبیعت کشور ما در جهان نظیر ندارد و این خصوصیت طبیعی باعث گردیده است استعداد های شگرف در رشته های فرهنگ و ادب پرورش بیابد و به رشد کمال و جوانی برسد ، استعداد های جوانان در هر گنج و کنار و طن عزیز موجود است و بدون شک به اندک تقدیر و نوازش و پرورش تبارز می کند ، وادی های سر سبز و شا داب ، آبخاران نوحه گر و دم ساز فضای صاف و تفره نام همه هنر آفرین است ، چه بسا استعداد های که بدون رهتیا و استاد از طبیعت الهام می گیرد و در تخلیق آثار باعث اعجاب دیگران می گردد ، از زمره همچو گامهای طبیعی و خود رو از کلی نام می بریم که در دامان وادی های پر جلال و عظمت بامیان ، پرورش یافته و کمال هنری خود را از طبیعت باز یافته ، این هنر منده

نورعلي حیدری نام دارد در قریه شا داب و مملو از گل وریاحین خدای ترکمن سرخ پارسا دیده به جهان گشوده است ، حیدری که تحصیلات ابتدائی خود را در مکتب خدای و تعلیمات متوسط خویش را تاصنف دوازده در کابل تکمیل کرده است فعلا بعیت معاون توزیع کتاب خانه عامه کابل مصروف کار است . وی که آرزوی زیاد تحصیلات عالی را بدل می پروراند به نسبت ضعف اقتصادی نتوانست به آرزویش برسد وی جوانی است متواضع خوش معاشرت و پابند بوظیفه و مسلک ، حیدری از طفولیت که هنوز در سنوف

چندی قبل نما یش ر ستمهای که از طرف هنر مند هندی بنا م آمده آهو جا تهیه شده بود در اطاق دوستی مسکو بمعرض نما یش گذاشته شده و توجه علاقه مندان هنر و دو ستدا را ن حرفوی را بخود جلب نمود .

نقطه جالب در کار هنری آمنة چه بود ؟

شکل ترکیب و شیوه رنگ آمیزی و شکل خیلی عادی و ابتدائی را دارد . طور مثال اگر در وسط سالون بیننده قرار میگیرد و به دور ادور ندارد تـسـون نظر اندازی نماید به سهولت میتواند تمام ساختن حیوان و پرند ه های نقاشی شده را با استفاد ه شیوه خاص که بکمک رنگ هندی بکار برده ببیند . آمنة آهو جابه شیوه و سبک سابقه

دودمان حیوانات را بشکل حقیقی و واقعی آن مجسم و خلق مینماید تماشاچی بخوبی میتواند درک نماید که حیوانات و پرند ه ها شروع بگپ زدن مینماید ، و آنها نظر متفکرین بزرگ را مانند



آمنة آهو جا آرتیست هنر بالباس کنوا تس (لباس مخصوص رسامی)

ژوندون



نمونه از هنر آینه آحوجا هنر مندهندو ستانی که در آفرینش هنر خود از حروف دری - عربی و روسی استفاده نموده است .

کو لو ز یا کیلا ز (تصویری که از ترکیب طور غیر عادی یا رجهای کاغذ، تکه و ساقه گندم ساخته شده باشد) یکی از اشکال مشکل آرت است که از عهده این کار تعداد محدودی مو فقا نه بر آمده میتواند در حالیکه آینه کاغذ درین نوع دو لسینا که از نما یشگاه دین هنر مسلط است آینه در اجرای بعمل آورد در باره هنر آینه گفت این هنر از مهارت خاصی بابکار

انداختن انگشتان ما هر زمانه خود از سنگهای خورد و ریزه برگ ها، ملمع کاری و پر قو طوری استفاده بعمل می آید که درک را از آورد اش به آسانی صورت میگرد .

و من به جرات میتوان گفت که قدرت کار آینه مرا وادار می سازد که در اجرای امور محوله

خویش با تلاش زیاد کار نمائیم هنر آینه شامل معانی و پهلوهایی مختلف از قبیل احساس حقوق و وظایف، پوشش برای انسانیت، دوستی و تفقد است آینه در کار هنری خود وظایف هنری و رنگهای متنوع را مو فقا نه بکار برده است .

۶۰ - ۱۱ - ۲۳

یغجینیا سیمونووا ستاره زیبای

سینمای شوروی

انگلیسی بود . وی میگوید که بزبان انگلیسی علاقه خاصی دارد و خوش دارد لغات های جدید انگلیسی را بیرون نویسد و از یاد نماید . یکی از خاطرات واضح تیاتر وی نیز با علاقه وی به انگلیسی ارتباط میگیرد یعنی اینکه وی چهار سال داشت برای تماشای درام (رومئو و جولیت) در تیاتر

سیار شکسپیر رفت و برای مدت زیادی بعد از آن وقت وی و برادر بزرگش یوری در مقابل اقارب شان آنچه را که در تیاتر دیده بودند اکت می کردند ، بدین ترتیب زمانی که وی طفل بود تیاتر قسمتی از زندگی اش را تشکیل میداد .

بقیه در صفحه ۵۳



یغجینیا سیمونووا در اوج شهرت قرار دارد.

یغجینیا سیمونووا) يك ستاره زیبای و با استعداد سینمای شوروی می باشد که فلم های وی در کشور های مختلف جهان بنمایش گذاشته شده و شهرت زیادی را کسب نموده است . وی باگروپ ستارگان سینمای شوروی به امریکای لاتین ، فرانسه ، سوئیس ، استرالیا ، د نمارک و چکوسلواکیا مسافرت های نموده و یگرمی استقبال گردیده است . (سیمونووا) طی يك مصاحبه اظهار داشت که باکار های خود ادامه خواهد داد و از آن راضی می باشد . وی می افزاید که تنها راه ستاره بودن آموزش و پرورش مداوم وجود احساسات است . سال گذشته وی در دو فلم رول های اول را بازی نموده و مشغول شوینگ دو فلم دیگر بود و اکنون از اینکه کار عایش کم است راحت به نظر میرسد مگر اکتور ها تمایل بخود نیستند و سیمو نووا نیز استثنا بوده نمی تواند . پیشه غبط آوری در قدم اول مربوط به توانایی وی در انجام کار عایش و بر آمدن از عهده آن و بلند رفتن به درجات بلند می باشد . چنینکه مردم در باره سیمو نووا سخن می زنند همه بخاطر می آورند که وی اولین بار شامل مکتب تیاتر شوکین گردید و نخستین موفقیت فلمی خود را در سن هفده سالگی بدست

سیمو نووا اعتراف می کند که اگر وی قادر به کسب موفقیت در امتحان مکتب تیاتر شوکین نمی شد در آن صورت شامل انستیتوت پداگوژی می شد تا یک معلم و یا اینکه ترجمان شود مانند مادرش که وی نیز معلم زبان



از مجله ورلد هیلث

مترجم: علی زاد

مبارزه مردمان جهان علیه امراض کشنده‌ساری که باعث وفیات ملیونها طفل در سال میشوند پیروز شدنیست

این خدمات شان جزء اساسی
و عمده کمپای اولیه حفظ الصحی
ویک سترا تیزی کاملاً نو یکن
انقلابی جهان تطبیق پیروزمندانه
اعلامیه سازمان صحی جهان که
در آن گفته شده :

بسان سالهای گذشته در سال
جاری نیز در کشورهای در حال
رشد ملیونها طفل از اثر امراض
ساری که در کشورهای انکشاف
یافته کاملاً از بین رفته اند
چانهایی شیرین شان را از دست
خواهند داد. جهت از بین بردن
این نابرابری اشکار تمامی ملل
عضو سازمان صحی جهان هر
گونه آماده گیشان را جهت
تدارک خدمات معافیت برای
هر کودک در سراسر جهان تا
سال ۱۹۹۰ ابراز داشته اند که

((صحت برای همه تاسال دو
هزار عیسوی)) تلقی میگردد.
هم اکنون پروگرام وسیع معاف
فیتی بر ضد شش بیماری (زمان
طفولیت (دیفتیری، سیاه سرفه،
تیتانوس سرخکان، فلج
اطفال و تو بر کلو ز (سل) روی
دست است که مطابق به آن تمامی
کشورها خواهند توانست از
واکسین های ضد بیماری
فوق الذکر استفاده لازم نموده
همچنان زمینه تحقیقات بیشتر را

در جهت تهیه واکسین های جدید
تر و موثرتر مساعد گردانند
قابل یاد دهانی مینماید که
سالها نه بر علاوه پنج ملیون
طفل که حیات شیرین شان از
اثر شش مرض ساری فوق الذکر
از دست میدهند تعداد زیاد اطفال
به فلج، کوری، تاخر عقلی و
معیوبیت های گوناگون نیز
مصائب میشوند و بدینتر تیب
تا پایان عمر یا رد و شجاعت
شان میباشند. این رقم

در کشورهای در حال رشد به
اندازه زیاد است که حتی در کشور
های انکشاف یافته غیر قابل
قبول پنداشته میشود. بتاسف
با یاد گفت که در سایر کشورهای
در حال رشد هنوز هم واکسین
کارکنان صحی و رهبران سیاسی
دوام این تراژیدی را عادی میندازند
و با وجود ارزانی و تسهیلات لازم
دسترس به خدمات معافیتی
تا هنوز فقط برای کمتر از ده
صد هشتاد میلیون طفلی که
سالها نه در کشورهای رو به
انکشاف چشم بجهان میکشاند
امکان استفاده از خدمات معافیتی
میسر است.

قابل یادآوری مینماید که از
جمله شش بیماری ساری و معاف
فیت دهند برای اطفال که در
وفیات اطفال بیش از دیگران
بیشی جسته اند عبارتند از سرخ
خکان سیاه سرفه و تیتانوس
اطفال نو زاده. طوریکه در حدود
یک تا ده درصد وفیات اطفال
در کشورهای در حال رشد از
اثر دو مرض اولی بوقوع رسیده
و بعضاً بیشتر از آنهم (البته
نزد اطفال خورد سال ترواطفا
لیکه تغذی درست نشده باشند)
دید میشود. تیتانوس اطفال
نو زاده کمتر از دو فیصد وفیات
اطفال را سبب شده مگر در حدود
هفتاد ثانود در چند اطفال کشور
های در حال رشد از اثر بیماریهای
گوناگون میکروبی چشم از جهان
میپوشند.

بولیو میلیت (فلج اطفال) فلج
کننده ترین بیماری اطفال بشمار
میرود.

بیماری دیگر یک حیات اطفال
را (بیشتر اطفال کشورهای
در حال رشد را) تهدید میکند
بیماری تو بر کلو ز (سل) است
که عامل مرضی آن با سیل کوخ
میباشد با سیل کوخ میتواند در
اعضای مختلف بدن تو وضع نموده
باعث مصائب شدن عضو مر بوط
به مرض تو بر کلو ز (سل)
گردد که میتوان بطور مثال از تو
بر کلو ز ریه ها، تو بولوز امعا
التهاپ تو بر کلو ز يك سحا یاو
غیره نام برد.

لازم مینماید تا تمامی سرویسهای مربوطه معا فیتی فعالیتهای شان را برای سالهای نامتناهی بصورت پیگیر و بلا وقفه دنبال نمایند و از همین است که در تمامی کشورهای جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایتی صحت طفل و مادر گردیده است ارزش و اهمیت این ضم گرددن سرویسهای انجام خدمات معا فیت کتلی با مراکز حمایتی صحت طفل و مادر اینست که حمایتی

تعهد اساسی عبارت از آنست تا تمامی کشورهای تعهد نمایند که تا سال ۱۹۹۰ عیسوی مخارج سرویسهای معا فیتی را برای کلیه اطفال کشورهای شان از بودجه ملی شان تدارک ببینند همچنان باید یک اداره پروگرام و مرکز حمایتی برای هر پروگرام ملی اختصاص یابد، قدم دوم پروگرام عبارت از پیاده نمودن ضمایم و جزئیات پلانهای که به تطبیق کامل و پیروز مندانه پروگرام می انجامد می باشد.

بعمل آمدن با آنکه سالها نه در حدود یکصد هزار طفلیکه کمتر از پنجسال عمر دارند جانهای شیرین خود را از اثر این مرض اذست میدهند کمتر دیده میشود.

یک چلنج سر نوشت ساز:

آیا بچگونه میتوان این وضع را بهبود بخشید؟

تمامی کشورهای در حال رشد سخت در تلاش اند تا خدمات معا فیتی را برای تمامی اطفال جوان معشان بدون در نظر داشت تبعیضات نژادی، ملی قبیله و غیره

گرچه تو بر کلو ز در مر حله ابتدائی خود نزد اطفال اعراض نشان نمیدهد مگر میتواند بعد از گذشت چند سال باعث یک بیماری فعال تو بر کلو ز یک معیوبیت و یا مرگ طفل گردد. مرض تو بر کلو ز (سل) با سه و نیم میلیون واقعه جدید در سال و وفیات نیم میلیون نفر در سال بسا ن یک معضله عمده صحت ثابت و یا برجا باقیمانده است. گرچه با تطبیق و اکسین (بی سی جی)



در تمامی کشورهای جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایتی صحت طفل و مادر گردیده است.

صحت طفل و مادر بدون معا فیت نامکمل میباشد، نقش سالها ن صحتی جهان در تطبیق موافقانه پروگرام معا فیت کتلی در سطح جهانی، منطقوی و کشوری بسان یک کتلیست میباشد. سالها ن مزبور جوان بگویی نیازها و خواستههای خاص کشورهای عضو که موجب تطبیق پیروز مندانه پروگرام معا فیت کتلی بسوی جهان میگردد میباشد.

این برنامه نه تنها برای ایجاد یک اداره سالم جهت تطبیق موافقانه پروگرام ضروری بوده بلکه نمایندگان بین المللی و کشورهای که در جهت تطبیق کتلی بسوی جهانی از قبول هیچگونه مساعی و مساعدت های قوای بشری، فنی و اقتصادی دریغ ننموده و نمی نمایند خیلیها نافع و سودمند مینماید. باید گفت که جهت تطبیق هر چه موافقانه تر پروگرام معا فیت کتلی

تأمین نمایند. که جهت نیل به هدف والا و انسانی فقط به تدارک خدمات ساده و ارزان بهای برای همه ضروری پنداشته شده و به مصارف کم شکن اقتصادی و برای طرح و ساختن کمپلکس های عصری تکنولوژی طبی کو چکتری نیاز احساس نمیشود و میتوانند با پرسوئل رسیده تعهد ملی برای تطبیق سرتاسری پروگرام به این مامول دسترس حاصل کرد.

میتوان خود و اطفال خود را در مقابل مرض سل و قایه نمود مگر از باعث اینکه مرض برای یک مدت زمان طولانی از نظر پوشیده میماند اغلبا واکسین (بی سی جی) برخلاف واکسینهای دیگر که خیلی ها زود اثر میکنند بعد از گذشت چند سال تولید معا فیت میکند.

واقعات بیماری و وفیات حاصله از دیفتری بمقایسه بیماریهای که از آنها فو قانند کار

مبارزه خلق فلسطین...

داده شود در مورد من فیصله
صا در نمود و برایم قرائت
گردید مرا بزندانها شگون انتقال
و مدت هفت سال را در زندان
مذکور سپری نمودم. شرایط
زندگی در داخل زندان خیلی
طاقت فرسا و پیش آمد زندانبانان
ناتوان غیر قابل تحمل بود. مقامات
مسئول زندان از همه زندانبانان
تقاضا داشتند تا در ورکشاپ
زندانبانان کار نمود و سهم از
زنده را در تولید بازی کنند
کسانیکه از این امر سرکشی می
نمودند جدا مجازات میکردید. در
یکی از روزها عمر شایلا بی که
یک زندانبان بود از رفتن به
ورکشاپ سرباز زد پولیس زندان
باعت و کوب مزید او را
مجبور ساخت تا در ورکشاپ
کار کند و قتی او به ورکشاپ رفت
یک ساله من هم برق را شکستند
که پولیس زندانبان او را نزد جستر
فیلد مدیر زندان برد و مدیر
مذکور او را بحدی شکنجه
داد که بیسوس گردید و بعد از
چند روز جان سپرد. مقامات
ذیصلاح زندانبان به وض اینک
قاتلین عمر شایلا بی را مجازات
نمایند و از آنها باز پرس قا
نونی کند آنها را مورد مکافات
قرار داد. اینست بر خور دضند
انسانی و خلاف کرامت بشری
صهیونیزم که از پشتیبانی پیدریخ
امپریالیزم امریکا که داد از حقوق
بشر میزند در مقابل مردم ما نیکه
از خانه و وطن بسزور را نه
شده و بخاطر حقوق
خود مبارزه عادلانه را برانداخته اند.

اعتصاب غذائی -

در ۱۱ سپتمبر ۱۹۷۶ ما دست
به اعتصاب غذائی زدیم.
خواستهای ما این بود که
تمام زندانبانانی که مرئی و
زخمی که منتهم شام آنها بودم
آزاد گردید و زندانبانان در
پیش آمد خشن خود تجدید نظر
نمود و نیز قاتلین عمر شایلا بی
محاکمه شوند. مقامات مسئول
زندانبان به منظور فریب مزید ما
بعضی اصلاحات را که جنبه
ظاهر فریبی داشت بوجود
آورد.

ولی چون ما از اعمال خائنه

دشمن خوب آگاه بودیم کمیته
که از تمام زندانبانان نمایندگی
میکرد بعد از یک سلسله
مذاکره فیصله زندانبانان را رد نمود
با دیداد آوری نمود که تعداد
زندانبانان فلسطین که از سال
های مختلف و با ایدلوزیهای
مختلف بود به پنجصد نفر بالغ
میکردید که در چوکات زندانبانان
و در مقابل دشمن مشترک هیچچیز
اختلاف بین ما موجود نبود. اعتصاب
نخوردن غذا برای مدت چهل و پنج
روز دوام کرد. در روز نهم اعتصاب
وضع صحیح بعضی از رفقای مابکلی
خواب گردید. زیرا مسئولان
زندانبان چند نفر را در یقه
نیل پلاستیکی بزور از راهسوراخ
بینی که بشکم منتهی میشود تغذیه
نمودند. چون اینکار موثرواقع
نشد تا محبوب سین از اعتصاب
دست بکشند دشمن به تاتیک
دیگری دست زد طوری که یکتعداد
از رفقای زندانبان را بزندان دیگر
انتقال داد و معتقد بودند که
با انتقال آنها بزندان دیگر
وضع بحالت عادی برخواهد
گشت که این عمل نیز موثر
نیفتاد.

بتاریخ ۳۰ دسمبر مدیر زندانبانان
یک گروه دیگر از زندانبانان را
بزندان دیگر به امید اینکه وضع
باجود خواهد یافت و زندانبانان
از اعتصاب غذائی دست خواهند
کشید انتقال داد. ولی این بار
نیز پلان دشمن موثر واقع

بقیه صفحه ۱۷

این رسم تست...

با پیکری استخوانی
و جویهای گلگون
که از میجهای تو جاریست. (۱)
از خسرو گلسترخی، کتایبی
به اسم (سیاست شعر، سیاست
هنر) اخیراً تجدید چاپ شده و
عاطفه گرگین همسر پیکارجوی
هنرمندش پا ره بی از شعرهای
چاپ نشده همسر قهرمانش را
نیز انتشار داده است. با نقل
شعر کاملی از گلسترخی، یاد
او را گرامی میداریم:

(۱) ولادیمیر مایاکوفسکی
شاعر انقلابی شوروی (۱۸۹۳-۱۹۳۰)

نشد که در نتیجه آن مبارزینیکه
بدیگر زندانبانان منتقل گردیده بودند
نیز دست به اعتصاب زدند.

که این اعتصاب تا ۴۴ جنوری
۱۹۷۷ نظر به امر کمیته ذیصلاح
که از طرف زندانبانان تعیین
شده بود ادامه پیدا کرد. چون
مدیر زندانبانان بخواسته های
ما عمل نکرد با رد یگر در ۴۴
فبروری اعلان اعتصاب کردیم
که اضافه از بیست روز دوام کرد
تا اینکه به بعضی از تقاضاهای
ما پاسخ مثبت داده شد. در داخل
زندانبانان تعامل چنین بود که معمولاً
خبر نگاران خارجی و صهیونیست
نیستی بملاقات زندانبانان میامدند
که مدیر زندانبانان یک زندانبانی را
میخواست تا به سوال خبر
نگاران مطابق منافع صهیونیسم
وامپریالیزم جواب بگوید
اگر زندانبانان خلاف گفته مدیر یا
معاون زندانبانان در حضور خبرنگار
چیزی میگفت که مغایر با لایسی
صهیونیسم می بود بعد از اینکه
خبر نگاران صحنه زندانبانان را ترک
میکردند. مدیر زندانبانان را لست
را خواسته و شدیدا او را لست
و کوب می نمود.

من در زندانبانان بسیار شبیه بودم
که خبر آزادی خود را شنیدم
طوری که در یکی از روزها پولیس
به اطای ما آمده مرا و سه زندانبانی
دیگر را صدا زد تا به اتاق دیگر
رفته و کالاهای خود را تبدیل
کنیم. بعد از آن در حالیکه
دست و پای ما بسته بود ما را در
یک موتور نظایمی انداختند
و موثر بحرکت افتاده و در دهان

بدین سوی
سر ریز می کنند
نان و گرسنگی
به تساوی، تقسیم می شود
ای سرور ایستاده!
این مرگ تست که
در تو ترانه های خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرو دفتح
این گونه چشمهای تو روشن
هرگز نبود است!!
با خون تو
میدان تو پخانه
در خشم خلق
بیدار می شود.
مردم، از آن سوی تو پخانه،
بدرین سوی
سر ریز می کنند
نان و گرسنگی
به تساوی، تقسیم می شود
ای سرور ایستاده!
این مرگ تست که
در تو ترانه های خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرو دفتح
این گونه چشمهای تو روشن
هرگز نبود است!!
با خون تو
میدان تو پخانه
در خشم خلق
بیدار می شود.
مردم، از آن سوی تو پخانه،

زنان در اتحاد شوروی

لایزم نیز بر مبنای درستی صورت خواهد پذیرفت.)) حزب کمونیست و دولت شوروی به حل و فصل مشکلات و پرابلم ها و مسایل زنان در کلیه امور ساختار و کلیه جا معه سهولت و آسانی، توجه عمیق و خاصی مبذول داشته و بر مبنای دگرگونی کلی قیافه اجتماع را به حل مشکلات و پرابلم های زنان را پیدا نموده و کارهای خلاق و موثر و مساوی آفرین را در جهت رفع نیازمندی ها و خوشبختی زنان انجام داده است. هر قانونی و مقرره ای اتحاد شوروی که طی سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۴ و ۱۹۳۶ بار تباطر حله ای معین ساختار و جامعه سو سیالستی بمیان آمده بودند اثر موثری در بهبود زندگی زنان داشته است.

قوانین که در سال ۱۹۷۷ در اتحاد شوروی به تصویب رسید موافقت ها و پیروزی های سو سیالیزم را، قانونا در مورد برای مساوات کلیه زنان با مردان در حیات اجتماعی، سیاسی، فامیلی و کار تضمین میدارد. آنچه که امروز از همه چشمگیرتر است عبارت از کمک های مادی است که به زنان بخصوص مادران صورت میگیرد.

برخورداری از فرصت های مساعد و امتیازات در جمله تضمین های مساوات و برای زنان در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت گردیده یکی هم برابری استفاده در کار استخدا م است. شرکت زنان در کارهای مفید و مولد اجتماعی منجر به آن میشود که از یکطرف زنان از نگاه اقتصادی مستقل و آزاد شوند و از جانبی اساس حقیقی و واقعی، برابری زنان با مردان محکمتر گردد. در اتحاد شوروی، حق و حقوق هر تبعه ای آن سرزمین، بشمول مرد و زن توسط ملکیت عامه و وسایل تولید و تشکیلات سو سیالستی طرح و تضمین گردیده است. در اتحاد شوروی

شمولیت زنان، در کلیه کارهای با ارزش اجتماعی بی نظیر است و پنجاه و یک فیصد کارگران صنایع و موسسات کار و اقتصاد ملی را احتوا میکنند تقریباً نصف زنان کارگر ۴۹ فیصد در صنایع استخدام شده است و تعداد زنان در شعبات پیشبرد امور تکنیکی روز افزون است. کار و محفوظ ساختن انواع کارها برای زنان و فراهم آوردن تسهیلات برای کارگران انجام شده میتواند لذا شرایط فوق را ایجاد نموده اند برای همه امور زندگانی کارگران خدمات درخشانی را انجام داده اند. در

اتحاد شوروی تطبیق حقوق زنان کارگر از طرف هیات مخصوص و با صلاحیت نظارت و کنترل میگردد. یعنی وسیله نمایندگان مردم اتحاد شوروی شعبات حقوق و اتحادیه های تجاری و همچنین کمیسیون های عامل کار زنان و بهبود شرایط زندگی اطفال و مادران که زیر نظر شورای عالی اتحاد شوروی فعالیت میکند. موظف است تا تطبیق حقوق زنان را در جلسه شورای عالی اتحادیه جمهوری خود مختار دوا یر و موسسات اتحاد شوروی تعقیب نماید و بهبود شرایط زندگی زنان کارگر را همیشه مد نظر

داشته باشد. قانون اساسی اتحاد شوروی، برای تمام اتباع اتحاد شوروی حق صحت سالم را تضمین میدارد زنان کارگر از تداوی صحی مستقیم در موسسات فابریکات خود در کلینیک ها و مراکز صحی اتحادیه های تجاری و غیره برخوردارند هنگامیکه زنان کارگر در حین کار آسیب ببینند و یا خطری متوجه آنها گردد طبق توصیه اکثر آن بوظائف سبیل و ساده گمارده میشوند. در سال ۱۹۷۷ سناتوریم مراکز استراحت و کمپ های توریستی جوامع و پنجاه میلیون کارگر و اعضای خانواده های شان بودند

بقیه صفحه ۴۳

اشتراک در اولین...

او پس بر جای نشست و من ازین چو کی بر خاستم و پشت چو کی لا فوک ها نشستم. آن جادو لا فوک چنان مصروف گفتگو بودند که در ذهن هر کدام شان هشتاد مکس داخل شده بود و آنها خبر نداشتند. اولی می گفت: من در تمام جهان سفر کرده ام و کویچه کویچه ای هر مملکت را بلد هستم. دومی گفت: به فرا نسه هم سفر کرده ای؟ اولی با غرور خاصی جواب داد: در فرا نسه آنقدر آشنا هستم که حتی نام تمام نفوس آنرا با نمره خانه های شان یاد دارم. دومی باز پرسید: خیبر جغرافیه را خوب بلد هستی؟ اولی سرش را خاراند و پاسخ داد: ها - هشت ماه در جغرافیه هم زندگی کرده ام. من تعجب نمودم که این جغرافیه کدام مملکت یا شهر است که این

جلالتماب هشت ماه در آن زندگی کرده. طاقتم طاق شد از او پرسیدم: می بخشی جناب این شهر جغرافیه در کجا واقع است که شما آنجا سفر کرده اید؟ رنگ این لافو که مانند مرغ تازه، سرخ و سبز شد و برای اینکه کم نیا مدد باشد قوارهاش را یک رقم کرده گفت: عجب آدمی هستید، شما خبر ندارید که جغرافیه در کجا واقع است، جغرافیه برا عظم بزرگی است که در پهلوی کویتل خیرخانه موقعیت دارد. ازین جواب سرم گیج شد و نزدیک بود که ضعف کنم اما صدای بلند دو درو غگو مرا بخود آورد که یکی بد یگری می گفت: من در افریقا چندین ببار را کشتم. دومی گفت: افریقا خوبیر ندارد

اولی جواب داد: عجب آدم احمقی هستی، درست است که افریقا ببر ندارد زیرا همه آنرا من کشتم. از شنیدن این گپ های بی سرو پا نزدیک بود که دیوانه شوم. اما از همه بدتر که در یوریل ما سر کرده لافو که بود. او ریل را چنان به تند می دو اند که سه برابر سرعت طیاره جت. از سرعت زیاد هر چه او را منع کردیم اما قبول نکرد - تا اینکه وای وای ... تا اینکه ریل خنده از قطار خارج و شدیدا با یک کراچی تکر کرد ازین تصادم سرم بشدت به کله نفر پهلویم خورد و درد شدیدی را در سرم احساس کردم. اما خوشبختانه که در همین هنگام حساس بود که از خواب بیدار شدم. ولی بعد از بیداری متوجه گردیدم که هیچ کاری نشده و فقط سرم به دیوار خانه خورده است. پایان

غایتول کماله

ورژید؟

۱۳۵ مخ پاتی

دوی یو ه درنده او له عزت نه ډکه
سو له او او روغه جوړه غواړي ،
داسی روغه چس د هغوی لپاره
همیشنی او دهغوی په گټه وی ...
یوه عا د لا نه سو له که
پرون مو د داسی سو له کوله چی
دده تر بر و نو د اختلاف اواړی
پی را ته ، نن دیو ه و طن ، د یوه
ولس لپاره سو له غواړو ... دعزت
سو له او همیشنی سو له
داسی سو له چی نو ری خو ک
ما ته نکړی شی ...

انقلاب داسی سو له را وستل
غواړی چی ملک یی تر سیو ری
لا ندی آرام او ودان شی ... خو ک
په چا تیری و نکړی ، خو ک دچاپر
حق خپته وا نه چوی او خو ک دبل
چا تر پښو لا ندی کول خپل
پلار نی حق و نه گڼی ... داسی
سو له چی زمو د زیار ایستونکو
دعزت شمله پکی لوړه او او چته
شی او س و پو هیدی چی و لی
دولس ته غواړی ستا او د (صیب)
په شان کسانو پیشنهادهی سوله
ومنی ... ځکه چی دزیار ایستونکو
سرونه بیاد هغوی مز دوری او
غلامی ته یتوی ... او دا سم
هغه کار دی چی انقلاب خلکو ته
حق ور کړی چی مخالفت ورسره
وکړی او پر ته له ویری او داره
مخالفت ورسره و کړی ...

دلال ټین په رها کی د بز گرانو
هیښی او حیرانی خیری دسورکی
خبرو ته بر پښید لی ځکه داوخت
سورکی داسی خبری کولی چی
دپو لو بز گرانو په زړو نو او
عقلو نو کی وی خو بیا نو لسی
پی نشوی ...

خو شیبی چو پیتا را غله ، خو
زرغون شاه آدم خان ته
وکتل او دواړه پا خیدل ..
پو لو په تعجب سر ه هغوی ته
وکتل ، خو باز گل ناری کړی :

— هلکو تاسو چیری پا خیدی ...
جر گه خو ند ه ختمه شوی !
زرغون شاه او آدم خان په
پښوو دریدل او چی غو بنستل
پی روان شی نو سور کی و ر و
خپل خنک ته ناست خلصی خواته
اشاره و کړه او بیا یی وویل :
سورو نو زرغون شاه او آدم خان
هیڅ چیری تللی نه شی ... هغوی
په د پښو و نخي د سو زو لو په
پښنه کی ولس او ناستی جر گس
ته صفا پی پیش کوی ...

یو ځل بیا د بز گرانو په منځ
کی گڼه گو نه شوه ، او له بلسی
خوا آدم خان او زرغون شاه
یو بل ته په تشویش سره وکتل
خو په همدی کی در وازه خلاصه
شوه او د انقلاب د دفاع د کمیټی
ددو تنو ملکرو په منځ کی یو تن
ب پرور سړی چی کا زه بریت او
سړی سړی ستر گس یی وی او
دنگه جگه ونه پی در لوده ، حجری
ته را ننه ایستل شو ...

پدی کی بیا هم زرغون شاه
او آدم خان یو بل ته په ویره
ویره سره وکتل او زرغون شاه
خپله شو نه تر غا بنی لا ندی و—
چیچله .

او پو لو بز گرانو په یو ه آواز
او د تعجب له زوره وویل :

— څه شی ؟ د ((صیب)) ناظر

توری ؟ !!
د بڼا دی سترگی په یسوه
معین ټکی با ندی نښتی وی اوله
هغه ټکی څخه نه جلا کیدی . دهغه
د تند کی گو نخي د سمندر د تورو
او توفانی خپو په خیر یو په بل
باندي را تللی او یو په بل کی
غو ته کید لی ...

په غوړ و نو کی یی یو شور بکت
او کړنگا وه ... او دا غږ یی
پر له پسې په غوړ کی په مشخص
ډول کړنکیده :

— چی وا په جو اړ دی څه کړل؟
خواب پر ته له ځکرو یو څخه
بل څخه نه و ... بیا هم دلښتو او
لر کیو شر قو نه و چی او ریدل
کیدل ...

هغه لیدل چی با زک څنګه پرکټ
با ندی تپل شوی او د لښتو او
لر کیو با ران پی او ری ..
د بڼا دی ستر گو ته دسروو یتو
یو ځا در وغوړید ... هغه وینسی
چی د با زک له لوخی شا او ډډو
څخه بهید لی او د پو بنیو په امتداد
کی یی د کټ منجو نه رنگینول او
سره کول ...

خو با زک ځکر ویده او نور غږ نه
تری خوت !
یو ه شیبی چو پیتا ځکه چی دبا زک
شکنجه کوو نکي ستر ی شوی و
خو یو ه زغر د او ډ آواز په سد
کړ :

— هلکه توری په ، خدای دی خوار
کړه لکه چی ستر ی شوی ... وهه
دادناو لی او سپیره زوی ... چی
پو ه شی غلا څنګه ده ؟

هو ، دا توری و ... داد (صیب)
ناظر توری و چی د بڼا دی بز گر
زوی یی د دو ه منو جوارود غلا په
تور لښتو ته تپ لی واو د (صیب)
په امر یی شکنجه کا وه ...

دا تیر کلو نه او له انقلاب نه
مخکی کلو نه او هغه وختو نه و چی
بڼا دی د (صیب) بز گرو .

هغه او زوی یی با زک د (صیب)
په ځمکه کار کاوه او مز دوری
یی گا لله .

بڼا دی لیدل چی زوی یی
شکنجه کیری خو هیڅ یی نه
ویل او نه یی شول و یلی ... آخر
د (صیب) دا ارادی او امر په مقابل
کی چا د مقاومت توان درلود ، چا
کولی شول چی د هغه مخی ته
ودر پری ، هغه خپلی مړی مړی
او ښکی دخپل لنکو تی د شملی

په پیڅکله با ندی پا کولی او
زغم یی کاوه ...

بڼا دی ته هغه شپه و ر پیا د شوه
چی د د یو ی ټتی رها ته یی د زوی
ستر کی د تل لپاره پتی شوی او
سایي و ختله ... هو ، له با زک
نه دو مر ه و ینه تللی و ه چی نوری
نه شو کولی خپل ژوند ته دوام
ورکړی ... با زک مړ شوی و ...
خو دا چاوړ لی و ؟

یو ځل د بڼا دی په اندا مو نو
کی ریر د یدا پیدا شوه . د توفانی
خپو په خیر و خو څید له ځا په
ولا پ شو او چا کولی راوکیښ او
د توری خوا ته یی و دا نکل ...
خو په هوا کی یی چا له لاسه
چا کولی واخیست او په ځای یی
کښینا وه .

دا سور کی و چی د بڼا دی حال
ته یی سرله اوله توجه وه چی
څنګه د خپل زوی قا تل ، توری
ته یی سر له او له توجه وه چی
په لټه کی شوی و .
بڼا دی چیغه کړه :

— پری می ږدی چی زه لدغه قاتل
څخه د خپل زوی کسات واخلم ...
خو سور کی وویل :

— بڼا دی په په ځای دی کښینه ...
که مو د هر یو پر خپل قبر او غوسی
با ندی قابو نه شو او که مو د
هر یو په ځا نکړی تو که د غچ
اخیستو په لټه کی شو ددی وطن
دد ښمنانو څخه به د خپل کړ ول
شوی و لس غچ څنګه وا خلو ...
موغواړو ډله ییز غچ وا خلو ...

مو د غواړو چی له زور او ستم
له لوټ او تالان او تالا نګر و
څخه د له ییز غچ وا خلو ...

انقلاب به د زر گو نو ما —
شو ما نو ، تور سرو او سپین
سرو او بی دفاع خلکو غچ له
ټولو لو ټمار و څخه وا خلی اودا به
ډیر عا د لا نه کسات وی ...

یغجینیا سیمونو...

تادرفلم تنها مردان پیر به معاربه میروند، ظاهر گردد و درین فلم وی رول یک دختر سال های طاقت فرسای جنگ جهانی دوم را بازی می کرد. بعد از آن وی در فلم عصری و جذاب « پرواز به تعویق افتیده » رول مهمی را بازی نموده بود.

درین هنگام وی مجبور بود از یک طرف به دروس خود اشتراک نماید و از جانب دیگر هرسب به یک میدان هوایی مسکو جا نیکه شوتینگ فلم صورت می گرفت برود و همه شب مادرش وی را تا میدان همراهی میکرد. بعد از ختم شوتینگ وی مدت دو ساعت استراحت میکرد و بعد از آن دو باره به مکتب بالای دروس خویش حاضر می گردید.

این توانایی و پشت کاروی بعد ها توسط دایرکتر (جوجی دا نیلیا) تو صیف گردید. این دایرکتر می گوید که سیمونو و دارای استعداد عالی بوده و آنچه رویش باشد به بسیار خوبی می تواند آنرا اجرا نماید. در حالیکه برخی از اکتور ها نمی توانند بازی نمایند.

بقیه صفحه ۵

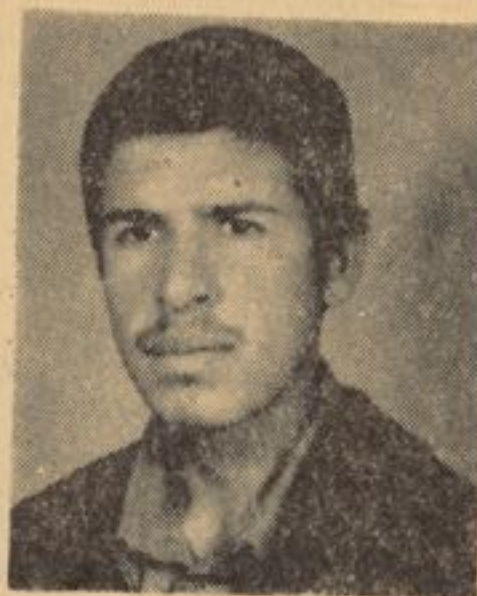
پیوستن به

صفوف...

علاقه و دلگرمی به صفوف قوای مسلح رجوع نموده در کمیساری های نظامی و دیگر مراکز مربوط جهت ادای عالیترین و جیبه ملی و قانونی شان یعنی سپری نمودن خدمت مقدس عسکری ثبت نام می نمایند و این علاقه و دلگرمی ایشان در پیوستن به صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان درحقیقت شور و شوق آن ها را بر ترقی و تعالی وطن و جامعه شان بازگو می کند و در مقابل زوال و نابودی دشمنان انقلاب و وطن و مردم ما را نزد یک تر و حتمی تر می سازد.

پیروزی از آن مردم زحمتکش ما است و شکست و رسوایی از آن دشمنان رنگارنگ مردم افغانستان.

پدر سیمونووا یک پرو فیسر و دکتور ساینس و استاد انستیتوت فعالیت های عالی عصبی می باشد. والدین وی می گویند که سیمونووا از جوانی را قبل از آنکه بسخن گفتن شروع نماید آغاز کرد. وی به آموزش یانو علاقه زیاد داشت و بدین ترتیب علاقه زیاد وی به هنر آواز خوانی و سینما باعث این شد که در جوانی وی به حیث یک ستاره زیبا و با استعداد رشد و تبارز نماید. در ظاهر این زندگی جذاب و آسان بنظر میرسد مگر واقعیت چنین نیست. زمانیکه وی شانزده سال اول بود از او خواسته شد



احمد فہیم

بقیه صفحه ۳۹

نقش نو جوانان در جامعه

قسمی که رزمندگان حزب دموکراتیک خلق افغانستان با مبارزات خستگی ناپذیر خود وطن ما را از بند استعمار، بی عدالتی، عدم تساوی حقوق و وابستگی های اقتصادی آزاد نموده انقلاب ملی و دموکراتیک نور به خصوص مرحله نوین و تکاملی



شکریه نواندیش متعلم صنف نهم

آنرا به پیروزی رسانیدند و درفش مبارزه افتخار آمیز و قهرمانانه خود را همچنان بر افراشته نگه داشتند رسالت نو جوانان نیز این است که از انقلاب خود دفاع نموده ایمن درفش آزادی را جاودانه بر افراشته نگه دارند. و افتخاراتی را که به خون هزاران مبارز قهرمان راه نجات انسان زحمتکش کشور به دست آمده حفظ نمایند.

وقتی که انسان در جامعه زندگی میکند، در قبال خدمت به جامعه و مردم خود مسئولیت های دیگری نیز دارد و باید این مسئولیت های خود را بشناسند، و برای کسب پیروزی از راه خدمت به جامعه سعی و تلاش کنند.

نو جوانان که یک نقش جامعه خود را تشکیل میدهند باید وظیفه فعلی خود را در مقابل جامعه و مسایل زندگی بشناسند. وظیفه درجه یک آن ها به خصوص در این موقع حساس تاریخی کشور فرا گرفتن علم و دانش میباشد.

نو جوانان سعی ورزند تا در این وقت هر چه بیشتر بیاموزند، زیرا فردای جامعه و وطن از آنها کار و آبادی میخواهد.

برای نو جوانان لازم است تا همواره مطالعه نموده راه خود را با مشعل علم و دانش روشن بسازند، تاریخ کشور خود را به صورت درست آموخته از شرایط عینی جامعه خود معلومات داشته باشند.

هر نو جوان باید آگاه باشد که فردای جامعه به وی تعلق دارد، بنا بر این، شایسته است که نو جوانان وقت گرانبهای خود را بیهوده صرف ننموده هر چه بیشتر باید بیاموزند تا در آینده هر چه نیکو تر نسل فردا های کشور را بیاموزند. و افتخارات بزرگی را در تاریخ کشور خود کمایی کنند.

چرا خواستم نویسنده شوم؟

انسان بنابر خاصیت ذاتی که دارد در برابر تماس هایی که با محیط و دیگران می گیرد به گونه ای بر داشت های خورد و بزرگ می نماید، گاه متوجه می شود که این تماس ها بروی چه اثر نموده و گاهی هم ممکن متوجه نگردد.

چیزی که من فکر میکنم این است که انسان چون یک موجود اجتماع گسست گاهی دلش می خواهد بر داشت های خود را، نوعی انتقال دهد یا تجربه هایش را برای دیگران اظهار دارد، به ویژه گاهی که فوق العاد گسی شخصی در عمل آشکار باشد.

من هم گذشته از این که جوانی هستم و باید سویی علمی و ادبی بلند و بلند تر باشد، ضمن برخورد ها و بر داشت های خود از اجتماع آرزوی نقل و بازگفتن این برداشت ها را برای دیگران دارم.

گاهی که بخشی از مردم را که میدیدم چنین می پنداشتم که آنها از من هم خواب برده تر اند بنا بر این، خود را مجبور احساس میکردم که چیزی بگویم یا ننویسم.

اگر کمی اظهار خود ستایی کنم، نوشته خواهم کرد که من حتی در دوران کودکی نیز دارای علاقه فراوان نسبت به نویسندگی و شاعری بودم و استعداد کم و بیش هم درین قسمت حس می کردم که ممکن این دو دست به دست هم داده مرا وادار به رفتن درین راه نمودند، یا ممکن است که تشویق دوستان و اعضای خانواده و یا چیزی دیگری درین باره پائیش کرده مرا رهنما گردیدند. من فکر می کنم که از راه نویسندگی

در راه روشن کردن افکار و اذهان گروهی از مردم که «تاسفانه آگاهی چندانی در بخشهای مهم زندگی ندارند، میتوان سهم موثر و بازاری داشت. امیدوارم گاهی که برداشته ام ادامه بیابد و من به آرزوی خود برسم.

دشواری های همگانی...

مدیر پروگرام های ملی بس :

همانطور یکه شما اشاره کردید و در جایی از سخن خود گفتید مشکل اساسی که دیگر دشواری ها هم از آن مایه میگیرد ، مشکل کمبود بس با توجه به تراکم رو زافزون جمعیت در شهر است معاون شار والی چند لحظه پیش یاد آور شدند که جمعیت اصلی کابل در حدود نیم میلیون نفر است اما اکنون بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر در این شهر زندگی دارند ، طبیعی است که ملی بس به تعدادی سرویس در اختیار دارد که به مشکل بتوان با آن به نیازمندی همین نیم میلیون جمعیت نا بت جواب گفت و از دیاد بیش از هفتصد هزار نفر در جمعیت شهری ایجاب میکند که توزیع خدمات شهری و در این شما ر خدمات ترا نسپو رتی نیز تا یکصد و پنجاه فیصد افزایش یابد که کاری است بسیار مشکل ، ملی بس جمعا در حدود هشتصد عراده سرویس در اختیار دارد که اگر همه ی آن فعال باشد میتواند خدمات خود را برای پنجصد هزار نفر به خوبی فراهم آورد اما از این تعداد همین اکنون متاسفانه اندکی کمتر از چهار صد عراده به دلیل فنی از فعالیت بازداشته شده است که به این حساب ما عملا توانایی توزیع خدمات ترا نسپو رتی را برای دو صد و پنجاه تا سیصد هزار نفر را مینمایم اما تعداد استفاده کنندگان درست چهار برابر این تعداد است .

انتقاد شما در مورد استفاده از رانندگان درجه سوم و چهارم کاملا وارد نیست - ما به کمبود در یو رگرفتا ریم و در صورتی که برای ما امکان پذیر باشد حتی همه ی رانندگان خود را درجه یک استخدام می کنیم اما مشکل کمی را نند - را چرا با مطرح میکنید ، استخدام در یو رهای درجه دوم و سوم کاملا به اجبار و از ناچاری است در مورد رویه ی خشن برخی از رانندگان نیز اغلب ما در این زمینه به آنها توصیه می کنیم و در صورت رسیدن شکایت حتی جریمه شان نیز می کنیم و لسی قصد یق می کنید که برای ما هم

مورد دیگر انتقاد شما مربوط به این است که باید تقسیم سرویس ها در خطوط شهری بر اساس احصایه های تخمینی جمعیت در هر محل باشد سخنی کاملا به جا است ولی امکان آن برای ما میسر نیست ما سرویس ها را نظر به ضرورت های که در هر خط مشاهده شود کم و زیاد می کنیم و اینکه گفتید ملی بس به شکایات مردم توجه ندارد من برعکس آنرا ادعا میکنم من ملی بس تا جایی که شرایط فنی و پولی اش اجازه میدهد خواهان خدمت گذاری به مردم است و در همه حال میکوشد به شکایات ، نظرات و انتقادات رسیدگی گردد ، اما تا مین همه ی نظرات و از جمله تهیه تعداد کافی بس که جوا بگوی نیا زمندی مادر این زمینه باشد در فرصتی اندک و چند ماه میسر نمیشد و در این زمینه باید مطالعه گردد ، شرایط خریداری سرویس های تازه ، تعیین شود ، برای آن پول تهیه گردد و کمک کشور های دوست جلب شود .

ملی بس همین اکنون از یکسو دست اندر کار تولید پرزده های مورد ضرورت برای بس های است که به دلیل تخنیک متوقف

اند تادو با ره فعال ساخته شوند و از سوی دیگر طرح خرید تقریباً یکهزار عراده بس تازه را از کشور های دوست اروپای شرقی به مطالعه دارد که با طی مراحل قانونی آن اقدام به خریداری میشود و بدون شک با همین اقدام یعنی فعال ساختن بیش از سیصد عراده سرویس غیر فعال و خریداری یکهزار عراده سرویس تازه همه ی مشکلات و از این مانده مسایل دیگر .

نوشته : رحمت ((سیا س حمیدی))

چرا امن میهنم را دوست دارم؟

چه دشوار است اگر دستها را توان و تاب این نباشد که آنچرا در ضمیر و در قطره قطره خون و اعماق احساس و اندیشه ام ، بخاطر و برای وطنم ، بر صفحه کاغذ نقش کند . میدانم که با چند کلمه ، و سوراخ ترین و پر بارترین واژه های جهان هم با شند ، نمیتوان آنچرا نسبت به میهن در نهاد خویشتن داریم بازگو کرد و انتقال داد .

ولی دشواری کار دلیلی نا توانی نمیتواند باشد . پس تلاش میکنم : وطنم را دوست دارم زیرا پدر ها و مادر ها یم در آن زیسته اند و پس از مرگ در خاک و آب و بادش جذب شده و فرزندان منم در باغهای اساطیری آینده اش زندگمی شانرا تجربه خواهند کرد ، زندگمی سبز تر از هرچه سبز و گوارا تر از هرچه باران را . وطنم را دوست دارم که در پیشه های تاریخش شیر دلی های مردان و زنانش نهفته است و کارنامه های غرور آفرین فر هنگیا نش .

میهنم را دوست دارم که در کوه های آسمان سایش عقاب های سرکش و بلند پرواز به جای هوا با آزادی زندگمی کرده اند و وزندگمی خواهند کرد . وطنم را دوست میدارم که

فصل هایش به شفا فیت و صمیمیت شعر شاعرانش پذیر فتنی و زیباست و طبیعتش طبیعت سوای آنچه طبیعت دارد . وطنم را دوست دارم که در دشت ها و مزرعه ها و کارخانه ها و کوه ها را نپی متالش دست های توانمند انسان به بازآفرینی و معجزه گری تلاش دارند و هر یک از این دست ها اسطوره ای در فردا های کشورم خواهد بود . وطنم را دوست دارم چونکه شرفیست و نامش همچو میترالی همواره در خشان در تاریخ است . لمند شرق تا بید نی بی مرز داشته است .

میهنم را دوست دارم که در نامش جا د وینست به شکوه در خشش خورشید در دریای بیکرانه و صمیمیت بی غش حریر نور مهتاب در نیمه شب بهاری در مزرعه یی سبز که بزرگوار و جانورانش تا بستان پر حاصل را خواب می بینند .

وطنم را میپرستم و برایش زندگمی میکنم و میمیرم چرا که مادر تن و روان من است . و هیچ موجودی و هیچ نامی را در اوج و در عمق اندیشه و احساسم برتر از او ندارم و نمی شناسم و تنها شانس برای بودن بعدی منست .

زن فریب...

خورده «اعلام گردید، همه جا صحبت از موفقیت نما یشنامه بود. کارکنان تماشاخانه همه راحت و شاد بودند، این نما یشنامه مدتها با موفقیت اجرا گردید زنی محبوب تماشاگران و منتقدین شده بود، منتقدینی که اغلب به فایز ایراد می گرفتند که قهرمانان نما یشنامه هایش بیش از اندازه ساده و غیر واقعی اند، این بار قبول کردند که او در بیان عواطف بیشتر از همیشه موفق است. وقتی که بعد از دوازده بار کف زدن معتد و خواستنی هنر پیشه گان سر انجام پرده افتاد و دوستان به پشت پرده نما یش شتاب فتند، منکه به مشکل و آهسته از در راهرو پر از بیرو بار قدم میزد، گفتگوی تماشاگرانی را که از هر طرف به من فشار وارد می آوردند، می شنیدم بسیاری از آنها قهرمانان واقعی را می شناختند:

— واقعاً عجیب بود، زنی توانست عیناً مانند اوات صحبت کند.

— بلی، و این موضوع، بخصوص بیشتر از آن جهت جالب است که این دوزن شباهت چندانی به هم ندارند.

— بر نار را چرا نمی گویی؟ حتی طرز راه رفتنش به خوبی تقلید شده بود.

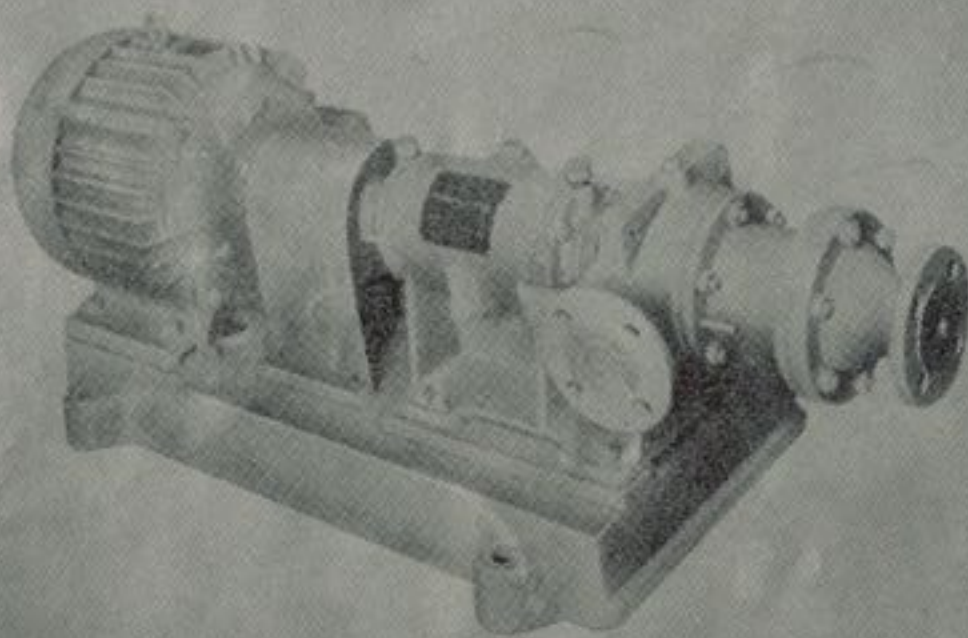
— و جی که مرا با خود میبرد به اتاق زنی فرود آورد، رو برو اوات هم آنجا بودند، یکی از دوستان بی احتیاط اوات به او گفت.

— از خلال گفتار و رفتار باز یگر میدیدمت.

اوات خنده بی شاد و صا دقانه سر داد و گفت:

— من؟ منکه در این ماجرا نقشی ندارم!

تخماش اکسپورت تقدیم میکند



TECHMASHEXPORT * SSSR

بهترین و اترپمپها به سائزهای مختلف برای منازل — باغها — مزارع. فابریکات و مؤسسات تکنیکی با تکنیک پیشرفته سرویس کامل و مراقبت دایمی. لطفاً فرمایشات تانرا از طریق نمایندگی تجارتی اتحاد جماهیر شوروی در کابل بسپارید.

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکرای

آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس: انصاوی واپ جوادریاست
مطابع دولتی — کابل

تلفون مدیر مسوول: ۲۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
تلفون ارتباطی ژوندون ۲۱
سوجبورده مطابع دولتی ۲۶۸۵۱

دولتی مطبعه

— چی؟ پس ژولیسست کسی بود؟

— ژولیسست شباهتی به من ندارد. من نمی فهمم.

— اوات عزیز! — شما نظور که تو شبیه ما دام کاملیا نمی باشی.

و در حالیکه به سوی زنش خم شده بود، او را بو سید، خا نسیم آستیه در پا ریس نبود، به همین جهت با آنکه دوعدد تکت برا یش فرستاده شده بود، در نما یش «زن فریب خورده» حضور نداشت.

— شنیدی، زنکه احمق چه گفت؟

کسانی وجود دارند که هیچ چیز از

شو هرش گفت:

— اوات عزیز!

و در حالیکه به سوی زنش خم

شده بود، او را بو سید، خا نسیم

آستیه در پا ریس نبود، به همین

جهت با آنکه دوعدد تکت برا یش

فرستاده شده بود، در نما یش

«زن فریب خورده» حضور نداشت.

مسجد خواجه پارسا (واقع در بلخ) یکی از بناهای
با ارزش و تاریخی کشور ماست



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library